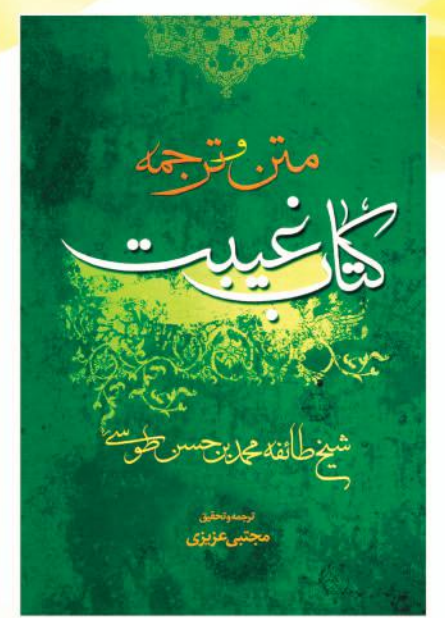
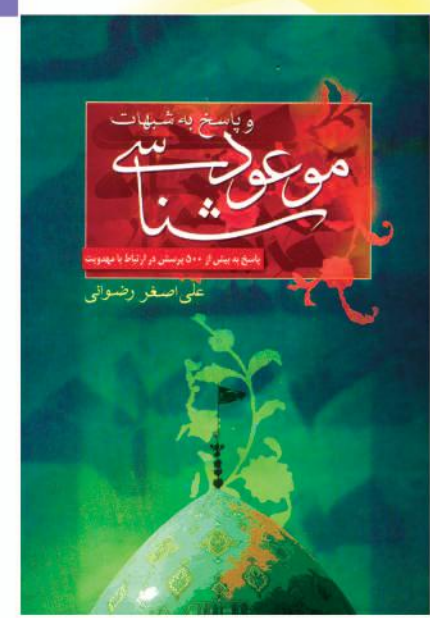
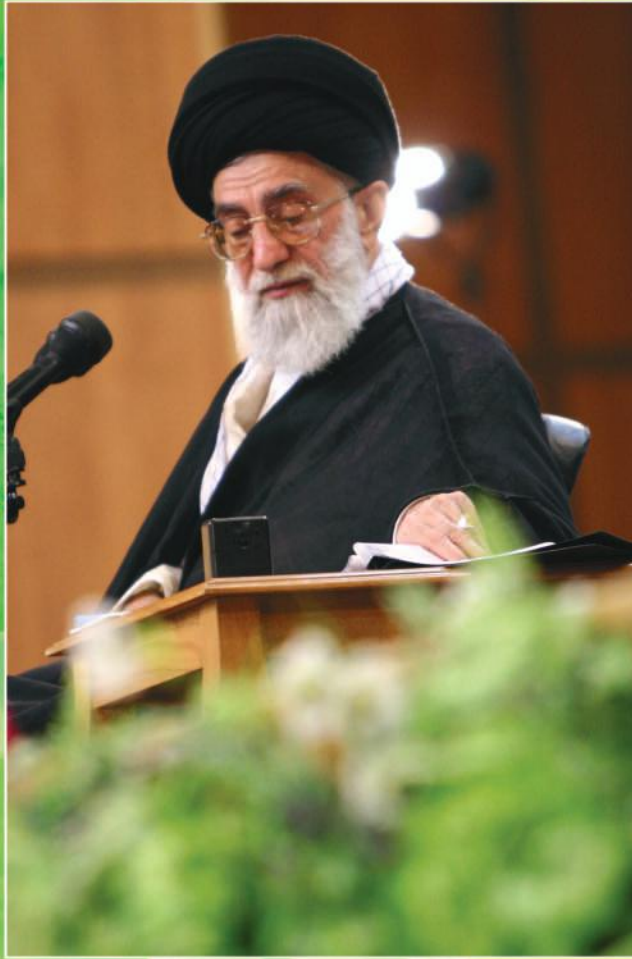





AMAN 18
 تلفکس: ۰۲۵۱-۷۸۳۲۵۰۰
www.aman.ir



انتشارات مسجد مقدس جمکران
 پرتلاش ترین ناشر کتب مهدویت
 با همکاری مراکز و مؤسسات مهدوی در خدمت مهدی یاوران
 عرضه کتابهای دینی، اعتقادی و پاسخ به شبهات
با تخفیف ویژه: از ۲۰٪ تا ۴۰٪
 نشانی: قم / صندوق پستی: ۶۱۷
 تلفن: ۷۷۵۲۷۰۰ و ۷۲۵۲۳۴۰-۰۲۵۱



خطاب به مولایمان و صاحبان حضرت ولیعصر (عج)

آخرین جمله را هم به امام و مقتدای خودمان ولی عصر علیه السلام عرض می‌کنم. ای سید و مولای ما، پیش خدای متعال گواهی بده که ما در راه خدا تا آخرین نفس ایستاده‌ایم. بزرگترین آرزو و افتخار بنده این است که در این راه پرافتخار و پرفیض و پرپهجت، جان خودم را تقدیم کنم.

از فرمایشات مقام معظم رهبری (۲۱ تیرماه ۱۳۷۸)

و یک خطاب آخری هم عرض کنم خطاب به مولایمان و صاحبان حضرت ولیعصر علیه السلام: ای سید ما، ای مولای ما، ما آنچه باید بکنیم انجام می‌دهیم. آنچه باید گفت را هم گفتیم و خواهیم گفت. من جان ناقابلی دارم جسم ناقصی دارم اندک آبرویی هم دارم که این را هم خود شما به ما دادید همه اینها را من کف دست گرفته‌ام در راه این انقلاب و در راه این اسلام فدا خواهیم کرد اینها هم نثار شما باشد. سید ما مولای ما دعا کن برای ما. صاحب ما توئی صاحب این کشور توئی صاحب این انقلاب توئی پشتیبان ما شما هستید و ما این راه را ادامه خواهیم داد با قدرت هم ادامه خواهیم داد. در این راه ما را با دعای خود و با حمایت خود و با توجه خود پشتیبانی بفرما.

رهبر معظم انقلاب (۲۹ خرداد ۱۳۸۸)



میلاد گل

میلاد گل و بهار جان آمد
خاموش مباش زیر این خرقة
برگیر به دست، پرچم عشاق
گلزار زعیش لاله باران شد
با یار بگو که پرده بردارد
آماده امر و نهی و فرمان باش

حضرت امام خمینی علیه السلام





ایمان لاهل الارض
(من مایه آسایش و امنیت اهل زمین)

ایمان

گامی نو در عرصه امامت و مهدویت

مدیر مسئول: مجتبی کلباسی
سر دبیر: محمد صابر جعفری
مدیر اجرایی: حامد اسلامجو
مدیر هنری: رضا عاشوری
واژه نگار: عباس فریدی

سر مقاله/ سردبیر ۲

- نیمه شعبان، لیلۃ القدر اهل بیت/ آیت الله جوادی آملی ۴
ازمان امامت و مهدویت از منظر صحیفه سجادیه/ انیر محسن عرفان ۵
پیامهای حضرت مهدی به دولتگردان/ علی اصغر رضوانی ۷
تربیت جامعه منتظر/ دکتر فرامرز سهرابی ۹
یادداشتی درباره جشنهای نیمه شعبان/ سید مهدی موسوی ۱۲
زنگ زده ها/ احمد حاج قلی ۱۴
مکانیسم رشد اخلاقی در عصر ظهور/ حامد اسلامجو ۱۶
دل نوشته ۱۸
رازها و روزها/ محمد جواد کمار ۲۰
یاری امام حسین و امام مهدی/ سید حسین زمانی ۲۲
کفتکو با حجة الاسلام و المسلمین پناهیان ۲۴
در محضر خویان ۲۸
وها بیت/ نعمت الله حشمتی ۲۹
چشمتن تولد بدون صاحب تولد/ فاطمه حیدری ۳۰
علی اکبر، الگوی جوانان/ محمد رضا نصوری ۳۲
اعمال ماه شعبان/ رضا اندی ۳۴
کرانه کرامت/ محمد رضا فزادیان ۳۸
مصاحبه با جمال شورجه ۴۰
یا خادمان ۴۲
- ۴۴ من را در کنار یکی از درهای بهشت به خاک بسپارید
۴۶ وقف آقا/ محمد رضا فولادیان
۴۸ بهاریه/ ابوالفضل فیروزی
۵۲ ویروس بیخ زندگی/ جواد اسحاقیان درجه
۵۴ یاد شهیدان به خیر/ درویشی - مردانی
۵۷ عریضه
۵۸ جنگ جای خود چراغانی هم جای خود
۶۲ پرسشها و پاسخ های مهدوی
۶۳ مجموعه خانواده مهدوی
۶۴ پیامک های مهدوی
۶۶ خورمانی
۷۰ نامه های رسیده
۷۱ متن های ادبی
۷۲ شعر
۷۴ اخبار
۷۸ جدول
۷۹ مسابقه

امان، در ویرایش و تلخیص مقالات آزاد است.
مقاله های درج شده، لزوماً بیانگر دیدگاه نشریه نیست.
می خواهیم نشریه ای ارائه دهیم نه برای عنوان و تیراژ و ...
فقط ویژه امام زمان، آن که سست و بی پایه نباشد. زیبا و
شایسته برای همه علاقه مندان به ساحت مقدس امام مهربانمان
پس مشتاقانه نیازمند دست و فکر یاریگرتان هستیم. با آراء،
پیشنهادها، مطالبات و ... ما را در ادای این امر یاری کنید.

مراکز پخش: قم/ مرکز تخصصی مهدویت ۰۲۵۱-۷۷۳۷۸۰۱
۷۷۳۸۴۳۴ و ۷۷۳۷۱۶۰ و ۷۸۳۳۷۷۰
انتشارات مسجد مقدس جمکران/ تلفن ۰۲۵۱-۷۲۵۳۳۴۰
تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج) ۰۲۱-۸۸۹۸۱۳۸۹
ارومیه: ۰۴۴۱-۲۲۵۱۲۱۲
مشهد: ۰۵۱۱-۲۲۳۶۸۱۷
تبریز: ۰۵۵۵۵۵۰۵ و ۰۴۱۱-۵۵۴۵۷۲۷
خرم آباد: ۰۶۶۱-۳۳۳۹۸۹۳
رشت: ۰۱۳۱-۶۶۶۹۵۵۰
ساری: ۰۱۵۱-۲۲۱۱۸۳۰
کرمان: ۰۳۴۱-۲۲۲۲۳۳۷
اصفهان: ۰۳۱۱-۲۲۵۵۱۱۵
شیراز: ۰۷۱۱-۲۳۴۹۳۰۰
آبادان: ۰۶۶۱-۲۳۳۰۱۱۱
کرمانشاه: ۰۸۳۱-۷۲۱۷۶۱۶
اهواز: ۰۶۱۱-۲۲۵۹۳۳۴

نشانی: قم/ خیابان شهداء/ کوچه آمار/ بن بست شهید علیان
پلاک ۲۴ مرکز تخصصی مهدویت ص.پ: ۳۷۱۸۵-۳۹۷۵
نشریه امان
تلفن: ۰۲۵۱-۷۸۳۲۵۰۰



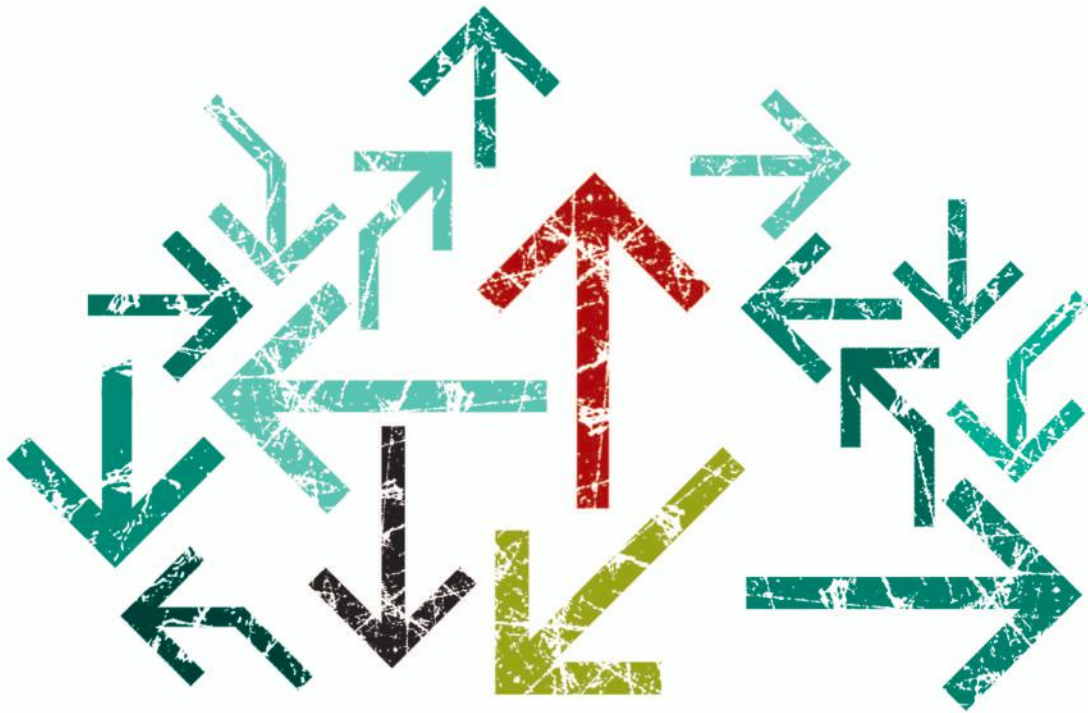
با تشکر از شورای نویسندگان و تمام مهدی باورانی که به نوعی یاری گر ما بوده اند.



یک انتخاب رأی؟

نمی‌خواهم به انتخابات بپردازم، چه شیرینی و زیبایی حضور و چه تلخی‌های پدید آمده؛ خائنه یا غافلانه^۱. موضوع امامت و مهدویت هم ربطی به انتخاب مردم ندارد که ولیّ خدا را خدا می‌شناسد **اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ**^۲. خدا بهتر می‌داند چه کسی عهده دار رسالتش گردد. خود بهتر می‌داند چه کسی را امام قرار دهد و به مردم معرفی کند. اما بالاخره ولیّ خدا اگر بخواهد کار کند، بخواهد اهداف خود، تعلیم و تزکیه و... هر آنچه هدف از رسالتش است را به منصف ظهور برساند، بایستی دستان و پاهایی گرد هم آیند. پاهایی پا در رکاب و دستانی، دست در دست هم، آماده خدمت. امیرالمؤمنین هم باشد، اگر مردم نباشند، شیرینی حضوری نباشد، بصیرت و قدم‌های محکم نباشد و قلب‌های استوار؛ خانه نشین می‌شود.

حکایت؛ حکایت روشنی است. اگر راه ولیّ ات را انتخاب کردی؛ با تمام وجود او را برتر از هر چیزی یافتی به «مَعَكُمْ» (با شما، با شما) رسیدی، امام را تنها راه یافتی^۳؛ وقتی امام را اینگونه معرفت یافتی و در این مسیر قرار گرفتی، تازه یک بُعد دیگر این انتخاب مانده و آن عدم انتخاب غیر از این راه است. **لَا مَعَ غَيْرِكُمْ**^۴ با دیگران نیستیم. با شما نه با دیگران.



این انتخاب، مهمترین انتخابات است. صندوق رأی، این است که جانت ولی خدا را بر غیر او مقدم دارد. به که دل می‌دهی؟ با که همراهی؟

آخرالزمان امتحان‌های متفاوتی دارد؛ داستان غربال شدن است. راوی از امام باقر علیه السلام پرسید: کی فرج شما فرا می‌رسد؟ امام فرمود: هیهات. هیهات فرج ما محقق نخواهد شد تا اینکه غربال شوید. غربال شوید تا این که آلودگی‌ها بروند و پاکی‌ها بمانند.^۵

انتخاب می‌کنی و انتخاب می‌شوی. و برای همین انتخاب، جایگاهت متفاوت می‌شود. امام صادق علیه السلام فرمود: قسم بخدا آنچه منتظر آنید و متوقع اوید، رخ نمی‌دهد؛ مگر اینکه غربال شوید. قسم بخدا آنچه منتظر آنید و توقع او را دارید، رخ نمی‌دهد؛ مگر اینکه شناخته و جدا شوید. بخدا سوگند آنچه منتظر آنید و متوقع اوید، رخ نمی‌دهد؛ مگر بعد از ناامیدی‌ها. قسم بخدا آنچه منتظر آنید و مترصد آنید، رخ نمی‌دهد؛ مگر این که هر یک از سعید و شقی به نهایت کار خود برسند.^۶

دنیای حکایت پل صراط است. پل صراط از همین جا شروع می‌شود^۷؛ از همین انتخاب‌ها. وقتی خوب را انتخاب کردی و دست و پایت نلرزید. تردید هم نکردی. به اوج می‌رسی و اگر بد را انتخاب کردی، سقوط کردی. انتخاب بد همان و سقوط همان. اگر رسول خدا صلی الله علیه و آله را انتخاب نکردی، فردای حسرت، پشیمانی که ای کاش با رسول همراه بودم «و یوم یعض الظالم علی یدیه یقول یا لیتنی اتخذت مع الرسول سبیلاً^۸»؛ و پشیمانی از انتخاب دیگران، ای کاش فلانی را دوست نمی‌گرفتم «یا ویلتی لیتنی لم اتخذ فلاناً خلیلاً^۹».

حکایت ما فقط حکایت انتخابات و انتخاب یک مسئول نیست (که همان هم چه دولتمرد و چه مردم اگر در تصمیم‌ها و تلاش‌های خود، خوب انتخاب نکنند از میان دنیا و دلبستگی‌ها، خدا و خدمت خلق، شهرت و معروفیت، بندگی و تلاش مخلصانه برای دین و بندگان، درست انتخاب نکنند؛ تلاش‌شان حسرت است و سنگینی و وزر) حکایت، انتخاب راه دنیا و آخرت است. و نیمه شعبان تلنگری است برای این که دل را به ولی خدا بسپاری. همه عالم صندوق است و همه ما انتخاب‌گر و رأی‌دهنده. مهم این است رأی‌ات باطل نباشد.

محمد صابر جعفری

پی‌نوشت

۱. تعبیر مقام معظم رهبری (دامت برکاته).
۲. انعام ۱۲۴. خدا بهتر می‌داند که در کجا رسالت خود را مقرر دارد.
۳. السَّامُ عَلَیْكَ يَا سَبِيلَ اللَّهِ الَّذِي مَن سَلَكَ غَيْرَهُ هَلَكَ بِإِسْلَامٍ بِرِ مَهْدَى رَاحِ خَدَايَ كَهْ جِزْ آن رَاهِ هَلَكَاتِ اسْت.
۴. زیارت جامعه.
۵. بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۱۱۳ - نعمانی، الغیبة ج ۲۰۸ ص ۱۲. مَن یَكُونُ فَرَجَکُمْ فَقَالَ هَيَّاهُتْ هَيَّاهُتْ لَا یَكُونُ فَرَجُنَا حَتَّى تُغْرِبُوا ثُمَّ تُغْرِبُوا ثُمَّ تُغْرِبُوا یَقُولُهَا ثَلَاثًا حَتَّى یَذْهَبَ الْکَدْرُ وَ یَبْقَى الصَّوْرُ.
۶. بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۱۱۲... حَتَّى یَشْفَى مَن شَفَى وَ یَسْعَدَ مَن سَعَدَ.
۷. به تعبیر امام راحل (ره).
۸. فرقان ۲۷.
۹. همان.



نیمه شعبان

آیت الله جوادی آملی

لیلة القدر

اهل بیت علیهم السلام

با تولد ولیّ خدا بهترین برکات شامل مردم می‌گردد، زیرا او خیر اهل الأرض^۱ است و اثر وجود بهترین انسان زمین، تمام زمین و ساکنانش را بهره‌مند می‌سازد. ولیّ عصر علیه السلام و آخرین حجّت الهی که خیر اهل الارض زمان ماست، در سحرگاه نیمه شعبان سال ۲۵۵ (ه.ق) چشم به جهان گشودند و این شب مبارک که میلاد موفور السرور آن حضرت است، احتمال دارد شب قدر نیز باشد، همان گونه که به برخی اعمال لیلی قدر در این شب نیز سفارش گردیده است.

نیمه شعبان، شب مبارکی است که در فضائل شباهت بسیاری به لیلی قدر دارد و همان گونه که در برتری شب‌های قدر فرموده‌اند که: **فإنها لیلة آلی الله علی نفسه الا یرد سائلاً له فیها ما لم یسأل معصیة**^۲. در فضیلت شب نیمه شعبان نیز نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله فرمود که: **خداوند در شب نیمه شعبان به اندازه موی گوسفندان قبیله بنی کلب بندگان را می‌آمرزد؛ یغفر الله لیلة النصف من شعبان من خلقه بقدر شعر معزی بنی کلب^۳ و این سخن، کنایه از فراوانی آمرزیده شدگان در این شب مبارک است. کلام نورانی دیگری از امام صادق علیه السلام نشان می‌دهد نیمه شعبان نیز در حدّ خویش، شب قدر و واجد یکی از درجات تقدیر امور است. ایشان در برابر این سنت با لیلی مبارکه قدر فرمود: **أنها اللیلة التي جعلها الله لنا أهل البيت بإزاء ما جعل لیلة القدر لبنینا صلی الله علیه و آله**^۴ همین طور که خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله شب قدر مرحمت فرمود، به ما اهل بیت نیز نیمه شعبان را عطا کرد.**

امام باقر علیه السلام در پاسخ پرسشی درباره فضیلت شب نیمه شعبان فرمود که با فضیلت‌ترین شب پس از لیلة القدر، شب نیمه شعبان است که خداوند در این شب فضل خویش را بر بندگان ارزانی می‌دارد و با من و کرم خود آنان را می‌آمرزد، پس برای نزدیکی به خدای سبحان در این شب بکوشید؛ چون خداوند سوگند یاد کرده است که هیچ سائلی را - تا وقتی که امر ناپسند و گناهی نخواست است - محروم نگرداند: **هی أفضل لیلة بعد لیلة القدر؛ فیها یمنح الله تعالی العباد فضله و یغفر لهم بمنه. فاجتهدوا فی القربة إلی الله (تعالی) فیها، فإنها لیلة آلی الله تعالی علی نفسه إلا یرد سائلاً له فیها، ما لم یسئل معصیة و...** فاجتهدوا فی الدعاء و الثناء علی الله (عزوجل).

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز شب نیمه شعبان به عایشه فرمود که در نیمه شعبان اجل‌ها نوشته و ارزاق قسمت می‌گردد و خدای عزوجل در این شب بیش از موهای بزهای قبیله بنی کلب، بندگان را می‌آمرزد و فرشتگان را به آسمان دنیا و از آنجا به زمین نازل می‌کند و در این نزول ابتدا در مکه فرود می‌آیند.^۷ و^۸

پی نوشت

۱. الکافی، ج ۱، ص ۴۶۷؛ من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۷۷.
۲. رک: اقبال الاعمال، ص ۲۱۴.
۳. آن شب، شبی است که خداوند بر خود فرض کرده که درخواست کنندگان را مادامی که معصیت و گناه درخواست نکنند، بی‌پاسخ نگذارد؛ الامالی، طوسی، ص ۲۹۷؛ وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۰۶.
۴. فضائل الأشهر الثلاثة؛ ص ۶۱؛ بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۸۶.
۵. الاماری، طوسی، ص ۲۹۷؛ مصباح المتعجد، ص ۷۶۲؛ بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۸۵.
۶. الامالی، طوسی، ص ۲۹۷.
۷. فضائل الأشهر الثلاثة، ص ۶۲؛ بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۸۹.
۸. موعود موجود، جوادی آملی، ص ۶۰.





امیر محسن عرفان

دعا، نردبان تقرب به سوی خدای سبحان و نهر همیشه جاری شستشو دهنده گناهان آدمیان است. دعا ارتباط آگاهانه، خالصانه و خاشعانه با پروردگار است. دعا قبل از آن که ابزار زندگی باشد، ابزار بندگی است و بیش از آن که خواهش تن را ادا کند، حاجت دل را روا می‌کند و برتر از آن که سفره نان را فراخی بخشد، گوهر جان را فربه می‌کند. در بوستان نیایش و دعا، صحیفه سجادیه امام سجاد علیه السلام جزیه خاص خود را دارد، این کتاب از طرف دانش‌مندان برجسته ما «أخت القرآن»^۱ «انجیل اهل بیت علیهم السلام» و «زبور آل محمد علیهم السلام»^۲ لقب گرفته است. جالب آن که مؤلف تفسیر طنطاوی پس از دریافت نسخه‌ای از این کتاب در قاهره چنین می‌گوید:

«این از بدبختی ماست که تاکنون بر این اثر گرانبهای جاوید که از موارث نبوت است، دست نیافته بودیم، من هر چه در آن می‌نگرم، آن را از کلام مخلوق برتر و از کلام خالق پائین تر می‌یابم»^۳

دوره‌ای که امام سجاد علیه السلام در آن زندگی می‌کرد، دورانی بود که ارزش‌های دینی دستخوش تحریف و تغییر قرار گرفته بود، در سایه چنین شرائطی که تربیت دینی مردم تنزل کرده و ارزش‌های جاهلی احیاء شده بود، حضرت در صدد پیوند مردم با خدا به وسیله دعا بود، از دیدگاه حضرت دعا یک بعدی نیست که فقر مادی را در نظر بگیرد و یا نیاز معنوی را، بلکه دعا به طور کلی از جامعیت خاصی برخوردار است، هم دنیایی است و هم آخرتی، هم نیازهای معنوی را مطرح می‌کند و هم خواسته‌های مادی را.

امامت در صحیفه سجادیه

از شیوه‌های تبلیغی و مبارزاتی امام سجاد علیه السلام تبیین معارف اسلام در قالب دعا است. یکی از مضامین مهم سیاسی - دینی صحیفه، طرح مسئله امامت است، مفهوم امامت به صورت یک مفهوم شیعی، که علاوه بر جنبه احقیت برای خلافت و رهبری، جنبه‌های الهی عصمت و بهره‌گیری از علوم انبیاء و مخصوصاً حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله را در حدی والا نشان می‌دهد. بازکاوی مفهوم امامت در صحیفه سجادیه از دو سو حائز اهمیت است از یک سو معرفت حقیقی به امام جز از راه امام ممکن نمی‌باشد و از سویی دیگر نیاز هر چه بیشتر ما به شناخت جایگاه امامت امام است که امروز امام زمان ما حضرت ولی عصر عجل الله فرجه می‌باشد.

۱. پیامدهای غضب خلافت

به راستی چه کسی است که صدای آن حضرت را در کلمات استوار «صحیفه سجادیه» بشنود و با دیده حق بین در نیابد که چه کسی شایسته خلافت الهی است. حضرت می‌فرماید:

«خداوند این مقام ارجمند که از آن جانشینان و برگزیدگان توست و این مرتبه امناء تو که از درجات بلندی است که به آنان اختصاص داده‌ای مورد غضب و دستبرد قرار گرفته است، ... و سرانجام برگزیدگان و جانشینان تو مغلوب و مقهور و مورد غضب قرار گرفتند و می‌بینند که فرمان تو تبدیل یافته و کتاب تو مورد دستبرد قرار گرفته و احکام تو از راههای شریعت تو منحرف گشته و سنت‌های پیامبرت ترک شده است»^۴

حضرت علیه السلام در این فراز ضمن اشاره به غضب مقام خلافت توسط دشمنان اهل بیت علیهم السلام، تغییر احکام الهی، مهجوریت و دستبرد به قرآن و ترک سنت‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را از پیامدهای غضب مقام امامت برمی‌شمارد.

۲. اختصاص امامت به فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله

امام سجاد علیه السلام در دعاهای خویش بر ولایت پیشوایان از اولاد رسول خدا صلی الله علیه و آله که استوارترین ارکان هدایت و محکمترین دستگیره‌های ایمان است؛ تاکید می‌کند:

«رب صل علی اطائب اهل بیته الذین اخترتهم لامرک و جعلتم خزنته علمک، و حفظه دینک، و خلفاک فی أرضک»^۱

«پروردگارا! بر پاکیزگان از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله درود فرست؛ آنان که برای امر دین انتخابشان کرده‌ای و ایشان را خزانه‌دار علمت و حافظان دینت و جانشینان خویش در زمین، قرار داده‌ای».



۳. امامان، گنجینه داران معارف قرآن

«اللهم فکما جعلت قلوبنا له حملة، و عرفتنا برحمتک شرفه و فضله، فصل علی محمد الخطیب به، و علی اله الخزان له»^۷
«بارالها! آن گونه که قلب‌های ما را حامل علوم قرآن قرار دادی و فضل و شرافت قرآن را به لطف خویش به ما شناساندی بر محمد صلی الله علیه و آله که همواره زبانش به قرآن گویا بود، درود فرست، و همچنین بر خاندان محمد صلی الله علیه و آله که گنجینه‌داران قرآن و علوم قرآنند».

۴. خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله پاکیزگان از گناه

«و طهرتهم من الرجس و الذنوب تطهیرا بارادتک»^۸
«پروردگارا! خاندان پیامبرت را به اراده خویش از هر پلیدی و ناپاکی منزّه ساختی».

۵. تداوم امامت در همه زمان‌ها

«خدایا تویی که دینت را در هر دوره‌ای به وسیله پیشوایی که او را برای بندگانت راهنما و در شهرهای مشغول هدایتی قرار دادی، تأیید و کمک کردی، پس از آن که پیمان وی را به پیمان خود، پیوسته و او را سبب خشنودی خویش گردانیدی و فرمانبرداری از او را واجب ساختی و از مخالفت فرمان او مردم را بر حذر داشتی و به امتثال فرمان او و ترک منهیاتش دستور فرمودی و به این که کسی از او پیشی نگیرد و از او پس نماند، فرمان دادی»^۹
از این فراز دعای امام سجاد علیه السلام فلسفه ضرورت تداوم امامت و رهبری دینی استفاده می‌شود، زیرا به فرموده آن امام بزرگوار، هر روزگاری نیازمند پیشوا و امامی الهی است. و آن رهبران باید منتسب به خداوند و تأیید شده از سوی او باشند تا بتوانند با نور هدایت خویش خلق را به سوی ارزش‌های دینی دعوت کنند.

۶. آرمان انتظار

«خداوند به وسیله ولیّ خویش (آن امامی که در هر زمان است و زمان خالی از او نیست) کتاب و قوانین و شرایع و سنت‌های رسولت صلی الله علیه و آله را برپادار و به واسطه او آن چه را از نشانه‌های دینت که ستمکاران آن‌ها را نابود کرده‌اند، دوباره احیا کن و به واسطه او تعرض ستم پیشگان نسبت به راهت را از میان بردار و مشقت و سختی طریقت را توسط او برطرف ساز»^{۱۰}

۷. سلام و درود الهی بر منتظران

«اللهم وصل علی اولیائهم المعترفین بمقامهم، المتبعین منهجهم، المقتفین آثارهم، المجتهدین فی طاعتهم، المنتظرین آیامهم، المادین الیهم أعینهم، الصلوات المبارکات الزاکیات التأمیات الغادیات الرائحات»^{۱۱}
«خداوند درود فرست بر دوستان امامان که معترف به مقام والای آن‌ها هستند و راه آن‌ها را می‌پیمایند و در پی آثار آن‌ها می‌روند ... و در طاعت آن‌ها می‌کوشند و در انتظار روز حکومت آن‌ها هستند و چشم امید به سوی آنان دارند، درودهایی مبارک و پاک و فزاینده در بامداد و شامگاه».
امام سجاد علیه السلام حاکمیت مقدس معصومان علیهم السلام را به نسل‌ها با زبان نیایش تعلیم داده و تلقین کرده است و میان محبت و عمل و آرمان پیوندی ژرف پدید آورده است. حضرت اگرچه به تجهیز قوای رزمی علیه حاکمیت‌های جائز زمانش نپرداخته ولی در تعالیم خود بنیان اندیشه ظلم ستیزی و اعتقاد به حاکمیت دین و ضرورت رهبری پیشوای الهی را پی ریخته است.

پی‌نوشت

۱. دانش‌پژوه مرکز تخصصی مهدویت.
۲. شیخ آغا بزرگ، الذریعه الی تصانیف الشیعه، الطبعة الثانیة، بیروت، دارالاضواء، ۱۳۷۸هـ.ق، ج ۱۵، ص ۱۸.
۳. سید علیخان مدنی، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، مقدمه عبدالرزاق الموسوی مقدمه، قم، دارالشیبستری للمطبوعات.
۴. صحیفه سجادیه، ترجمه صدر الدین بلاغی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، مقدمه، ص ۲۷.
۵. همان، دعای ۴۸، فراز ۹: «اللهم ان هذا المقام لخلفانک و اصفیانک و مواضع أمانک فی الدرجة الرفیعة للئی إختصّنتهم بها قد ابتزوها، ... بیرون حکمک میدلا و کتابک منبذوا، و فرائضک مخرقه عن جهات أشرعک، و سنن نبیک متروکه».
۶. همان، دعای ۴۷، فراز ۵۶.
۷. همان، دعای ۴۲، فراز ۶.
۸. همان، دعای ۴۷، فراز ۵۶.
۹. همان، دعای ۴۷، فراز ۶۰: «اللهم انک آیدت دینک فی کل اوان بامام اقمته علما لعبادک، و مناراً فی بلادک بعد ان وصلت حبله بقبلک، و جعلته للذریعة الی رضوانک، و افترضت طاعته، و حذرت معصیته، و أمرت امتثال اوامره، و الانتهاه عند نهیه، و آلا يتقدمه متقدم و لا يتأخر عنه متأخر».
۱۰. همان، دعای ۴۷، فراز ۶۲: «و اقم به کتابک و حدودک و شرائعک و سنن رسولک - صلواتک اللهم علیه و آله - و احمی به ما امانت الظالمون من معالم دینک و اجلّ به صداة الجور عن طریقتک و ابن به الضراء من سبیلک و ازل به الناکبین عن صراطک و امحق به بغاة قصدک عوجاً».
۱۱. همان، دعای ۴۷، فراز ۶۴.



پیام هفتم حضرت مهدی به دولتمردان

علی اصغر رضوانی

مقدمه:

تاکنون در ۶ قسمت، پیام‌های حضرت مهدی علیه السلام به دولتمردان در ۴۶ پیام به سمع و نظر خوانندگان گرامی رسید در این قسمت به ۶ پیام دیگر اشاره می‌شود:

۴۷ - توجیه مردم در کارهای در دست اقدام

مستولان باید قبل از شروع در هر کاری مردم را در مورد آن کارها توجیه نمایند. همان‌گونه که حضرت مهدی علیه السلام نیز چنین خواهد نمود. از امام باقر علیه السلام نقل شده که حضرت مهدی علیه السلام در خطبه ای هنگام ظهورش می‌فرماید:

«... اذکرکم الله ایّها الناس و مقامکم بین ربّکم، و قد اکتّ المحجّة و بعث الانبیاء و انزل الکتاب، یا مرمکم ان لا تشرکوا به شیئا و ان تحافظوا علی طاعته و طاعة رسوله صلی الله علیه و آله، و ان تحبوا ما احیا القرآن و تمیتوا ما امات، و تکونوا اعوانا علی الهدی و وزراء علی التقوی»؛

«... ای مردم! شما را به یاد خدا می‌اندازم و به جایگاه شما نزد پروردگارتان یادآوری می‌کنم، او بر حجت تاکید کرده و انبیا را مبعوث نموده و قرآن را نازل کرده است. شما را دستور می‌دهد که به او هیچ‌گونه شرک نورزید و بر اطاعت او و رسولش صلی الله علیه و آله محافظت داشته باشید، و آنچه را که قرآن احیا کرده، زنده کنید، و آنچه را از بین برده زنده نکنید و کمک کار مردم بر هدایت و تاکید کننده بر تقوا باشید.»

۴۸ - زمینه سازی برای امور غیر مترقبه و غیر معمول

دولت مردان هنگامی که قرار است امری غیر متعارف اتفاق افتد باید مردم را برای آن آماده کرده و در سطح جامعه زمینه سازی نمایند تا تحمل آن برای مردم امکان پذیر باشد.



۵۱ - عمل به سیره پیامبر ﷺ در حکومت داری

مسؤولان باید سعی و کوشش خود را به کار برده تا با الگوگیری از حضرت مهدی ﷺ در پیروی از سیره رسول خدا ﷺ احیاگر سیره آن حضرت باشند.
از پیامبر ﷺ نقل شده که درباره حکومت حضرت مهدی ﷺ فرمود:

«... ثم تكون خلافة علي منهاج النبوة...»^۷ سپس خلافتی خواهد بود که بر روش نبوت و سیری نبوی است ...

۵۲ - یکسان سازی حقوق

مسؤولان نظام اسلامی باید با تأسی و الگوگیری از حضرت مهدی ﷺ در حدّ توان خود در پرداخت حقوق کارمندان و نیز در توزیع ثروت بین مردم به مساوات رفتار نمایند.

از پیامبر ﷺ نقل شده که درباره حضرت مهدی ﷺ فرمود:

«... فيملاً الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً، يرضى عنه ساكن السماء و ساكن الأرض، يقسم المال صحاحاً. فقال له رجل: ما صحاحاً؟ قال: بالسوية بين الناس...»^۸

«... زمین را پر از داد و عدل خواهد کرد همان گونه که پر از جور و ظلم شده باشد، اهل آسمان و ساکنان زمین از او راضی می‌شوند او مال را به طور صحاح تقسیم می‌کند. شخصی به حضرت عرض کرد: مقصود از صحاح چیست؟ فرمود: یعنی به طور مساوی بین مردم تقسیم می‌نماید...»
از امام علی ﷺ نقل شده که امام زمان ﷺ بعد از ذکر شروط بیعت با اصحابش می‌فرماید:

«... فاذا فعلتم ذلك... فعلى ان لا ألبس الآ كما تلبسون و لا اركب الآ كما تركبون و ارضى بالقليل...»^۹
«... چون چنین کنید پس بر من است که همان لباسی را که شما می‌پوشید بپوشم و همان مرکبی را که شما سوار می‌شوید سوار شوم و به کم راضی گردم...»

ادامه دارد

پی‌نوشت

۱. نویسنده و استاد مباحث مهدویت.
۲. الملاحم و الفتن، ص ۱۲۷، باب ۳۰.
۳. کمال‌الدین، ج ۲، ص ۳۸۴، باب ۳۸.
۴. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۴۵، ح ۱.
۵. همان، ص ۸۳، عقد الدرر، ص ۶۲، كشف الغمّة، ج ۲، ص ۴۷۲.
۶. همان، ص ۸۳، ح ۲۸.
۷. مسند احمد، ج ۴، ص ۲۷۳.
۸. همان، ج ۳، ص ۳۷، كشف الغمّة، ج ۲، ص ۴۸۳، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۸۱، باب ۱.
۹. منتخب الأثر، ص ۱۵۴.

از آن جا که غیبت امام امری غیر متعارف برای شیعیان بوده است، لذا پیامبر اکرم ﷺ و امامان معصوم ﷺ را با روش‌های مختلف از قبیل اخبار از غیبت از این موضوع مطلع ساخته و آنان را نسبت به آن عادت داده‌اند.
الف) اخبار از غیبت
امام حسن عسکری ﷺ در حدیثی به احمد بن اسحاق فرمود:

«... يا احمد بن اسحاق! مثله في هذه الامة مثل الخضر، و مثله مثل ذی القرنين، والله ليغيبن غيبه لا ينجوا فيها من الهلكة الا من ثبته الله عزوجلّ على القول بامامته و وقفه للدعاء بتعجيل فرجه»^۳

«... ای احمد بن اسحاق! مثل او در این امت مثل خضر و ذوالقرنین است. به خدا سوگند! به طور حتم او غیبتی خواهد کرد که در آن از هلاکت نجات نخواهد یافت مگر کسی که خداوند عزوجل او را بر اعتقاد به امامت او ثابت قدم نموده و به دعا برای تعجیل فرجش موفق گرداند.»
ب) اتخاذ نظام و کالت و واگذاری مسئولیت‌ها به افراد امام عسکری ﷺ به شیعیانش فرمود:
«... و اشهدوا علی ان عثمان بن سعید العمری و کیلی، و ان ابنه محمد و وکیل ابنی مهدیکم»^۴
«... و گواهی دهید بر این که عثمان بن سعید عمری وکیل من است، و همانا فرزند او محمد، وکیل فرزند من مهدی شماست.»

۴۹ - انجام پروژه‌های بزرگ

مسؤولان نظام اسلامی باید در حدّ توان خود پروژه‌های مهم را پی‌ریزی کرده و پیاده نمایند.
از پیامبر ﷺ نقل شده که درباره حضرت مهدی ﷺ فرمود:

«... لو لم یبق من الدنيا الا یوم واحد لطول الله ذلك الیوم حتی یملك رجل من اهل بیته تجری الملاحم علی یدیه...»^۵

«... اگر از عمر دنیا تنها یک روز باقی باشد خداوند آن روز را طولانی گرداند تا مردی از اهل بیت من مالک آن گردد و کارهای مهمی توسط او انجام گیرد...»

۵۰ - حسابرسی سریع

مسؤولان وظیفه دارند تا به ارباب رجوع در اسرع وقت پاسخ داده و به کارهای آن‌ها رسیدگی کنند.
از پیامبر ﷺ نقل شده که درباره حضرت مهدی ﷺ فرمود:

«... و هو سریع الحساب»^۶ او در کارش حسابرس سریعی است.



تدبیر

قسمت پنجم و پایانی
دکتر فرامرز سهرابی

انسان در استمرار با نیروهای خود، با نظام هستی و جامعه پیوند دارد. بنابراین، او به حکومتی نیاز دارد که از شاخص‌های زیر برخوردار باشد:

۱. هم‌آهنگ با نظام هستی؛

۲. حاکمی آگاه به این نظام هستی؛

۳. قانونی برآمده از این نظام هستی؛

بنابراین زاویه دید، حکومت جامعه منتظر، امامت، و حاکم آن، امام و قانون آن، هم‌آهنگ با کل نظام هستی است. بر این پایه، حاکم، بر تمام روابط انسان با هستی و از قانون‌مندی آنها آگاه و از کشش‌ها و جاذبه‌ها نیز آزاد باید باشد؛ همان عصمت و ملاک انتخاب حاکم است.

طرح حکومتی در رابطه با کل نظام هستی، به کسانی نیاز دارد که به تمام هستی آگاه و از تمام کشش‌ها آزاد باشند. بنابراین، نادیده گرفتن عصمت و کنار گذاشتن آگاهی و آزادی حاکم، با جدا کردن و بریدن انسان از جهان هستی برابر است. انسان هنگامی که جایگاه حکومت را بشناسد و حاکم را در رابطه انسان با کل هستی بپذیرد، درود خود را بر «تنها راه» روانه می‌سازد و جز آنانی را که از طریق وحی، به تمام هستی آگاه شده‌اند، رهبر و حاکمی نمی‌گیرد. باید توجه داشت که هرگز این حاکم را «تحمیل» نمی‌کنند، تنها او را در دسترس می‌گذارند و خود انسان‌ها باید او را «کشف» کنند و بپذیرا شوند. هم‌چنان که در مسیر تأمین نیازهای فسیلی و هسته‌ای خود، با تلاش‌های سخت و فراوان، به کشف و بهره‌برداری آنها دست می‌یابد؛ انسان برای رسیدن به نیاز عظیم‌تر خود در هستی که همان وسیله راه یافتن و جهت گرفتن است، باید بکوشد تا آن را کشف کند و بهره‌مند شود و برای تحقق کشف امام خود باید زمینه را فراهم

مقدمه

در قسمت‌های قبل درباره انتظار و ویژگی‌های جامعه منتظر بحث شد و بیان شد که این ویژگی‌ها جامعه را در زمینه‌های فکری و ظرفیت روحی و طرح‌ریزی آماده می‌کند. همچنین بحث رهبری و مدیریت و شاخص‌های آن مورد اشاره قرار گرفت و اینک ادامه بحث:

تحلیل تحمل مردم در دو سطح

در عصر غیبت نوبت فقاقت است که زمینه امامت را فراهم سازد. ولی فقیه، شئونی دارد که مردم وظیفه دارند در عصر غیبت به او رو نمایند. اگر فقیه تحمل مردم را برای حکومت خود آماده بیند، کار او سنگین‌تر می‌شود. او باید با حکومت خود، بسترها و زمینه‌های ظهور را با تربیت جامعه منتظر بیافریند. در این صورت، مردم با تحمل حکومت فقیه عادل، خود را برای دستیابی به حکومت امام آماده می‌سازند و بدین‌وسیله، به سطح بالاتری از تحمل و ظرفیت می‌رسند تا قابلیت و لیاقت حکومت آسمانی و پاک را پیدا کنند و ضرورت چنین رهبر و امامی را احساس کنند و به این بلوغ برسند که انسان در این جهان هستی پیوند پیچیده و رابطه گسترده‌ای دارد و به این رابطه‌ها آگاهی ندارد، پس رسالتی و هم‌چنان امامتی می‌خواهد؛ رسالتی که قانون رابطه‌ها را بیاموزد و امامتی که پیوسته در هر مقطع تاریخی برای نسل‌ها جلودار و پیشوا باشد و آنان را مدیریت و رهبری نماید.

جامعه



انسان تا اندیشه‌های مدفون خویش و گنج‌های پنهان در درونش را بازخوانی نکند و به شناخت خویش و خودباوری دست نیابد، جای‌گاه رفیعش را نمی‌شناسد و به کم‌ها قانع می‌شود و کمترین‌ها بر او حکومت خواهند نمود. چنین انسانی هرگز تحمل حکومت قامت بلند امامت را نخواهد داشت. هم‌چنان که گفته‌اند: «ان امرنا صعب مستصعب، لایحتمله الا ملک مقرب او نبی مرسل او عبد مؤمن امتحن الله قلبه للايمان»^۲ تحمل امر و حکومت معصوم، به شهود تمام و یا دل عاشق و مبتلا و ساخته شده نیاز دارد.^۳

اهداف حکومت معصوم فراتر از رفاه، آزادی، امنیت، تکامل و... است و حوزه حکومت معصوم هم بالاتر از سطح جامعه و مدت هفتاد سال زندگی دنیاست. براین پایه، حکومتی دیگر را بر می‌تابد و معیار و روش انتخابی دیگر را تقاضا می‌نماید. اگر به اهداف حکومت و قلمرو حکومت متناسب با قدر، استمرار و ارتباط انسان در هستی توجه نشود، می‌توان به همین حکومت‌های بافته و دست‌ساز فیلسوفان و نخبگان دل‌خوش بود و به دام‌پروری بزرگ شده هفتاد ساله دل‌گرم.^۴

تا زمانی که نگاه و تلقی مردم از خود دگرگون نشود، تحمل حکومت پاکان هستی را نتواند داشت، هم‌چنان که تاریخ گواهی می‌دهد، پس از داستان پر خون نینوا مردم به امام سجاد علیه السلام روی نیاوردند. چون آنان به بیش از رفاه، امن و آزادی راه نیافته بودند و نمی‌خواستند و از خود بیش از اینها تلقی نداشتند.

فقیه عادل باید در تربیت جامعه منتظر همانند رسول خدا و امامان، آغازگر ارائه دین باشد، هم‌چنان که دین با رسول آغاز می‌شود و او پیوسته آیات حق را تلاوت می‌کند و می‌گوید که ای انسان

سازد و جامعه منتظر را تربیت نماید. از آن‌رو که چنین امامی ضرورت دارد، پس وجود دارد.

انسان این‌گونه امامی را باید کشف کند و زمینه امامتش را فراهم سازد. همان‌گونه که آدمی بسیاری از نشدنی‌ها را شدنی ساخت. تنها کاری انجام می‌شود که برای انسان مسأله باشد و آن را بخواهد و خواستن توانستن، است. مقصود، آن نبوده که آدم‌ها به ناز و کرشمه در آیند؛ انسان باید با انتخاب خود امام را پذیرا باشد و زمینه‌های حکومتش را فراهم سازد؛ «لِیَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»^۵

فقیهان در عصر غیبت وظیفه دارند که با بینات، کتاب و میزان، آستانه تحمل مردم را ارتقا بخشند و آنان را به ظرفیتی برسانند که خواسته‌ها و تمایلاتشان، متناسب با قدر و اندازه وجودی‌شان گردد و حاکمیت فقیه عادل را که می‌خواهد زمینه‌ساز ظهور دولت کریمه باشد، پذیرا شوند.

اگر مردم پذیرای حکومت فقیه عادل نشدند و آن را تحمل نکنند و برای زمینه‌سازی ظهور پا پیش نهند، ظلم فراگیر می‌شود. بشر پس از روگردانی‌ها از حق و چموشی‌های فراوان، همراه با حکومت‌های دست‌ساز خود و تمایلاتش، ستم آنها را می‌بیند و به خستگی و رنجیدگی می‌رسد.

بنابراین، مردم دو راه بیشتر ندارند:

۱. یا باید همراه با فقیه عادل براساس بینات، کتاب و میزان زمینه‌های تحمل حکومت معصوم را فراهم سازند و آن حقیقت در دسترس را با تلاش و کوشش کشف کنند و زمینه‌های کشف آن را آماده نمایند؛

۲. یا باید خود را به امواج پرتلاطم ظلم و جور بسپارند تا پس از کوبیده شدن بر صخره‌ها و تجربه‌های مکرر درد و رنج‌ها، خسته شوند و به انتظار بنشینند و رو به پاکان هستی آورند.

منتظر



تو محتاجی، مفتقری و مضطرب و این‌گونه پیام کلام خداوند را می‌رسانند: ﴿أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾^۱

انسان زمانی به سرشاری و غنا می‌رسد که تدبیر و اختیار خود را محو تدبیر و اختیار آفریدگار هستی کند و به تفویض و تسلیم و اطاعت او بنشیند. این زمان آن‌گاه محقق شدنی است که آدمی ریشه‌های اضطراب و مراکز بی‌چارگی و افتقار خود را بشناسد و مجبور شود در برنامه‌ریزی، تدبیر، اختیار و انتخابش برای این انسان که در گستره قدر، استمرار و ارتباط‌هایش، بدان توجه می‌شود، به وحی روی آورد. از همین‌رو، فقیه عادل براساس روش بیناتی با دگرگون کردن تلقی افراد جامعه از خودشان، جای‌گاه آنان را در سطح هستی تبیین می‌کند و ضرورت اهداف حکومتی و قلمرو حکومتی متناسب با آن و در همان سطح را برای او روشن می‌نماید. و بدین‌سان، ریشه‌های اضطراب و افتقار او را به حاکمی آگاه و آزاد می‌شناسانند. انسان باید به واماندگی، بی‌چارگی، نیازهای واقعی و اضطرابش به وحی و حجت برسد و بخواهد که خواستن، توانستن است، هم‌چنان که قرآن می‌فرماید: ﴿أَمَّنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ﴾^۲. با همین اضطراب و درک بی‌چارگی و افتقار و واماندگی خویش، حجاب بین فطرت و مبدأ فیض را می‌توانیم برطرف سازیم.

چه کسی جز خداوند به فریاد مضطرب درمانده می‌تواند برسد؟ کسانی که به حال اضطراب برسند و اضطراب خویش را درک کنند و بدانند و از خدا بخواهند. خداوند هم بدی‌ها و سختی‌ها را از آنان برطرف می‌سازد و به حکومت و جانشینی زمین می‌رساند. فقیه عادل، با تبیین جایگاه انسان در هستی و دگرگونی در نوع تلقی افراد جامعه، آنان را

به درک اضطرابشان نزدیک می‌سازد و بدین صورت، زبان خواستن و دعای ایشان به جریان می‌افتد. خواستنی در سطح جای‌گاه انسان، حکومتی در سطح اهداف بالاتر از رفاه و امن و...، قلمروی در سطح فراتر از جامعه و هفتاد سال دنیا. و حاکمی در سطح آگاهی، آزادی و عصمت. انسان این‌گونه با درک اضطراب به دعا و خواستن رو می‌آورد و به آستانه حاکمیت معصوم راه می‌یابد، هم‌چنان که در توقیع شریف آمده است: «و اکثروا الدعاء بتعجیل الفرج فان ذلك فرجکم.» کلید فرج در دعا و خواستن و کلید دعا و خواستن درک اضطراب است.

فقیه عادل، جامعه منتظر را با روش بیناتی به درک اضطراب می‌رساند و خواستن انسان‌ها را به بلوغ و شکوفایی می‌کشانند. السلام علیک یا صاحب‌التدبیر. سلام بر تنها رهبر جهانی. السلام علیک یا سبیل الله الذی من سلک غیره هلك. سلام بر تنها راه.

پی‌نوشت

۱. عضو هیئت علمی پژوهشکده مهدویت.

۲. سوره حدید، آیه ۲۵.

۳. بصائر الدرجات، محمد بن حسن بن صفار، ص ۲۶؛ بحار، ج ۲، ص ۷۱ و ص ۱۸۴، ح ۳۰ و ح ۷. [محققاً امر ما سخت و گران است و کسی تحمل نمی‌کند آن را مگر فرشته مقرب یا نبی مرسل یا بنده مومنی که قلبش از ایمان پرشده باشد.]

۴. ع - ص، وارثان عاشوران، ص ۳۶.

۵. رک: پیشین.

۶. سوره فاطر، آیه ۱۵.

۷. سوره نمل، آیه ۶۲.



یادداشتی درباره جشن‌های نیمه شعبان

مراقب بدعتها و رسوخ خرافات باشیم

سید محمد مهدی موسوی

تبیین زوایای گوناگون مهدویت برای جوانان و به ویژه پاسخ‌گویی به ده‌ها و صدها شبهه‌ای است که در ارتباط با امام زمان (عج) طرح می‌شود. این وظیفه البته در وهله نخست از عالمان دینی مورد انتظار است و این که بتوانند متناسب با درک و فهم مخاطبان خویش و نیز بهره‌گیری از بیان شیوا و جذاب در انجام این مأموریت خطیر موفق باشند و برای این کار چه زمانی بهتر از ایام نیمه شعبان و چه مکانی مناسب‌تر از چنین محافلی که جوانان در آن گردهم می‌آیند. چه خوب است بانیان این مجالس و محافل از اساتید و روحانیونی که در این زمینه دارای تخصص لازمند و از انحرافات و آسیب‌ها جدایند بهره کافی ببرند. آنچه مشخص است این که متأسفانه عوامل تخریب فرهنگ مهدویت متأسفانه در سالهای اخیر افزایش یافته است. شاید اشاره به این عوامل به اختصار لازم باشد تا خطرها مطرح گردند و افرادی که برای مقابله با

عوامانه، ضمن آن که حال و هوای مذهبی و معنوی جشن‌ها را کمرنگ و نامحسوس می‌کند، به دلیل رسوخ خرافات و بدعت‌هایی در آن، ذهن جوان مسلمان ایرانی را از درک حقیقت و معرفت مهدوی دور می‌کند؛ حقیقت و معرفتی که بی‌گمان غایت اصلی همه این شور و شغف‌ها و برگزاری جشن‌ها می‌باشد و غفلت از آن ضایعه اسف باری است که دل نازنین امام عصر (عج) را به درد می‌آورد.

مسأله تأسف بار دیگر پخش موسیقی‌های لس‌آنجلسی در برخی چادرهایی است که به مناسبت نیمه شعبان در کوچه و محلات دایر می‌شود که گذشته از حرمت شرعی آن، خود عامل وهن اهل بیت (علیهم‌السلام) و شخص امام زمان (عج) است. البته ناگفته نماند که در سالیان اخیر حجم این قبیل ناهنجاری‌های دینی در شهرها رو به کاهش گذاشته است با این حال نمی‌توان به طور کلی از وجود آن غافل شد و بی‌تفاوت از کنارش گذشت. نکته حایز اهمیت دیگر در این میان ضرورت



ماه شعبان که از راه می‌رسد، پس از سپری شدن آغازین روزهای آن که مصادف با ولادت امام حسین (علیه‌السلام)، حضرت ابوالفضل (علیه‌السلام) و امام سجاد (علیه‌السلام) است، گویی شهر و دیار، کوی و برزن به جنبش و تکاپو برای گرامیداشت مولود نیمه شعبان می‌افتد و از این رهگذر صحنه‌های زیبای عشق به مهدی موعود (علیه‌السلام) در جنبشی کاملاً مردمی و عاشقانه خلق می‌شود که بدون شک در ایام دیگر سال مثل آن تکرار ناشدنی است.

برگزاری جشن‌های باشکوه نیمه شعبان اگر چه زیبا و پر از حسنه است اما متأسفانه رسوخ خرافات و انجام برخی حرکات نسنجیده، زیبایی آن را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، به عنوان مثال ساختن مجسمه‌های ازدها، حیوانات و این قبیل ساخته‌های





این خطرها احساس وظیفه می کنند به فکر چاره بیافتند .

۱- ترویج خرافات و پیرایه بستن به وجود مقدس حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف .

۲- توقیت یا تعیین زمان برای ظهور حضرت با آن که مورد نهی صریح است و کسی نمی تواند و حق ندارد زمانی برای ظهور تعیین کند.

۳- ادعای ارتباط با حضرت حجت علیه السلام که شمار مدعیان در سالهای اخیر رو به فزونی رفته و همچنان ادامه دارد .

۴- بیان این قبیل ادعاها - چه مربوط به گذشته و چه مربوط به حال - توسط بعضی سخنرانان و مداحان و سرگرم کردن مردم بی خبر به مطالبی که با مبانی دینی در تضاد است .

۵- پخش برخی مطالب سست از رسانه ملی که وجهه ای حکومتی دارد و در باور مردم تاثیرگذار است .

۶- اضافه شدن بر تعداد اماکنی که ادعای تعلق آنها به حضرت امام زمان علیه السلام از طریق افراد سودجو

مطرح می شود و افراد بی خبر نیز آنرا باور می کنند و این اماکن به محل رفت و آمدهای عمومی تبدیل می شوند و عناصر فریبکار هر روز پیرایه هائی نیز بر پیرایه های موجود اضافه می نمایند .

۷- رواج ملاحی و مناهی و منکرات در مجالس جشن نیمه شعبان و به فراموشی سپرده شدن سنت های قدیمی که بر اعتقادات دینی استوار بودند و پایه های اعتقادی مردم را تحکیم می کردند .

۸- سوء استفاده هائی که دشمنان مهدویت از رواج خرافات در میان مردم می کنند و اصل اعتقاد به مهدی موعود را زیر سؤال می برند .

در برخورد با این خطرها وظیفه همه پیروان اهل بیت بسیار سنگین است. با تمام تلاش و کوشش مراجع بزرگوار و علمای دلسوز، باز به نظر می رسد، جای افرادی چون شهید مطهری خالی است که با قلم و بیان خود در برابر اینهمه انحرافات ایستاده و

امام زمان علیه السلام را با علم خود در این دوران غربت یاری نمایند.

فرهنگ مهدوی مظلوم است . این مظلومیت را حوزه های علمیه با قیام علمی و تبلیغی خود می توانند برطرف کنند.

و ختم کلام هم این که اگر ما ادعای شیعه بودن داریم و خود را از محبان حضرت حجت (عج) به حساب می آوریم - که ان شاء الله... همین گونه هم است - باید ضمن حضور در شادی های اهل بیت علیهم السلام با رفتار و کردار خود وظیفه شیعه بودن خویش را به درستی انجام دهیم و بکوشیم که در برگزاری جشن های ماه شعبان، موجب عزت مندی بیشتر دین و آیین مان گردیم نه این که خدای ناکرده با افتادن در دام خرافات، موجب وهن بزرگان دین مان باشیم.

[قسمت ششم]

احمد حاج قلی ۱

مقدمه

در شماره‌های قبل علل و عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی پیدایش مدعیان و فرقه‌های انحرافی مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نمونه‌هایی از مدعیان و منحرفان بیان شد. اینک به افراد دیگری از منحرفان اشاره می‌شود.

۵. حسین بن منصور حلاج: هر چند این شخص، شخصیتی جنجالی است و عده‌ای او را جزء عرفا و نیکان می‌شمارند؛ اما طبق آنچه که در بعضی منابع مهم و معتبر آمده است او مردی حيله‌گر بوده و ادعای وکالت از جانب امام زمان عجل الله فرجه را داشته است.

او در راستای رونق بخشیدن به بازار خود، نامه‌هایی به ابوسهل نوبختی که از علمای نامی شیعه بود نوشت و در آن‌ها خود را وکیل صاحب الزمان عجل الله فرجه معرفی کرد ولی ابوسهل نوبختی (ره) برای اینکه دروغش را برای مردم علنی کند از وی خواست برای اثبات ادعایش ریش او را که سفید شده بود سیاه کند. اما وقتی حلاج این پاسخ را شنید متوجه شد که تیرش به خطا رفته است و گویا بعد از این ماجرا برای جلب توجه شیعیان قم به آن شهر می‌رود و خود را فرستاده و وکیل امام معرفی می‌کند که با واکنش تند پدر شیخ صدوق (ره) و مردم مواجه می‌شود و او را از شهر بیرون می‌کنند؛ البته او هم مانند خیلی از مدعیان دروغین به این ادعا بسنده نکرد بلکه گفته شده است که او حتی مدعی ربوبیت و خدایی نیز شد.^۳ و به همین جهات در توقیعی مورد لعن امام زمان عجل الله فرجه قرار گرفت.^۴ خانم ناصری (یکی از حضار جلسه) - که گویا از آنچه در مورد حلاج شنیده بود کمی دلگیر شده بود - گفت: «به نظر می‌رسد ادعای ربوبیت افرادی مانند حلاج دلیل بر مذمت کردن آنها نمی‌تواند باشد چرا که عرفا در حالت جذب ممکن است چیزهایی بگویند که ظاهرش کفرآمیز است اما در واقع این قبیل سخنان «شطح» است و باید توجه شود.»

استاد حقیقت‌گو پس از مکتبی کوتاه گفت: «داشتن روحیه شهامت و نپذیرفتن سخن بی‌دلیل در وجود شما قابل تحسین است. اما درباره فرمایش شما باید عرض کنم که اولاً؛ سخن گفتن باید طبق اصول محاوره و توجه به معانی الفاظ باشد تا ارتباط کلامی درست برقرار شود. و این سیره عقلانی است. بنابراین انسان نمی‌تواند برای ابراز مقاصد خود از هر لفظی استفاده کند و بعد هم مدعی شود که منظورم از این حرف چنین و چنان است؛ در غیر این صورت نمی‌توانیم به صحت برداشت خود از سخنان دیگران اعتماد داشته باشیم و همه سخنرانی‌ها، کلاس‌ها و... باید تعطیل شود چون ممکن است مراد صاحب سخن چیزی غیر از معنی ظاهری و لغوی آن باشد. ثانیاً؛ اگر چنین سخنانی از عارف و... روا بود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت معصوم که بالاتر از همه عرفا می‌باشند چنین ادعاهایی می‌کردند در حالی که هرگز آنها مقامی فراتر از بندگی برای خود ادعا نکردند.

ثالثاً؛ حلاج صوفی است نه عارف و بنابر روایتی که مرحوم مقدس اردبیلی ذکر کرده است امام صادق عجل الله فرجه تأویل و توجیه کلمات صوفیه را مذمت کرده و فرموده‌اند: «صوفیان دشمنان ما هستند پس هر کس به آنها میل کند از آنان است و با آنها محشور خواهد شد و به زودی کسانی پیدا می‌شوند که ادعای محبت ما را می‌کنند و به ایشان نیز تمایل نشان می‌دهند، خود را به ایشان تشبیه نموده و لقب آنان را بر خود می‌گذارند و گفتارشان را تأویل می‌کنند. بدان که هر کس به ایشان تمایل نشان دهد از ما نیست و ما از او بیزاریم و...»^۵

آقای جلیلی گفت: «استاد ببخشید! ظاهراً روایتی که ذکر فرمودید درباره صوفیان غیر شیعه است که دشمن اهل بیت عجل الله فرجه می‌باشند نه صوفیان شیعه.»

استاد در پاسخ آقای جلیلی گفت: «البته بحث ما صوفیه نیست اما سؤالات و فرمایشات شما ما را مقداری به این بحث کشاند و از بحث اصلی دور کرد که از همه شما عذر خواهی می‌کنم و در ارتباط با فرمایش دوستان توجه شما را به نکته‌ای جلب می‌کنم و آن این که اهل بیت علیهم‌السلام هیچ گاه روی خوش به هیچ کدام از فرقه‌های صوفیه نشان نداده‌اند و با همه آنها به شدت مخالفت کرده‌اند. مناسب است برای پایان دادن به این قسمت از بحث قسمت‌هایی از یک روایت طولانی را خدمتان عرض کنم و بعد به ادامه بحث پردازم:

محمد بن حسین بن ابی خطاب گوید: «خدمت امام هادی علیه‌السلام در مسجد النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بودم که عده‌ای از یاران حضرت از جمله ابوهاشم جعفری وارد شدند و پس از آن گروهی از صوفیان وارد مسجد شده و در گوشه‌ای حلقه زدند و به گفتن «لا اله الا الله» پرداختند: امام به ما فرمود: «به این فریبکاران توجه نکنید که جانشین شیطان و ویران‌گران پایه و ارکان دین هستند... پس هر کس به زیارت مرده یا زنده یکی از آنان برود، گویا به دیدار شیطان رفته است...». یکی از اصحاب عرض کرد: «هر چند آن فرد [صوفی] حقوق شما را بشناسد؟» امام همانند فردی خشمگین به او نگاه کرد و فرمود: «این حرف را رها کن هر کس اعتراف به حقوق ما بکند هیچ گاه نافرمانی ما را نمی‌کند آیا نمی‌دانی که اینها پست‌ترین طوایف صوفیه‌اند، و همه صوفیان با ما مخالفند و روش آنها مخالف با روش ما است...»^۷

احمدی یکی دیگر از حضار پرسید؛ گه‌گاه بزرگانی در میان اشعار خود از حلاج و سردار رفتن را اشعاری آورده‌اند. این‌ها چگونه است. استاد گفت: بله گاه فرد ضرب‌المثل می‌شود. اینجا به کار بردن نام شخص تأیید او را به همراه ندارد یعنی شاعر و گوینده به مقاومت، شهره شدن و سر‌دار رفتن کار دارد نه به شخص لذا به صرف نام بردن از شخصی، دلیل بر تأیید او نیست.

۶. محمد بن علی شلمغانی معروف به ابن ابی العزاقر: او دارای کتاب‌های روایی بود و جزء محدثان شمرده می‌شد و حتی از سوی سومین نائب خاص امام زمان علیه‌السلام (حسین بن روح) در میان بنی بسطام نمایندگی داشت اما دچار لغزش شد و مطالبی کفرآمیز را به دروغ به وی نسبت می‌داد تا اینکه ایشان او را مورد لعن قرار داد و از او بیزاری جست و مردم را از پیروی او نهی کرد ولی او دست به توجیه زد و گفت لعنت به معنی دور کردن است و معنی جمله (حسین بن روح) که در حق من گفته است «لعنه الله» این است که خدا او را از عذاب و آتش دور کند. بالاخره کار به جایی رسید که حضرت مهدی علیه‌السلام او را در توقیعی مورد لعن قرار داد.^۸

۷. ابودلف کاتب: او بعد از رحلت سفیر چهارم (سمری) - رضوان الله علیه - مدعی نیابت شد و دچار غلو و تفویض گردید و کارش به دیوانگی کشیده شد.^۹ در این هنگام استاد نگاهی به ساعت دیواری مسجد کرد و گفت: دیگر وقت گذشته است، اجازه بدهید این بخش از بحث را در همین جا به پایان برسانم و از جلسه آینده پی‌گیری کنیم.

ادامه دارد

پی‌نوشت

۱. استاد و کارشناس فرقه‌های انحرافی.
۲. رک: کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۴۰۱ - ۴۰۳، ح ۳۷۶ و ۳۷۷.
۳. رک: سفینه البحار، شیخ عباس قمی، ج ۲، ص ۳۱۳.
۴. رک: الاحتجاج، شیخ طبرسی، ج ۲، ص ۵۵۲، ح ۲.
۵. حدیقه الشیعه، مقدس اردبیلی، ص ۵۶۲ - ۵۶۳، سفینه البحار، شیخ عباس قمی، ج ۵، ص ۱۹۸ و نقدی جامع بر تصوف، شیخ حر عاملی، ترجمه عباس جلالی، ص ۴۹.
۶. رک: حدیقه الشیعه، همان، ص ۵۶۲ - ۶۰۵، سفینه البحار، همان، ج ۵، ص ۱۹۷ - ۲۰۰ و خیراتیة در ابطال صوفیه، آقا محمد علی بن علامه وحید بهبهانی، ج ۱، ص ۳۶ - ۴۵.
۷. حدیقه الشیعه، همان، ص ۶۰۲ - ۶۰۳ و سفینه البحار، همان، ج ۵، ص ۱۹۹، ح ۵.
۸. رک: کتاب الغیبه، همان، ص ۴۰۳ - ۴۱۱.
۹. رک: همان، ص ۴۱۲ - ۴۱۴.

قسمت دوم

مقدمه

در قسمت قبل در مورد مفهوم اخلاق و دولت اخلاقی مطالبی بیان شد و اینک دنباله بحث: از مجموع احادیث، استنباط می‌شود که برای انسان، در دوره حکومت امام مهدی علیه السلام تمام ایده آل‌ها و آرزوهای حقی که دارد و ممکن است که به آن‌ها دست بیازد، تحقق خواهد یافت و پیشرفت به گونه‌ای است که بالاتر از آن قابل تصور نیست. از نظر علمی، اخلاقی، اقتصادی، امنیتی، آدمی به کمال مطلوب خود خواهد رسید و در این میان رشد اخلاق و ملکات حمیده در انسان‌ها در پرتو دولت کریمه که بی‌شک دولتی اخلاقی و با کرامت است خیره کننده خواهد بود.

امام باقر علیه السلام در توصیف رشد اخلاقی در عصر مهدی می‌فرماید:

«اذا قام قائمنا و وضع علی رؤوس العباد... اکمل به اخلاقهم»؛ وقتی قائم ما قیام کند دستی بر سر بندگان ما می‌کشد و اخلاق‌شان را به کمال می‌رساند.

در احادیث مختلف گوشه‌ای از شیوه و برنامه‌های امام عصر علیه السلام در رشد اخلاقی و ارزشی انسان‌ها به تصویر کشیده شده است. ما با استفاده از این احادیث، برخی از کارهایی را که امام عصر علیه السلام برای رشد اخلاق و تربیت معنوی انسان‌ها انجام می‌دهند اشاره می‌کنیم.

۱. تعلیم از طریق عمل

کارآمدترین روش در تعلیم و تربیت انسان‌ها عامل بودن مربی به گفته‌های خود است. اساساً رمز توفیق انبیا و امامان معصوم علیهم السلام در امر تبلیغ دین شیوه رفتاری آن بزرگواران است. رفتار و حرکات حضرت حجت علیه السلام نیز در آن دوران که در معرض دید عموم قرار خواهد داشت، بالاترین آموزش و تعلیم عملی معارف قرآن و اهل البیت علیهم السلام به شمار می‌رود؛ زیرا وجود امام علیه السلام جلوه تمام عیار برنامه‌ها و دستورهای الهی است امام رضا علیه السلام در مورد ویژگی‌های امام زمان علیه السلام می‌فرماید:

«امام داناترین، حکیم‌ترین پارساترین، حلیم‌ترین، شجاع‌ترین و بخشنده‌ترین مردم است. او برای مردم از خودشان سزاوارتر، از پدر و مادرشان مهربان‌تر و در برابر خداوند از همه متواضع‌تر است. آن‌چه به مردم فرمان می‌دهد، خود پیش از دیگران به آن عمل می‌کند، و آن‌چه را که مردم را از آن نهی کند، خود بیش از همگان از آن می‌پرهیزد»^۲.

امام در حقیقت با عمل خود اخلاق را به مردم نشان خواهد داد و آنان اخلاق را عملاً خواهند آموخت.

۲. عدالت اخلاقی

یکی از معانی لغوی عدل، قرار دادن هر چیزی در جای خودش است.^۴ معانی دیگر نیز در لغت برای عدل و عدالت آمده است. عدالت به یک معنا صفت فعل خداوند است و وقتی گفته می‌شود خدا «عادل» است مقصود این است که هر چیزی را در جای خودش آفریده «و بالعدل قامت السموات و الارض».

بشد اخلاق در ظهـور

حامد اسلامجو^۱

در بحث اخلاقی مقصود از عدالت، اعتدال قوای نفس و تسلط عقل بر شهوت غضب و وهم است. لذا عدالت یکی از اوصاف مؤمنین حقیقی است و از اهداف تربیت اسلامی به شمار می‌رود که با نفی ظلم در حوزه ارتباط با خدا، برای خویشتن و جامعه محقق می‌شود.

در حقیقت «عدالت اخلاقی» ملکه‌ای است که اگر آدمی بدان آراسته شود، بی هیچ اکراه و اجباری همواره در برابر قوانین الهی متواضع خواهد بود و به جای قانون‌گریزی به قانون‌پذیری روی می‌آورد، کسی که به عدالت متصل باشد کوچکترین ظلم یا خلاف ادب و اخلاق از او سر نمی‌زند و حتی دانه‌ای را از دهان مورچه‌ای بیرون نمی‌کشد. به همین خاطر تمام خلائق و موجودات از دست او در ایمنی‌اند و در واقع او مظهر بعضی از اسماء الهی مثل «یا امان» خواهد بود البته این معنا درجه بالای عدالت است که تا رسیدن به عصمت دارای مراتبی است و این معنای بیان نورانی امام عصر علیه السلام است که فرمود: «انی امان لأهل الارض». ^۵ امام عصر علیه السلام به عنوان حجت الهی با دارا بودن بالاترین ملکات اخلاقی، تندیس عدالت اخلاقی در بین مردم خواهد بود امام علیه السلام با تربیت و پرورش انسان‌ها آن‌ها را به صفت عدالت آراسته می‌گرداند امام علی علیه السلام درباره احیای عدالت توسط امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «فیریکم کیف عدل السیره؛ پس [مهدی علیه السلام] عدالت واقعی را به شما نشان خواهد داد که چگونه است...» ^۶ علی علیه السلام در خطبه ملاحم می‌فرماید:

«يعطف الهوى على الهدى اذا عطفوا الهدى على الهوى ... فیریکم کیف عدل السیره و یحیی میت الكتاب و السنه» ^۷

چون مهدی علیه السلام ظهور کند خواهش‌های نفسانی را به هدایت آسمانی بازگرداند، پس از آن که رستگاری را به هوای نفس بازگردانده باشند... مهدی علیه السلام به شما نشان خواهد داد که روش عادلانه در حکومت چگونه است و آن چه را که از کتاب و سنت متروک مانده، زنده خواهد ساخت.»

پی‌نوشت

۱. کارشناس و نویسنده.
۲. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۳۶.
۳. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۱۹.
۴. وضع کل شیء موضعه.
۵. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۲۸.
۶. نهج البلاغه، خ ۱۳۸.
۷. روزگار رهایی، کامل سلیمان، ۶۰۶.



یک نفر دلش شکسته بود. توی ایستگاه استجابت دعا منتظر نشسته بود. منتظر، ولی دعای او دیر کرده بود. او خبر نداشت که دعای کوچکش توی چار راه آسمان پشت یک چراغ قرمز شلوغ گیر کرده بود. او نشست و باز هم نشست. روزها یکی یکی از کنار او گذشت. روی هیچ چیز و هیچ جا از دعای او اثر نبود. هیچ کس از مسیر رفت و آمد دعای او با خبر نبود. با خودش فکر کرد: پس دعای من کجاست؟ او چرا نمی‌رسد؟ شاید این دعا راه را اشتباه رفته است! پس بلند شد. رفت تا به آن دعا راه را نشان دهد. رفت تا که پیش از آمدن برای او دست دوستی تکان دهد. رفت. پس چراغ چار راه آسمان سبز شد. رفت و با صدای رفتنش کوچه‌های خاکی زمین جاده‌های کهکشان سبز شد. او از این طرف، دعا از آن طرف در میان راه با هم آن دو روبه‌رو شدند دست توی دست هم گذاشتند از صمیم قلب گرم گفت‌وگو شدند وای که چقدر حرف داشتند... برف‌ها کم‌کم آب می‌شود شب، ذره ذره آفتاب می‌شود و دعای هر کسی رفته رفته توی راه مستجاب می‌شود.

تقدیم به اونهایی که تا آخرین لحظه توی ایستگاه استجابت دعا می‌موندند
 قلبم کاروانسرای قدیمی است. من نبودم که این کاروانسرا بود/پی اش را من نکنم. بنایش را من بالا نبردم. دیوارش را من نچیدم.

من که امدم او ساخته بود و پرداخته. و دیدم که هزار حجره دارد. و از هر حجره قندیلی اویزان که روشن بود و می‌سوخت و از روغنی که نامش عشق بود. کلیدش را به من نمیدهند. درها را خودش می‌بندد. خودش باز میکند. اختیار داری اش با اوست. اجازه همه چیز: قلبم کاروانسرای قدیمی است. همه می‌ایند و می‌روند. هیچ کس نمیتواند بماند که مسافر خانه جای ماندن نیست. می‌روند و جز خاک رفتنشان چیزی برای من نمی‌ماند!

دل‌روشنه

امام خوبان، حالا وقتش رسیده بیایی، همه دست به دعا برداشتند، روز تولدت فرا رسیده، بیا، جمکران را ببین، همه تو را می‌خوانند، همه از دغدغه‌های روزگار دست برداشته‌اند و به جمکران آمده‌اند، از روزهای قبل به یادت بوده‌اند تا این روز فرا رسد و به زیارتت بیایند، همه دلتنگ تواند، می‌دانند نگاهشان می‌کنی، در کنارشان هستی، ولی چشمان گناهکار نمی‌گذارد تو را ببینم، آخر کی انتظار به سر می‌آید، چهل روز دعای عهد خواندیم و با تو عهد بستیم و هر روز عهد تازه من و تو، با صدای غریبانه ترا طلبیدیم و در جست و جوی تو هر روز پر کشیدیم، مهدی جان اگر باز هم سالها در غربت باشیم عهد من و تو هر روز افزون تر می‌شود و گام هایمان پر امیدتر، و همه منتظریم که زودتر بیایی!

وقتی به ابتدای جاده جمکران می‌رسیم می‌پرسیم، پس امام ما کی می‌آید، ای جاده نور و روشنایی! ای جاده امید، پس پناه ما کی می‌آید؛ اینک نوبت ماست که او را یاری کنیم تا اشتیاق ظهور در انتظارمان نمایان باشد. مهدی جان به من سعادت عنایت فرمودی تا در راه تو قدم برداریم و لطف عظیمی به من داشتی که همان آرامش قلبی و احساس درونی من است که یاد تو و دعا برای تو در درونم ایجاد کرده،

چرا خیلی از انسانها فقط به جمکران می‌آیند و دعا و نماز می‌خوانند و زیارتی می‌کنند و بعد که می‌روند تا هفته دیگر و یا سالی دیگر اصلاً به یاد شما نیستند و نیاز به امام زمانشان را احساس نمی‌کنند و دنیای زیبایی که با آمدن شما ایجاد می‌شود را درک نمی‌کنند. و تلاش برای زمینه سازی آن جهان زیبا و آباد نمی‌کنند.

مهدی جان! ای کاش قلمم را در می‌آوردی و بیش خود نگاه می‌داشتی تا مطمئن شوم هیچکس غیر از شما در آن راه نمی‌یابد و همیشه به همین اندازه شما را دوست داشته باشم و آنچنان که شایسته اطاعت شما است اطاعت کنم، و برای آمدن شما لحظه شماری کنم، بعضی وقتها که کمتر به یاد شما هستم می‌ترسم، می‌ترسم که مبادا! شما را فراموش کرده باشم.

مهدی جان! شیطان را از ذهن من دور کن تا عبودیتم کامل شود، و مطیع اوامر شما باشم، افکار من را قوی کن تا از وسوسه‌های شیطان نجات یابم و یادت را در دل من چون آتش شعله ور کن نه مثل شمعی که سوسو می‌زند و با هر نسیمی و دسیسه ای خاموش شود، این تولد را آخرین تولد بدون حضور خود قرار بده تا ما هم توفیق دیدارت را و خدمت در کنار پرچمت را داشته باشیم، مهدی جان! به من نظری کن که آن گونه که شما می‌پسندید خود را بسازم که از یاران شما باشم و این لیاقت را به من بده که در دغدغه‌های زندگی، شما بالاترین این دغدغه‌ها باشید، و فقط شما باشید و یاد شما و دعا برای شما، از اعماق قلبم بارها و بارها می‌گویم خیلی دوستت دارم، و افتخار می‌کنم که مسلمانم و چنین امام خوبی دارم، آن مسلمانی که دوست واقعی شما باشد و جانش را زیر پاهای شما می‌اندازد، امام خوبان، همه شما را دوست دارند، حتی بچه‌ها با شنیدن نام شما احساس خوبی پیدا می‌کنند. چرا ما لیاقت منتظر واقعی بودن را نداریم، چرا آنچنان که باید، زمینه و شرایط را برای شما آماده نمی‌کنیم، شمایی که از همه مهربان تری، چرا مثل کسی که مهربان زندگیش که پدر و مادر می‌باشد، برای نبودن شما و دوری از شما، زاری و گریه نمی‌کنیم. آقا جان! بی‌تابی ما را به آن درجه برسان که یاران واقعی، واقعی شما باشیم.

فرشته اربابی



روزها و اروزها

مناسبت های قمری

۳ شعبان = ۴ مرداد، میلاد امام حسین علیه السلام

امام حسین علیه السلام دومین مولود از پیوند مبارک حضرت علی علیه السلام و فاطمه علیهما السلام در سوم شعبان سال چهارم ه. ق متولد شدند و خانه نبوت بار دیگر غرق نور و شادی شد. در انتخاب نام این مولود، حضرت علی علیه السلام پیامبر را بر خود مقدم نمود. پیامبر عظیم الشان اسلام هم خدا را بر خود مقدم نمود. جبرئیل از طرف خداوند نام حسین را به پیامبر ابلاغ فرمود. این روز به مناسبت جانفشانی ها و پاسداری های حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام از اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله به روز پاسدار نامگذاری شده است.

۴ شعبان = ۵ مرداد، میلاد حضرت عباس علیه السلام و روز جانباز

حضرت عباس ثمره ازدواج فاطمه کلابیه با حضرت علی علیه السلام است. این نوزاد را عباس نام نهادند. امام علی علیه السلام که در فکر آینده اسلام بودند این ازدواج و این مولود را در مسیر قیام فرزندشان دانستند. به خاطر رشادتها و جانفشانی های این سردار امام حسین علیه السلام، این روز را روز جانباز نامگذاری کردند. شخصیتی که با دادن دو دست خود، عنوان جانبازی را قبل از شهادت دریافت کرد. در فضیلت جانبازی اش این روایت ادا کننده حق مطلب است که به فرموده امام صادق علیه السلام: «خداوند در آخرت به جای دو دست داده در راهش، دو بال به حضرت عباس علیه السلام خواهد داد که بهشتیان و فرشتگان به آن مقام، غبطه خواهند خورد».

۵ شعبان = ۶ مرداد، میلاد امام سجاد علیه السلام

در سال ۳۸ هجری در چنین روزی دومین فرزند امام حسین علیه السلام متولد شد. او را علی نامیدند. در حدیثی از امام حسین علیه السلام آمده که «خداوند هر چه به من فرزند پسر عطا کند به کوری چشم معاویه نام آنها را علی خواهم گذاشت» چرا که معاویه دستور داده بود هر که نام فرزندش را علی گذاشت بکشند. این شخصیت بزرگ، رهبری و امامت را در کاروان کربلا از عصر عاشورا - زمان شهادت پدر گرامیش امام حسین علیه السلام - بر عهده گرفت و در مجلس عبیدالله و مجلس شام به شکلی بسیار زیبا به افشاگری و محکوم نمودن جنایات دستگاه بنی امیه پرداخت.

۱۱ شعبان = ۱۲ مرداد، میلاد علی اکبر علیه السلام و روز جوان.

در چنین روزی از سال ۳۳ هجری قمری امام حسین علیه السلام با تولد اولین فرزندش مسرور شدند. امام حسین علیه السلام نام پدر گرامیش را برای مولود عزیزش انتخاب کردند. این مولود در روز عاشورا آنچنان زیبا درخشید که دشمن را حیران کرد. شبیه ترین فرد به پیامبر - خَلْقاً و خُلُقاً - از او چهره ای دوست داشتنی آفریده بود که در صحنه کارزار، دشمن را متوجه این ویژگی نمود. چقدر زیباست که این روز به عنوان روز جوان نامگذاری شده است. باشد که جوانان این مرز و بوم در گرفتن الگو چنین شخصیتی را سرمشق خود قرار دهند.

۱۵ شعبان = ۱۶ مرداد، میلاد امام زمان علیه السلام و روز جهانی مستضعفان

در پانزدهم شعبان ۲۵۵ ه. ق آخرین حلقه امامت و وصایت پا به صحنه گیتی نهادند و تمام آرزوهای خلیفه وقت عباسی و دشمنان اهل بیت را به یأس و ناامیدی تبدیل کردند. داستان ولادت حضرت آنقدر زیباست که هر بار خواندن آن لذت آفرین است. نامش هم نام پیامبر عظیم الشان اسلام است و کنیه اش کنیه اوست و در سیما و قیافه شباهت بسیار به پیامبر دارند.



موعود تمام ملت‌ها، ادیان و مذاهب متولد شد و انشاءالله روزی ظهور خواهد نمود و جهان را از خیر و برکت حضورش منور خواهد کرد. روز ولادتش به حق، روز جهانی مستضعفان نامگذاری شده است.

مناسبت‌های شمسی

۵ مرداد = ۴ شعبان، سالروز عملیات مرصاد.

رژیم بعث عراق در یک حرکت ناجوانمردانه برای ضربه زدن به نظام مقدس جمهوری اسلامی متوسل به نیروهای - به اصطلاح - سازمان آزادی بخش خلق ایران شد تا از طریق آن‌ها با گشودن جبهه‌های جدید به دستاوردهای نظامی مهمی دست یابد. سازمان منافقین با عملیات فروغ جاویدان به خاک میهن عزیزمان حمله‌ور شد به خیال این‌که کشور جنگ زده، توانی برای دفاع و حمله ندارد. در چنین روزی بود که نیروهای خودی با انجام عملیات مرصاد ضمن تار و مار کردن نیروهای خودفروخته، شماری از آنان را کشته و دستگیر کردند و در مدت کوتاهی چنان شکست سنگینی به آنان وارد کردند که جهان، آن روز مات و مبهوت شد. نام مرصاد از این آیه قرآن گرفته شده که «انک لبالمرصاد»^۱ خداوند در کمین ستمگران است.

۱۴ مرداد = ۱۳ شعبان، سالروز صدور فرمان مشروطیت

مظفرالدین شاه در یک اقدام تاریخی به نظام مشروطه در کشور رسمیت بخشید. در پی درخواست‌های مکرر علمای بلاد، این شاه مریض و بیمار در روزهای آخر پادشاهی طی دستخطی، فرمان مشروطیت را صادر کرد. گرچه این فرمان بلافاصله با آمدن محمد علی شاه قاجار - پسر مظفرالدین شاه - عملاً زیر پا گذاشته شد و این شاه مستبد به قلع و قمع مخالفان خود پرداخت اما بعدها ثمرات آن ظاهر گشت.

۲۶ مرداد = ۲۵ شعبان، آغاز بازگشت آزادگان سرافراز به میهن اسلامی

بالاخره بعد از سالها انتظار در چنین روزی از سال ۱۳۶۹ رژیم صدام با آزادی اسرای ایران موافقت کرد. گرچه ایران اسلامی در مناسبت‌های مختلف، اقدام به آزادی گروهی از اسرای عراقی می‌کرد اما رژیم بعثی عراق تا این تاریخ کوچکترین نرمشی در این‌باره نشان نداد. مسأله آزادسازی اسرای ۲ کشور پس از نامه نگاری‌های صدام حسین - به عنوان رئیس شورای فرماندهی عراق و رئیس جمهور آن زمان کشور - حجت الاسلام و المسلمین هاشمی رفسنجانی - رئیس جمهور وقت ایران اسلامی - اتفاق افتاد.

۲۸ مرداد = ۲۷ شعبان، کودتای ننگین ۲۸ مرداد

با استقرار حکومت مردمی به رهبری مصدق و فرار شاه از ایران، طرح کودتایی بر علیه دولت قانونی مصدق از سوی آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها کلید خورد. بنا بود این کودتا در روز ۲۵ مرداد صورت بگیرد که به خاطر شکست در آنروز، روز ۲۸ مرداد برای کودتا انتخاب شد. با دستگیری مصدق و حامیانش و بازگشت شاه به ایران و محاکمه و اعدام مخالفان روند دموکراسی متوقف شد و مردم ایران بار دیگر از داشتن حکومت دلخواه محروم شدند.

پی‌نوشت

۱. پژوهشگر مباحث مهدویت.
۲. سوره فجر، آیه ۱۳.



دوباره ماه شعبان رسید، ماهی که در آن نورهای درخشانی پا به عالم دنیا گذاشتند و با وجود خود به جهان حیاتی دوباره بخشیدند از میان این گوهرهای ناب هستی امام حسین علیه السلام و امام عصر علیه السلام درخشش بیشتری دارند که یکی در سوم شعبان و دیگری در نیمه ماه شعبان گیتی را با آمدنشان نورانی کردند، یکی با نگاه سرخ خویش فداکاری، از جان گذشتن برای دین و پایداری را به ما می‌آموزد و دیگری با نگاه سبزش، امید به آینده، در انتظار عدالت، به دنبال راستی و زیبایی بودن را به ما نوید می‌دهد. این دو امام گرانبه پيوندهای ناگسستنی با هم دارند.

امام مهدی علیه السلام در خَلق و خَلق شبیه جدش امام حسین علیه السلام می‌باشد او مانند جدش حسین علیه السلام علم و قدرت و شجاعت و سازش ناپذیری و بیعت نکردن با ظالمان می‌باشد. به دنبال برپایی حق و عدالت در سراسر جهان است. یاد امام مهدی علیه السلام تسکین بخش دل امام حسین علیه السلام و یارانش در شب عاشورا است و یاد امام حسین علیه السلام، امام مهدی علیه السلام را در شب و روز نالان قرار داده است. او که هر روز جد غریبش را یاد می‌کند و در سوگ او ماتم می‌گیرد و در انتظار روز عاشورایی است که دستور قیام به او داده شود و کار نیمه تمام جد غریبش را در برپایی دولت کریمه اهل بیت علیهم السلام به پایان برساند.

برای این‌که پیوند میان این دو را فراموش نکنیم؛ در شب میلاد امام زمان علیه السلام، شب قدر و در دعای ندبه از حسین علیه السلام یاد می‌کنیم و شعار سپاهیان حضرت مهدی علیه السلام «یا لثارات الحسین» است و حضرت مهدی علیه السلام با یاد او قیام خود را آغاز می‌کند از طرف دیگر در زیارت عاشورا، در میلاد امام

حسین علیه السلام و در تعزیت روز عاشورا یاد حضرت مهدی علیه السلام را فراموش نمی‌کنیم و از خدا می‌خواهیم ما را از یاوران آن امام منتظر برای خونخواهی آن امام شهید قرار دهد.

در روایتی می‌خوانیم:

حضرت سید الشهداء علیه السلام در کربلا رو به اصحاب و یاوران خود کرد و فرمود: جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: فرزندم حسین علیه السلام در سرزمین کربلا غریبانه، تنها و با لب تشنه به شهادت می‌رسد هر کسی او را یاری دهد همانا مرا و فرزندش حضرت مهدی علیه السلام را یاری کرده است.^۲

اما برای ما که در کربلا حاضر نبودیم و نتوانستیم جان خود را فدای سالار شهیدان کنیم حالا چگونه می‌توانیم در زمره یاری گران آنان باشیم؟ در پاسخ می‌توان گفت، یاری کردن را می‌توان به یاری قلبی و زبانی و عملی انجام داد.

یاری قلبی

یاری قلبی یعنی ما در دل خواهان یاری امام حسین علیه السلام باشیم و بگوییم اگر ما آن زمان حاضر بودیم آن امام غریب را یاری می‌کردیم. امام رضا علیه السلام به ابن شعیب می‌فرماید: ای فرزند شبیب

یاری



جای دادند و وقتی دیدند این کار بر سالخوردگان سنگین و گران آمده است هشام را این‌گونه معرفی فرمودند: «هذا ناصرنا بقلبه و لسانه ویده» این شخص با قلب و زبان و رفتار خود یاور ما است.^۱ در پایان یادآور می‌شویم که اگر می‌خواهیم یاری کننده امام حسین علیه السلام و امام مهدی علیه السلام در این زمان باشیم؛ بهترین کار زنده نگاه داشتن یاد آن دو امام بزرگوار در همه جا با بیان زندگی و رفتار و هدف‌ها و فضایل آنان است و بهترین راه برای این کار نشان دادن فضایل آنان در رفتار و کردار است که این بهترین شیوه تبلیغ است تا زینت و مایه سرافرازی آنان باشیم نه مایه سرافکندی و شرمساری آنان. به امید آن‌که پروردگار انسان‌ها ما را از یاوران حضرت مهدی علیه السلام برای برپایی دولت نور و عدالت و برچیدن بیداد و ستمگری قرار دهد.

پی نوشت

۱. کارشناس و پژوهشگر.
۲. معالی السبطین، ج ۱، ص ۲۰۸ - ریاض القدس، ج ۱، ص ۲۶۳.
۳. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۶.
۴. بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۲۹۵، حد ۴.

سید حسن زمانی^۱

اگر خوشحال می‌شوی ثواب کسانی را که در راه امام حسین علیه السلام به شهادت رسیده‌اند را ببری هر وقت او را یاد کردی بگو «یا لیتنی كنت معهم فافوز فوزاً عظيماً» ای کاش با آنان بودم و به آن رستگاری عظیم می‌رسیدم.^۲ اما یاری قلبی وقتی حاصل می‌شود که ما امامان علیهم السلام و جایگاه آنان را به درستی بشناسیم و بعد از شناخت درست، ولی نعمت بودنشان را مورد تصدیق و پذیرش قرار دهیم. شناخت قلبی منتهی به محبت قلبی می‌شود و به دنبال محبت و علاقه یاری قلبی به وجود می‌آید.

یاری زبانی

یاری زبانی مرحله‌ای بالاتر از یاری قلبی است یعنی انسان آن‌چه را در دل به آن عقیده‌مند است بر زبان جاری کند اگر امام حسین و امام زمان علیهما السلام را در دل قبول دارد، بوسیله زبان عقیده قلبی خود را بیان کند و در پرتو اظهار زبانی ولی نعمت خویش را یاری کند. ما می‌توانیم با برپایی مجالس یاد اهل بیت علیهم السلام در میلادها و شهادت‌ها و در روزهایی که منسوب به آنان است و با خواندن زیارت‌ها و دعا‌های منسوب به آنان به یاری زبانی آنان برخیزیم.

یاری عملی

کاملترین یاری وقتی حاصل می‌شود که انسان بعد از یاری قلبی و زبانی، با رفتار خویش در عمل، یاری‌گر امام خود باشد و اگر انسان با کردار خویش، خود را در مسیر بندگی پروردگار متعال قرار دهد و با رفتار خود دیگران را به این مسیر هدایت کند به بهترین صورت امام حسین و امام عصر علیهما السلام را یاری کرده است. هشام بن حکم در اوایل سنین جوانی وقتی که تازه بر صورتش مو روییده بود بر امام جعفر صادق علیه السلام وارد شد. امام علیه السلام او را بالاتر از همه بزرگان اصحاب خویش در کنار خود

امام حسین علیه السلام و امام مهدی

گفتگو با حجة الاسلام و المسلمین علیرضا پناهیان^۱

به کوشش حامد اسلامجو و امیر سعید سعیدی



در پی درخواست برخی از خوانندگان، مبنی بر مصاحبه با حجت‌الاسلام والمسلمین پناهیان، بالاخره فرصتی دست داد تا بعد از ظهر یکی از روزهای آخر بهار با ایشان در محل کارشان به گفتگو بنشینیم.

۱ لطفاً حضرتعالی خودتان را برای خوانندگان مجله معرفی کنید؟

بنده علیرضا پناهیان هستم، از اول راهنمایی در کنار مدرسه، درس طلبگی را شروع کردم، سال ۱۳۶۱ در کنار درس‌های دبیرستانی به صورت رسمی به درس‌های حوزه هم پرداختم. اما همیشه ارتباط تبلیغی و فرهنگی ام با جوان‌ها و جامعه در طول دوران تحصیلم حفظ شد. حدود ۱۵ سال درس خارج شرکت کردم و رشته روانشناسی را هم تا حدودی در دفتر همکاری حوزه و دانشگاه که الان تبدیل شده به پژوهشگاه حوزه و دانشگاه مطالعه کردم.



آن - حافظه تان چطور است؟ چند نمره می‌دهید به حافظه تان؟

- برای جزئیات نمره خوبی بهش نمی‌دهم، نمره ۱۰ می‌دهم برای کلیات نمره ۲۰ می‌دهم.
- از ۲۰ یا از ۱۰۰؟
- از ۲۰.

آن - با قرآن چقدر مانوسید؟ نمره بدهید.

- نمره دادن سخت است ولی شاید تعجب نکنید که اولین کتاب مطالعه من بوده قبل از اینکه بخواهم قرائت بکنم سال‌ها من یک قرآنی داشتم که می‌خواندم برای اینکه یک دور ببینم که قرآن چه می‌گوید و خواندن من، بسیار طول کشید قرآن را به عنوان دوست داشتنی‌ترین کتاب مطالعه برای خودم تلقی می‌کنم.

آن - تحصیلات دانشگاهی دارید؟

- رشته روانشناسی تا حدودی.

آن - بفرمایید رمز موفقیت شما چیست؟

بنده هر موقع از من می‌پرسند که رمز موفقیت شما چیست به صورت روشن به آنها پاسخ می‌دهم که من فرد موفق نبودم که رمزی بخواهد داشته باشد. برای من رسیدن به آستانه‌های موفقیت شاخص‌هایی دارد که در خودم محقق نمی‌بینم البته توفیقاتی داشتم این توفیقات در عرصه تبلیغ خودشان را نشان دادند و در برخی از زمینه‌ها ممکن است خدا توفیقاتی به بنده داده باشد که شکر آنها را نباید فراموش بکنیم ولی آن چیزی که مردم بیشتر از بنده دیدند منبرهای بنده بوده و فعالیت تبلیغی من به صورت سخنرانی، بعضاً دانشجویهایم کلاس‌های من را از منبرهای من بیشتر می‌پسندیدند.

آن - برخی معتقدند در خیلی از مثال‌های شما تحلیلها و تبیینات نو و جدید هست و به خاطر همین استعاره و کنایه‌هایی که شما به کار می‌برید برای مخاطب مخصوصاً برای جوان جالب و جذابید. برای اینها روشی دارید یا فقط عنایت است؟ یعنی یک روش مکتوبی دارید که طبق آن روش می‌روید جلو؟

تبلیغ به حق، توفیقی را آدم پیدا می‌کند که جز عنایت حضرت حق نیست منتهی معنای عنایتی بودن این توفیق‌ها این نیست که ما نتوانیم دستگاه تولید این تحلیل‌های نو را کشف کنیم و یا راه به دست آوردن این نگاه نو را نتوانیم تئوریزه کنیم. مهم این است که شما به یک روایت از کدام زاویه برخورد کنید، بین معارف و روایات چگونه ارتباط برقرار می‌کنید موضوعتان را چگونه تعبیر می‌کنید، و چگونه به بهترین نتیجه می‌رسید.

آن - در فضای کار شما اول بنایتان در موضوع بیرونی هست یا اول می‌آید سراغ آیات و روایات بعد از آیات و روایات در واقع موضوع درست می‌کنید؟

همیشه می‌روم سراغ آیات و روایات و اکثر مواقع هم بی‌مسأله می‌روم سراغ آیات و روایات. فکر می‌کنم در آیات و روایات موضوعی شدن موج می‌زند خصوصاً موضوعی به نام انسان که مخاطب ماست و همه مسائل ما و واقعیت‌های عینی ما به آن بر می‌گردد شاید اگر کسی به من بگوید که بیشترین موضوعی که به آن فکر کردی و حتی به صورت نظام مند به نتایج رسیدی چه موضوعی است من می‌گویم موضوع انسان.

یادم هست سال ۱۳۶۷ شاید بود یا ۶۸ آن زمان برخی از نتایج مطالعات خودم را برای آیت الله مظاهری عرض می‌کردم آن موقع ایشان هنوز در قم بودند ایشان می‌فرمودند من اگر مرجع تقلید تو بودم به تو واجب می‌کردم که بنشین اینها را تدوین کنی. فکر می‌کنم که جریان تبلیغ دین بیشتر وابسته به دو عامل بسیار کلیدی است یکی درک عمیق محتوای دین، دوم درک عمیق نیاز مخاطب در مرحله سوم بکارگیری ادبیاتی که این دو را به هم متصل بکند.



ان - چه زمانی وارد موضوع مهدویت شدید؟

سال‌ها قبل بود حدود سال ۷۶ بود یک گروه دانشجویی به قم آمدند و گفتند ما قبل از اینکه برویم جمران، می‌خواهیم شما در مورد امام زمان برایمان صحبت بکنید.

پنجشنبه عصری بود ما برای اینها صحبت کردیم و این صحبت به دلشان نشست. خود من به صورت جسته و گریخته در ارتباط با موضوع آقا امام زمان (علیه السلام) خیلی گفتگوها داشتم ولی نه به این صورتی که به صورت متمرکز در بیاید. این دانشجویها خیلی استقبال کردند، گفتند. هفته بعد هم ما بیاییم، شما این را ادامه می‌دهید؟ گفتیم بله ادامه می‌دهیم و بعد از ما ادامه دادن و از دوستان هم گوش دادن به عرایض بنده و توجه کردن دوستان به این موضوع شریف.

من بعد از اینکه آثار این بحث را در یک گروه دانشجویی که همه هم یک دست مذهبی نبودند ولی همه علاقه مند بودند دیدم خیلی جاها پیشنهاد می‌دهم که این موضوع مهدویت را شروع کنید به کار کردن، امواج سیاسی این سال‌ها به سمت دوری مردم از معنویت اشاره داشت و مضراتی هم در جامعه داشت.

بعد از همان زمان بسیار خوشبینانه دیدم که اینگونه نیست گفتم تازه جامعه ما در حال پوست انداختن است و می‌خواهد به یک لایه‌های عمیق تری توجه کند. یک گروهی از کرج آمدند پیش من گفتند که ما می‌خواهیم تجمع حزب الله کرج را راه بیندازیم و در این تجمع اهداف و ارزش‌های انقلاب را بیان کنیم. گفتند می‌خواهیم کار فکری بکنیم نه کار سیاسی کار آموزشی عقیدتی می‌خواهیم انجام بدهیم.

بهشون عرض کردم که خب شما به جای اینکه تعبیر تجمع حزب الله به کار ببرید بیایید از کلمه همایش معنوی انتظار استفاده بکنید که آن زمان تلقی از تجمع حزب الله یک کار صرفاً سیاسی بود، در قالب موضوع انتظار و مهدویت تمام اهداف امام، ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب را مطرح کنید. گفتند: خیلی خوب است این برنامه هنوز هم در کرج و خیلی از شهرستان‌ها که بعداً ادامه پیدا کرد ادامه داشت.

بعداً پیشرفت این موضوع مهدویت در ارتباط با هیأت رزمندگان قرار گرفت و مهدیه تهران و صدا و سیما و یک موجی از توجه به موضوع آقا امام زمان در کشور راه افتاد. و من هم اولین سالی که تلویزیون بخشی از صحبت‌های ما را پخش می‌کرد دهه‌عاشورا ماه صفر بود که من در آنجا به طرح بحث جامعه مهدوی پرداختم در حالی که آن زمان بحث از جامعه مدنی می‌خواست رونق بگیرد و مسأله شده بود تا حدی که مقام معظم رهبری به دانشگاه تهران رفته بودند از ایشان پرسیدند که نظر شما نسبت به جامعه مدنی چیه؟ ایشان فرموده بودند که «هر کس این را مطرح کرده بیان کند». در آن فضا من آمدم در مقابل جامعه مدنی، جامعه مهدوی را مطرح کردم خیلی در جوان‌ها مورد استقبال قرار گرفت که بعد از آن جلسه دوستان مهدیه تهران گفتند که اگر دوباره این را به راه بیندازیم شما حاضرید بیایید صحبت بکنید. و هر جمعه در مورد امام زمان صحبت بکنید چون حساب کرده بودند می‌شود یک دهه محرم و صفر درباره امام زمان صحبت کرد. این خیلی عجیب است آخر تا آن موقع بیشتر اینجوری رواج داشت که یادی از حضرت می‌کردند در صحبت مختلف. اینکه درباره حضرت به صورت مستمر صحبت بشود، نبود. به هر حال دیدید که رونق پیدا کرد و بیشترین اقبال در این مسأله صورت گرفت. یادم هست به دوستان و رزمندگان عرض می‌کردم که امروز اقبال به موضوع امام زمان (علیه السلام) بیش از اقبال به اباعبدالله الحسین است این مقایسه که گاهی عجیب به نظر می‌رسد و شاید اساساً تعبیر دقیقی نباشد اما نشان دهنده آن علاقه پرشور موجود در میان مردم است نسبت به موضوع آقا امام زمان (علیه السلام).



پان - اساسی‌ترین دغدغه‌هایی که در واقع منتظران ظهور باید داشته باشند به نظر شما چیست؟
اساسی‌ترین دغدغه منتظر این است که ظهور را باید نزدیک بدانیم. خب بعد از اینکه ما ظهور را نزدیک دیدیم «تیره قریباً» بعد از اینکه این اتفاق افتاد دغدغه چه می‌شود؟ مهمترین دغدغه به قول شهید بهشتی ساختن جامعه‌ای نمونه که مقدمه ساز ظهور باشد و بتواند خودش را برای عالم نشان بدهد لذا مهم‌ترین دغدغه تثبیت و رشد و تقویت نظام جمهوری اسلامی در یک کلمه است.

پان - در واقع به همان معنای دولت و جامعه زمینه ساز؟
بله این مهمترین دغدغه باید باشد و دغدغه‌های فردی هم باید در همین دغدغه تعریف بشود.

پان - خیلی‌ها سوالشان این است که ما چطور بفهمیم آقا امام زمان از ما راضی هستند یا نه؟ نظر شما چیست.
ببینید این سؤال به نوع دیگری در مورد خود خداوند متعال هم پرسیده می‌شود البته در مورد حضرت هم زیاد پرسیده می‌شود. در حالی که کسانی که این سؤال را می‌کنند باید بدانند در این ابهام یک فلسفه‌ای وجود دارد و این فلسفه بسیار تربیت کننده است؛ پذیرفتن این ابهام انسان را رشد می‌دهد... رابطه عبد و مولی رابطه‌ای است بسیار متواضع‌تر از این، من باید برای مولای خودم جانم را فدا کنم. گفت:
گر از درت برانی وز نزد خود بخوانی
رو کن به هر که خواهی گل پشت و رو ندارد
من نوکر توام معنا ندارد بگوئیم نه صبر کن ببینم بر درت می‌خوانی یا از درت می‌رانی. البته این سؤال سؤال صحیحی نیست در مکتب عشق و عرفان، در مکتب معرفت ولایی که ما داریم خود این سؤال صحیح نیست. ما در ارتباط با خداوند متعال می‌گوییم همیشه در خوف و رجا باید بود در کل، با حضرت هم همینطور، تو تلاشت را بکن چه کار داری، یعنی می‌خواهد برود حسابش را چک کند؛ ببیند چقدر در حسابش پول ریخته تا خیالش راحت بشود این خیال راحتی را، این عجب را هم گاهی به دنبال می‌آورد نوعی یأس را هم به دنبال می‌آورد، یا یأس را به دنبال می‌آورد یا عجب، درحالی که آدم باید بین خوف و رجا باشد و لذا اساساً این سؤال سؤال صحیحی نیست، توجه به فلسفه این ابهام انسان را از پرسشگری در این سؤال باز می‌دارد و مؤدبانه ترش هم این است که انسان دست از این سؤال‌ها بردارد. باید بندگی کرد و طاعت او را انجام داد.

پان - چقدر خودتان را در ویژگی‌های مهربانی و خشم معرفی می‌کنید؟ درجه مهربانی درجه غضب. بیشتر شما را چهره مهربان می‌بینند یا چهره غضب نمی‌بینند. در خانواده چهره مهربانی دارید؟
در خانواده هم همینطور است. یک بار دخترم به من می‌گفت که بابا این بچه‌های مدرسه از باباهایشان می‌ترسند. گفتم مگر تو نمی‌ترسی؟ گفت: نه. اصلاً چیز عجیبی بود برایش که همکلاسی‌هایش از باباهایشان می‌ترسند، این یک چیز خیلی غیر قابل باوری بود. ولی من نسبت به آدم‌ها هم مهربانی در قلب خودم انصافاً حس می‌کنم. یعنی بیشتر دلم برایشان می‌سوزد و قبل از اینکه بدیشان را بخواهم ببینم؛ واقعاً خوبیهایشان را می‌بینم و محبتی که خدا به آنها داده، خدا آنها را هم دوست دارد ببرد بهشت، لذا آنها هم می‌توانند مهربان باشند.

پان - آقای پناهیان چطور بود بهتر بود؟ و اگر چطور نبود بهتر بود؟
اگر پناهیان هم این حرفهایش را قبلاً زده بود و هم شهید شده بود در دفاع مقدس؛ خیلی بهتر بود، موقعش بهتر بود.

پان - متشکریم و امیدواریم موفق باشید.
من هم تشکر می‌کنم.



درمحصن خویان

عاقبت طاعت و اطاعت نفس

گرچه مطالبی که در این اوراق است از امور شایعه و رایج و از مکررات باید به شمار آورد، ولی باکی از این تکرار نیست. تذکر نفس و تکرار حق، امر مطلوبی است، و این جهت در اذکار و اوراد و عبادات و مناسک، تکرار مطلوب است و نکته اصلی آن عادت دادن نفس و مرتاض نمودن آن است. پس، از تکرار ای عزیز [ملول] مشو؛ و بدان که تا انسان در قید اسارت نفس و شهوات آن است و سلسله‌های طولانی شهوت و غضب در گردن اوست، به هیچ یک از مقامات معنوی و روحانی نایل نمی‌شود، و سلطنت باطنیه نفس و اراده نافذه آن بروز و ظهور نمی‌کند و استقلال و عزت نفس که از بزرگترین مقامات کمال روحانی است، در انسان پیدا نمی‌شود. بلکه این اسارت و رقیبت، باعث می‌شود که انسان، سرپیچ از اطاعت نفس نباشد در هیچ حال. و چون سلطنت نفس اماره و شیطان در باطن قوی شد، و تمام قوا سر به رقیبت و طاعت آن‌ها گذاشتند و خضوع در پیشگاه آن‌ها نمودند و تسلیم تام شدند، آن‌ها قانع به معاصی تن‌ها نمی‌شوند کم کم از معصیت‌های کوچک، انسان را به معاصی بزرگ و از آن‌ها به سستی عقاید و از آن به ظلمت افکار و از آن به تنگنای جحود و از آن به بغض و دشمنی انبیا و اولیا می‌کشاند. و نفس که در تحت سلطه و رقیبت آن‌هاست، نتواند از آن سرپیچی نماید. پس عاقبت امر طاعت و اسارت خیلی وخیم است و به جاهای خیلی هولناک انسان را ممکن است بکشد. انسان عاقل رئوف به حال خود، باید به هر وسیله‌ای شده، خود را از این اسارت خارج کند و تا فرصت دارد و قوای او سالم است و حیات و صحت و جوانی برقرار است و قوا به کلی مسخر نشده، در مقابل آن قیام کند؛ و مدتی مواظبت اوقات خویش کند و مطالعه در حالات نفس کند و حالات گذشتگان و سوء عاقبت آن‌ها را مذاقه نماید و گذشتن این چند روزه را به باطن قلب خود بفهماند و قلب را بیدار کند و به قلب بفهماند حقیقت منقول از رسول اکرم ﷺ به ما که فرمود: «الدنيا مزرعة الآخرة»^۱.

دنیا کشتگاه بازپسین است. اگر این چند روزه کشت نکنیم و عمل صالح ننماییم، فرصت از دست می‌رود. عالم دیگر که فرا رسید و موت، حلول کرد، تمام اعمال منقطع می‌شود و آمال پایمال می‌گردد. و اگر خدای نخواست با این عبودیت از شهوات و اسارت از قید گوناگون هواهای نفسانیه ملک الموت در رسد، شیطان ممکن است مقصد آخر را که ربودن ایمان است، انجام دهد، و با ما طوری سلوک کند و به قلب ما طوری نمایش دهد که با دشمنی حق و انبیا و اولیاء او از دنیا برویم و خدا می‌دانیم که در پس این پرده چه بدبختی‌ها است و چه ظلمت‌ها و وحشت‌ها است. همان این نفس خسیس و ای دل غافل! از خواب برخیز و در مقابل این دشمنی که سال‌ها است تو را افسار کرده و در قید اسیری در آورده و به هر طرف می‌خواهد، می‌کشاند، و به هر عمل زشتی و خلق ناهنجاری دعوت می‌کند و وادار می‌نماید، قیام کن و این قیود را بشکن و زنجیرها را پاره کن و آزادی خواه باش و ذلت و خواری را برکنار گذار و طوق عبودیت حق - جل جلاله - را به گردن نه که از هر بندگی و عبودیتی وا رهی و به سلطنت مطلقه الهیه در دو عالم نایل شوی. ای عزیز! با آن که این عالم دار جزا نیست، و محل بروز سلطنت حق نیست، و زندان مؤمن است، اگر تو از اسارت نفس بیرون آیی و به عبودیت حق گردن نهی، و دل را موحد کنی و زنگار دو بینی را از آیینۀ روح بزدايي، و قلب را به نقطه مرکزی کمال مطلق متوجه کنی در همین عالم آثار آن را به عیان می‌یابی. چنان وسعتی در قلبت حاصل شود که محل ظهور سلطنت تامه الهیه شود و از تمام عوالم، فسحت و سعه آن بیشتر گردد.

«لا یسعی أرضی و لا سمائی بل یسعی قلب عبدی المؤمن»^۲.

و چنان غنا در آن ظاهر گردد که تمام ممالک باطن و ظاهر را به پیشیزی نشمری، و چنان اراده‌ات قوی گردد که متعلق به ملک و ملکوت نگردد و هر دو عالم را لایق خود نداند.

طیران مرغ دیدی تو زبای بند شهوت

بدر آی تا ببینی طیران آدمیت^۳

ادامه دارد

پی‌نوشت

۱. احیاء العلوم، ج ۴، ص ۱۹.
۲. زمین و آسمان گنجایش مرا ندارد. بلکه جایگاه من قلب بنده مؤمن است.
۳. چهل حدیث، حضرت امام خمینی رحمته الله علیه، ص ۲۵۸ و ۲۵۹.

شکایت

در شماره پیشین سؤالی مطرح شد مبنی بر این که از چه زمانی، مذهبی به نام سلفیه خود نمایی کرد؟ در این شماره سعی ما بر آن است که به پاسخ این سؤال بپردازیم.

شاید بتوان گفت: نخستین بار ظهور شعار «سلفیه» در مصر بود، زمانی که انگلستان این سرزمین را اشغال کرده بود و علت این مسأله هم به اوضاع مصر در آن زمان باز می‌گردد. در آن زمان به رغم وجود «الآزهر» و علمای آن، مصر خاستگاه انواع فراوانی از بدعت‌ها و خرافه‌های روزافزونی بود که در گوشه و کنار این کشور و بلکه در زوایای خود الأزهر با نام تصوف رشد می‌کرد، طریقه‌هایی که هیچ اصل و ریشه دینی نداشت. در داخل الأزهر نیز فعالیت‌های علمی به آداب و رسومی صوری و دروغین تبدیل شد و به صورت ستیزه جویی و لجبازی و عبارت‌هایی که از گذشتگان به ارث رسیده درآمد که هیچ پیوندی با زندگی و هیچ رابطه‌ای با واقعیت مردم نداشت. عالم و دانشجوی الأزهر نه فقط از جامعه بریده بود؛ بلکه احساس نمی‌کرد که رسالت اصلاح و تغییر هم بر دوش اوست این همه گذشته از آلودگی‌هایی است که جای جای دانشگاه الأزهر و صحن و رواق و حتی کوچه‌های پیرامون آن را آکنده بود و ناخوشایندی را در مردم برمی‌انگیخت.

مردم در برابر این واقعیت زشت و رسوا دو گروه شدند:

گروهی بر این عقیده شدند که می‌بایست به کاروان تمدن غرب پیوست و از باقیمانده قیدها و ضوابط و حتی از افکار اسلامی رهایی جست.

گروهی بر این باور بودند که می‌بایست با بازگرداندن مردم به دامن اسلام و پیراسته از همه خرافات، بدعت‌ها و توهّمات و نیز با رهایی بخشیدن اسلام از انزوایی که بسیاری از شیوخ الأزهر به آن تحمیل کرده بودند و سرانجام با پیوند دادن این دین به کاروان پرشتاب زندگی نوین و یافتن راه‌هایی برای همزیستی میان آن و تمدن تازه وارد، اوضاع مسلمانان را اصلاح کرد. شیخ محمد عبده و سید جمال الدین اسدآبادی پیشگامان گروه اخیر به شمار می‌رفتند و با جدیت و راستی، پرچم این اصلاح را بر دوش می‌کشیدند.^۲

با توجه به این که می‌بایست حرکت اصلاحی دارای علامتی روشن در میان محافل باشد - که حقیقت و معنای این حرکت را بخوبی بیان کند و بتواند مردم را از این طریق به خود جلب کند - سردمداران این حرکت نشان «سلفیه» را برگزیدند؛ بدان معنا که می‌بایست همه رسوباتی را که اسلام را به تیرگی مبدل ساخته و همه بدعت‌ها و خرافه‌ها و خزین در کنج عزلت و فاصله گرفتن از زندگی را دور کرد، بدان گونه مسلمانان در فهمیدن اسلام به دوران سلف برگردند و از آنان پیروی کنند. در آن دوران شعار و نام «سلفیه» زاده شد و برای نخستین بار سران حرکت اصلاح دین و در رأس آنان محمد عبده، جمال‌الدین اسدآبادی، رشید رضا، عبدالرحمن کواکبی و امثال ایشان از این نام و از این شعار استفاده کردند البته این شعار در آن زمان یک مذهب اسلامی نبود که منادپانش وابسته به آن باشند و پرچم آن را به دوش کشند. بر خلاف آن چه امروز از سوی بسیاری از مردم دیده می‌شود بلکه این شعار تنها عنوان یک «دعوت» و آشنا کننده با یک شیوه و برنامه بود.

در کنار این مسأله باید دانست آن حرکت اصلاحی به رغم این که شعار «سلفیه» یا «سلف» را علامت و عنوان خود قرار داده بود، و در همان زمان که در یک جنبه؛ یعنی در آن چه به بدعت‌ها و خرافات و ... مربوط می‌شود، تلاش کرد تا به گذشتگان نزدیک شود، از سویی دیگر نیز در بسیاری از جنبه‌های دیگر از سلف و از واقعیت موجود نزد آنان روی برگرداند و از آن فاصله گرفت. از آن جمله است فتوای جسورانه‌ای که با اول اسلام و با دلایل آمده در دین - تا چه رسد به سلف - مخالف بود و شیخ محمد عبده در برخی از مقاله‌ها و پاسخ‌ها استفتائات آن‌ها را اعلام کرده بود همانند این فتوای مشهور او که مقدار محدود و اندکی از سود ربوی مباح است. این فتوا که می‌توان از آن چه مسیحیان ذبح می‌کنند - به هر صورت که ذبح کرده باشند - می‌توان خورد ... البته دو دوره جداگانه در زندگی محمد عبده وجود دارد:

دوره نخست که در آن بهترین یاور اسلام بود و دفاع از آن در برابر بدعت‌ها و خرافه‌ها با تندی و صراحت در مقاله‌های وی خودنمایی می‌کرد و دوره دوم که وی در آن تسلیم بیشتر چیزهایی شده بود که تمدن جدید آن‌ها را می‌طلبید.^۳

به هر حال آن چه به نام سلفیه به وجود آمده بود، ربطی به این تحجر پدید آمده (وهابیت) نداشت. انشاء الله در شماره بعدی ادامه پاسخ این سؤال را مطرح خواهیم کرد.

پی نوشت

۱. پژوهشگر.

۲. ر.ک: محمد محمد حسین، الاتجاهات الوطنية في الادب المعاصر، ج ۱، ص ۳۰۰ و پس از آن.

۳. برای تکمیل بحث می‌توانید به کتاب «سلفیه، بدعت یا مذهب» نوشته محمد سعید رمضان البوطی و ترجمه آقای دکتر حسین صابری مراجعه کنید.



www.rose.com

جشن تولد دون صاحب تولد

فاطمه حیدری

وقتی جشن تولدی بر پا می‌شود هر کسی که وارد خانه شود اول سراغ کسی را می‌گیرد که تولد اوست صاحب تولد به همه خوش آمد می‌گوید. راستی ما ۱۱۷۰ سال و اندی چطور عادت کرده‌ایم فقط یک تولد، بدون دیدن صاحب تولد برگزار کنیم و بدون این که بفهمیم دغدغه و رضایت او چیست.

این همه سال نه خواستیم و نه همت کردیم سراغی از صاحب تولد بگیریم شاید برای ما اهمیت نداشت یا شاید نبودنش برای ما عادت شده بوده است راستش خوب که نگاه می‌کنیم گویا اصلاً نیازی در وجودمان به وجود نیامده که پاسخی وجود داشته باشد.

حالا بگو نیازی دیده نازی در گرفته ... نه این خبرها هم نیست نه نیازی است و نه نازی!
اصلاً تا حالا فکر کرده‌ای چرا جمعیت میلیونی روز نیمه شعبان در جمکران جمع می‌شوند و باز هم صاحب تولد حجاب از رخ برنمی‌گیرد ... که مرحوم آغاسی می‌گوید:

شاید این جمعه بیاید شاید
پرده از چهره گشاید شاید

یعنی این جمعه میلیونی تشنه نیستند تا آبی نازل شود...
یا نکند صاحب تولد روز تولدش گوشه‌ای در بیابانی، جنگلی، دریایی یا صحرایی و ... جایی یافته و آرام آرام گریه می‌کند
آخر شمع‌های زیاد کیک تولدش را طوفان هم نمی‌تواند خاموش کند که هر شمع یک داغ است و یک درد
قصه غفلت ما و قهر ما با آقا قصه غصه‌هاست ...
قصه نیمه شعبان‌های مکرر و نبود آقا درد از دردهای عاشقی است این حرف‌ها را تا عاشق نباشی نمی‌فهمی.
عاشق وقتی بی‌تاب معشوق می‌شود وقتی از هر فرصتی برای دیدار استفاده می‌کند وقتی هر بهانه‌ای، هر بویی، هر صدایی، هر نفسی او را به سمت معشوق می‌کشد.

وقتی دنبال یک آشناسنت تا احوال معشوق را از او جويا شود.
خیلی بی‌قرار است.

باید جای یک عاشق باشی تا بفهمی نیمه شعبان بی‌مولا تولد نیست
قصه غربت و غمی است که اشک‌های بی‌پایان آقا را تفسیر می‌کند
گواه غربتی است که نبود امام را فریاد می‌کنند ...

اول و آخر این قصه درد است و غم و تا نیاید این غم عاشقان را می‌سوزاند.
این‌ها را گفتیم که روز نیمه شعبان اگر باز هم جشن میلادی بدون ظهور آقا گرفتی؛ اگر کامت را با شیرینی و شربت شیرین کردی به چشم‌هایت بگویی بر این شیرینی خون ببارند ...
بیایید ما دیگر جشن تولد را برای صاحب تولد غمگین‌تر نکنیم ... کمی به دغدغه‌ها و غصه‌های او فکر کنیم.



علی اکبر الگوی جوانان

در همهٔ انقلاب‌ها و نهضت‌ها جوانان جایگاه ویژه‌ای دارند. بنا به فرمایش رهبر فرزانه: «جوان در هر جامعه و کشوری، محور حرکت است. اگر حرکت انقلابی و قیام سیاسی باشند، جوانان جلوتر از دیگران در صحنه‌اند. اگر حرکت سازندگی یا حرکت فرهنگی باشد، باز جوانان جلوتر از دیگرانند و دست آنها کارآمدتر از دست دیگران است. حتی در حرکت انببای الهی هم، محور حرکت و مرکز تلاش و تحرک، جوانان بودند.»^۴ بی‌شک در انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام هم نقش جوانان بسیار پررنگ است و امام زمان علیه السلام هم جوانانی مانند علی اکبر علیه السلام می‌خواهد که باید خود را در دوران غیبت کبری آماده کنند.

جوانان امروز باید به خصایص بلند و اوصاف شایستهٔ حضرت علی اکبر علیه السلام مثل عفت و پاکدامنی، ایثار، ادب، وقار، سخاوت، شجاعت و اطاعت و تسلیم بودن در برابر فرمان امام خود آراسته شده و حمایت از دین را از آن سرور خوبان یاد گرفته و نسخه عملی زندگی خویش قرار دهند و با پناه آوردن به بارگاه ربانی او، از تمام ناپاکیها دست شسته و از دام رهبران شیطان صفت رهیده، به سوی خداوند عالم رفته و در دامان پروردگار مهرآفرین آرام گیرند. امام حسین علیه السلام فرمود: فانه ممسوس فی الله و مقتول فی سبیل الله...^۵ او (علی اکبر) غرق در [عشق] خداست و کشته راه خدا می‌باشد.

زندگی حضرت علی اکبر علیه السلام

حضرت علی اکبر علیه السلام دوران جوانی و زندگانی کوتاه خود را در متن حوادثی سپری نمود که هر یک از آن حوادث به نوبه خود در تاریخ اسلام، ماندگار شدند. لذا دوران زندگی حضرت علی اکبر علیه السلام را از جنبه حوادث تاریخی می‌توان به سه دوره کلی تقسیم نمود.

دوره اول مصادف با قیام و زندگی جد بزرگوارشان، حضرت علی علیه السلام است که شاهد شهادت جد بزرگوارشان بوده‌اند لذا اسرار ناگفته بسیاری را همراه خود مکتوم و به صورت مخفی نگه داشته است و از همان زمان با فتنه و حیل‌های شوم بنی امیه آشنا بوده و با شعار ضد دینی و ضد توحیدی قوم بنی امیه که از حلقوم شخصی همچون معاویه بلند بود، واقف بودند. چرا که نمی‌توان گفت که ایشان همچون سایر کودکان، فارغ از هرگونه هم و غم بوده و در دنیای کودکانه خویش سیر می‌کرده است. و از طرفی ایشان بنا بر بعضی شواهد تاریخی در نزد جد بزرگوارشان امام علی علیه السلام تعلیم قرآن و حدیث می‌دیده تا به مردم زمان خود منتقل نماید.^۶

دوره دوم مصادف با جریانات سیاسی و حوادثی بود که عموی بزرگوارش امام حسن علیه السلام با آن دست به گریبان بودند. همیاری و همراهی او با عمویش امام مجتبی علیه السلام به حدی بوده که اگر جریانی مشابه قضیه کربلا برای امام حسن علیه السلام رخ می‌داد او همان جانفشانی و ایثاری که در کربلا نشان داد، برای عموی خود انجام می‌داد و خواسته‌های امام زمان خویش را اجابت می‌کرد.

دوره سوم که دوران امامت امام حسین علیه السلام است که وی به عنوان وزیر و بازوی پدر انجام وظیفه می‌نمود تا جایی که برخی گمان می‌نمودند که امام و خلیفه بعد از امام حسین علیه السلام فرزند بزرگتر او یعنی علی اکبر علیه السلام است؛ به طوری که معاویه در بیانی او (علی اکبر علیه السلام) را لایق حکومت و رهبر امت اسلامی می‌پنداشت.^۷

امتیازات حضرت علی اکبر علیه السلام:

۱. شهادت در رکاب امام زمان خود؛ یعنی حضرت سیدالشهداء در کربلا می‌باشد که جدای از امتیاز شهادت حضور در رکاب امام حسین علیه السلام سعادت بی‌سرفعی می‌باشد.

۲. مقام عصمت یا تالی تلو عصمت؛ مقام عصمت از مقامات عالی‌الهی است که هر کس را لیاقت آن نیست. حضرت علی اکبر علیه السلام نیز دارای مقام عصمت بودند. برای تبیین این امتیاز می‌توان اشاره به کلام امام حسین علیه السلام نمود؛ زمانی که حضرت علی اکبر علیه السلام عازم میدان شد. آن بزرگوار در حق او چنین دعا فرمودند: «اللهم اشهد انه برز الیهم غلام اشبه الناس خلقاً و خلقاً و منطقاً برسولک و کنا اذا اشتقنا الی نبیک نظرنا الیه» بار الها گواه باش جوانی که



محمد رضا نصوری^۱

و فداکاریهای آنان است همانطور که لعن و نفرین نیز بر کسانی است که امام حسین علیه السلام و اولاد و اصحاب آن حضرت را که حاضر در کربلا بوده‌اند به شهادت رسانیده‌اند و بنا به قول علامه میرزا ابوالفضل تهرانی؛ مراد از علی بن الحسین علیه السلام در زیارت عاشورا حضرت علی اکبر علیه السلام است چون این زیارت اختصاص به شهادی کربلا دارد و احتمال اینکه مراد امام سجاد علیه السلام باشد بغایت بعید است.^۱

۴. تجلیل حضرت ولی عصر علیه السلام از علی اکبر علیه السلام: امام زمان علیه السلام در زیارت ناحیه مقدسه خطاب به علی اکبر علیه السلام می‌فرماید: «السلام علیک یا اول قتیل من نسل خیر سلیل من سلالة ابراهیم خلیل؛ سلام بر تو ای علی اکبر اول فدایی از بهترین نسل دودمان ابراهیم خلیل».

در ادامه حضرت مهدی علیه السلام می‌فرماید: «اشهد انک اولی بالله و برسوله؛ شهادت می‌دهم که تو از هر کس اولی تر به خدا و رسولش هستی».

حضرت صاحب العصر علیه السلام علی اکبر را در این زیارت‌نامه به امتیازاتی مخصوص از سایر شهادی کربلا جدا نموده است:

(الف) سلام و صلوات بر علی اکبر را بعد از جد مظلوم خود، قرار داده است.

(ب) علی اکبر علیه السلام را از هر کس به خدا و رسولش نزدیک‌تر معرفی نموده است.

(ج) حضرت از خداوند درخواست می‌نماید که همواره توفیق زیارت حضرت علی اکبر علیه السلام را داشته باشد.

(د) حضرت از خداوند مسألت می‌نماید که در روز واپسین همنشین علی اکبر علیه السلام باشد.

(و) شدت لعن و نفرین آن حضرت به قاتلان علی اکبر علیه السلام حاکی از شدت غضب آن حضرت نسبت به جفاپیشگان است.^۱

پس جوانان امروز هم با الگوگیری از علی اکبر علیه السلام و توجه به معنویات و با دوری از گناهان و بدی‌ها می‌توانند امام زمان خود را یاری کرده و برای زمینه‌سازی ظهور حضرت مهدی علیه السلام تلاش مضاعف نمایند تا همانگونه که حضرت علی اکبر علیه السلام مورد رضایت امام زمان خود بود و به او مباحث می‌کرد، طوری عمل نماییم تا حضرت مهدی علیه السلام از اعمال و رفتار ما راضی باشد، و انشاءالله از جمله یاران جوان، کوشا و پویای حضرتش باشیم.

در سیرت و صورت و گفتار؛ شبیه‌ترین فرد به پیغمبرت بود، به جنگ این مردم رفت. ما هر گاه به دیدن پیغمبرت مشتاق می‌شدیم به این جوان نگاه می‌کردیم.^۲

کسی می‌تواند در اخلاق و رفتار مشابه نبی گرامی اسلام صلی الله علیه و آله باشد که خواص باطنی آن حضرت را که منشأ بروز آن اخلاق و رفتار بس عظیم است را نیز داشته باشد. حضرت علی اکبر علیه السلام اگر نگوییم معصوم بوده بلکه تالی تلو و مشابه معصوم حتماً بوده است.

۳. شجاعت و دلیری: در روز عاشورا وقتی که به دشمن حمله‌ور شد؛ سپاهیان دشمن به سویی فرار می‌نمودند به گونه‌ای که تصور می‌کردند حیدر کرار علی بن ابیطالب علیه السلام به جنگ آنان آمده است.^۳

در تاریخ آمده است عمر سعد، شخصی به نام طاروق (که مردی شجاع و دلیر بوده و یارای مقابله با یک لشکر را داشت) را به میدان فرستاد که علی اکبر علیه السلام با رشادت وی را هلاک کرد. بعد عمر سعد دستور حمله از چهار طرف را صادر کرد.^۴ که منجر به شهادت علی اکبر علیه السلام شد.

۴. مقام علی اکبر علیه السلام در زیارت عاشورا: در زیارت عاشورا عرض می‌کنیم: «السلام علی الحسین و علی بن علی بن الحسین و علی اولاد الحسین و علی اصحاب الحسین» سلام دادن به حضرت علی اکبر علیه السلام بعد از سلام دادن بر امام حسین علیه السلام می‌باشد، سایر اولاد و اصحاب بعد از حضرت علی اکبر علیه السلام قرار گرفته‌اند. این خود حاکی از مقام بزرگ آن حضرت است.

ممکن است کسی بگوید مراد از علی بن الحسین علیه السلام امام سجاد علیه السلام است نه علی اکبر علیه السلام. در جواب از این احتمال باید گفت، زبان زیارت، بیان گرامی داشت و تجلیل از شهداء کربلا

پی‌نوشت

۱. استاد و کارشناس مباحث مهدویت.
۲. کودک، نوجوان و جوان از دیدگاه مقام معظم رهبری، ج ۲، ص ۲۳۴.
۳. معالی السبطين، ملامحمد مهدی مازندرانی، ص ۲۵۴، چاپ خطی - افسست تبریز.
۴. حدائق الوردیه، حسام الدین المحلی، طبع قدیم، دمشق عنبر هاتف، ج ۱، ص ۱۱۷.
۵. مقاتل الطالبيين، ابوالفرج اصفهانی، ص ۸۰، مؤسسه اسماعیلیان.
۶. لهوف، سید بن طاووس، ص ۱۱۳، کتابفروشی جهان، ج ۱، ۱۳۶۴ هـ ش.
۷. ثمرات الاعواد، الهاشمی التجفی، مکتبه الحیدریه، ص ۲۳۳، ۱۳۷۸ هـ ش.
۸. منتهی الامال، حاج شیخ عباس قمی، ج ۱، ص ۴۴۳، مطبوعاتی حسینی، ۱۳۷۲ هـ ش.
۹. شفاء الصدور فی زیارة العاشورا، ج ۳، انتشارات سیدالشهدا، ج ۲، ص ۳۴۵.
۱۰. خورشید جوانان، سیدمحمد حسینی، ص ۶۵، ج ۲، انتشارات سما، ۱۳۸۱.





اعمال ماه شعبان

رضا اندی^۱

بخش اول: فضیلت ماه شعبان

ماه شعبان، هشتمین ماه از ماههای قمری است. ماهی بسیار شریف و منسوب به سید انبیاء علیهم السلام است از سفارشات نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله است که می فرمود در این ماه برای جلب محبت پیغمبر خود و برای تقرب به سوی پروردگار خود روزه بدارید که در این صورت کسی که چنین کند خداوند او را دوست می دارد و در روز قیامت کرامت خود را نصیب او می گرداند و بهشت را بر او واجب می کند.^۲

این ماه اعمالی دارد که برای سالک الی الله و آنان که دل در گرو معبود بسته اند بسیار با ارزش است تا در تحت لوای این اعمال به حقیقت عبودیت و بندگی خالق بی همتا که همان هدف و غایت از آفرینش تمامی موجودات است برسند.^۳

یقیناً برای رهیویان کوی وصال، کثرت اعمال سبب نمی‌شود که مایوس از انجام دادن آن گردند و خود را محروم از فیوضات و عطایای واسعه ذات لایزال الهی کنند چرا که بر اساس قاعده «ما لا یدرک کله لا یتراک کله» اگر همه اعمال را نمی‌توانیم به جا آوریم تمامی آن را ترک نکنیم.

بخش دوم: اعمال این ماه

اعمال این ماه دو قسم است. یک قسم مشترک بین همه روزها و شب‌های این ماه شریف است و قسم دوم اختصاص به روزهای معینی از ماه دارد.

اعمال مشترک:

۱. روزه داشتن که در روایات، از روزه این ماه به «کفاره گناهان بزرگ»^۴ تعبیر شده است.
 ۲. استغفار هر روز هفتاد مرتبه «استغفرالله و اسئله التوبه»^۵.
 ۳. صدقه دادن، از امام صادق علیه السلام نقل شده که خداوند صدقه این ماه را پرورش می‌دهد و در روز قیامت، آن صدقه به اندازه کوه احد دیده می‌شود.^۶
 ۴. خواندن مناجات شعبانیه در هر روز.^۷
 ۵. صلوات فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام آن حضرت.
- ...

بخش سوم: اعیاد این ماه

در این ماه وقایع شیرینی برای دوستداران اهل بیت علیهم السلام اتفاق افتاد. سوم این ماه که مصادف با میلاد سید الاتقیاء، سید الشهداء مولانا ابا عبدالله علیه السلام در سال ۴ هـ. ق بوده و در چهارمین روز این ماه و در سال ۲۲ هـ. ق میلاد مسعود حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام و مولود مبارک پنجمین روز این ماه و در سال ۳۸ هـ. ق امام سیدالسادین علیه السلام بوده است. و نور عین اباعبدالله علیه السلام وجود نازنین حضرت علی اکبر علیه السلام در روز یازدهم این ماه به دنیا آمد. مهمترین حادثه در نیمه این ماه شریف، اتفاق افتاد. آنانکه رنج و محنت غروب غمبار غیبت را به تن خریده‌اند، چشم انتظار صبح صادق و عدالتی بودند که خداوند چشم همه آن منتظران صبح وصال را به جمال مهدی فاطمه روشن کرد. چنین شبی زمینیان آسمانی شده، و در پروازی از ملک به ملکوت سیر می‌کنند. شب میلاد نور است. نوری که با وجود خود صفحه هستی و جان را منور می‌کند. پس ای فرشیان! به پا خیزید و قامتی به عرش ببندید. و در شب میلاد «آخرین معصوم الهی» جبین شکر را به آستان حضرت دوست بسائید و صف خود را از سیه‌کاران جدا نمایید. باید در این شب خوشحال بود؛ اما ضمن ابراز این شادی، نباید مرتکب مسائلی شد که امام زمان علیه السلام از آن راضی نیستند بلکه باید به دنبال اعمالی باشیم که رضایت آن بزرگوار را به همراه داشته باشد.

بخش چهارم: فضایل شب نیمه شعبان

جبرئیل امین علیه السلام در معرفی فضیلت شب نیمه شعبان به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض می‌کند: «این شبی است که درهای آسمان و درهای رحمت، خشنودی خدا، آموزش گناهان، فضل و احسان، توبه، نعمت، جود و بخشش باز است و خداوند تبارک و تعالی از بندگان در این شب به عدد موها و کرک‌های چارپایان می‌آمزد - [نشان از بخشیده شدگان]».^۹ افق فضیلت شب نیمه شعبان در تشبیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نمایان شده است. ایشان می‌فرماید: «علی بن ابیطالب علیه السلام فی آل محمد صلی الله علیه و آله کافضل ایام شعبان و لیالیه نصفه و یومه»^{۱۰} «علی بن ابیطالب علیه السلام در میان آل محمد صلی الله علیه و آله مانند برترین روزها و شب‌های ماه شعبان؛ یعنی شب و روز نیمه شعبان است. پس امیرمؤمنان در میان اهل بیت چه فضیلتی دارد؟ همان فضیلت را شب و روز نیمه شعبان نسبت به سایر ایام دارد.

این شب یکی از چهار شبی است که روایات زیادی دربارهٔ احیای آن به عبادت وارد شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید «من احیا لیلۃ العید و لیلۃ النصف من شعبان لم یمت قلبه یوم تموت القلوب»^{۱۱} هر کس این شب و شب عید فطر را زنده نگه دارد، در روزی که قلبها می‌میرد، قلب او زنده است.

بخش پنجم: اعمال مختص شب نیمه شعبان

۱: غسل؛ امام صادق علیه السلام در این خصوص می‌فرماید: «... این غسل باعث تخفیف گناهان و جلب رحمت الهی می‌شود».^{۱۲}

۲: شب زنده داری و احیاء این شب

از آنجا که عظمت این شب، بعد از شب قدر قرار دارد. لذا زنده نگه داشتن این شب و عبادت در آن، از وظایف اصلی منتظرانش می‌باشد. صاحب المراقبات دربارهٔ این شب می‌گوید: از شبهایی است که تاکید بر زنده نگه داشتن آن شده و اعمال و عبادات بسیار ارزشمندی در آن وارد شده که می‌توان گفت، در هیچ شبی اعم از شب قدر یا غیر آن، نیامده است.^{۱۳} این کثرت عبادت و احیای آن شب پرده از راز مهمی بر می‌دارد و آن عظمت شب نیمه شعبان است.

ای دل دو سه شام تا سحرگاه مخسب
هنگام تضرع و نیاز است مخسب
بیداری ما چراغ عالم باشه
یک شب تو چراغ را نگه دار مخسب

۳: قرائت دعای کمیل؛^{۱۴}

۴: نماز؛

از اعمال بسیار سازنده و نافع در این شب، خواندن نمازهای وارده است. مولود این شب، حضرت ولی عصر علیه السلام در مورد نماز می‌فرماید: «فما أرغم أنف الشيطان شیء افضل من الصلاة»^{۱۵}؛ «چه کرداری بهتر از نماز، بینی شیطان را به خاک می‌مالد؟» از نمازهای با فضیلت این شب مبارک عبارت است از:

چهار رکعت بین مغرب و عشاء؛

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «کسی که در شب پانزدهم شعبان میان مغرب و عشاء چهار رکعت نماز بخواند - که در هر رکعت سوره حمد را یک مرتبه و سوره توحید را ده بار بخواند و پس از تمام شدن نماز ده بار بگوید «یا رب اغفر لنا» و ده بار بگوید «یا رب ارحمنا» و ده بار بگوید «یا رب تب علینا» و ۲۱ بار سورهٔ توحید را بخواند و سپس ده بار بگوید «سبحان الذی یحیی الموتی و یمیت الاحیاء و هو علی کل شیء قدير- خداوند متعال دعایش را مستجاب و حاجاتش را در دنیا و آخرت برآورده و نامهٔ عملش را در قیامت به دست راستش و تا سال آینده در پناه و حفظ و نگهبانی خداوند متعال است».^{۱۶}

۵: تلاوت قرآن؛

ماه مبارک رمضان، ظرف نزول قرآن کریم است و شب نیمه شعبان ظرف تجلی قرآن ناطق از ماورای طبیعت به جهان طبیعی است.

جبرائیل امین علیه السلام به حضرت رسول صلی الله علیه و آله عرض کرد: «یا محمدا! هر که را امشب به... نماز خواندن و قرائت قرآن احیاء کند، در آخرت جایگاهش بهشت است...».^{۱۷}

۶: سجده؛

این عمل همچنانکه در سیره بزرگان دین الهی همچون رسول الله صلی الله علیه و آله بوده است^{۱۸} نشان دهنده آن است که انسان به هر نحو می‌تواند باید خود را از ذاکران و احیاکنندگان این شب نورانی قرار دهد و چنانچه قادر به قیام نیست، جبین خود را به درگاه الهی گذاشته و با او راز و نیاز کند.

۷: دعا^{۱۹} و ذکر و ثناء و استغفار؛

سزاوار است که در این شب عزیز از خواب غفلت برخاسته از لحظه لحظه آن کمال استفاده را ببریم و دل را به ذکر و یاد الهی منور کنیم. به فرمودهٔ امام باقر علیه السلام یکی از اذکاری که در این شب فضیلت فراوان دارد تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام می‌باشد.

۸: زیارت امام حسین علیه السلام؛

از اعمال بسیار عظیم و مبارک در تمام طول سال زیارت امام حسین علیه السلام است؛ اما از آن رهگذر که بین «عاشورا و انتظار» رابطه‌ی دقیق و محکمی استوار است.^{۲۰}

لذا شب میلاد امام زمان علیه السلام یکی از شبهای زیارتی مخصوص سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام است در عظمت فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام همین بس که امام سجاد علیه السلام فرمود «من أحبّ ان یصافحه مائة الف و عشرون الف نبی فلیزر الحسین علیه السلام لیلۃ النصف من شعبان، فان ارواح النبیین تستأذن الله فی زیارته فیؤذن لهم، منهم خمسة اولوالعزم من



الرسول...؛ هر کس دوست دارد ۱۲۴ هزار پیامبر با او مصافحه کند، امام حسین را در شب نیمه شعبان زیارت کند که فرشتگان و ارواح پیامبران، برای زیارت آن حضرت، از خداوند کسب اجازه می‌کند و به ایشان اجازه داده می‌شود...»^{۲۲}.
این زیارت به نقل‌های متفاوتی آمده که اقل آن این است که بر بلندی و بامی قرار گیرد و به سمت راست و چپ خود نگاه کند و سپس سر به آسمان بلند نماید و با این جملات حضرت را زیارت کند «السلام علیک یا ابا عبدالله، السلام علیک و رحمة الله و بركاته».

و هر کس در هر کجا و هر وقت آن حضرت را به این کیفیت زیارت نماید امید است که ثواب حج عمره برای او نوشته شود.^{۲۳}

بخش ششم: اعمال روز نیمه شعبان:

در اخبار وارد شده که شرافت روز و شب ملازم یکدیگر است یعنی شرافت شب به روز تسری می‌یابد در این روز علاوه بر زیارت نمودن و دعا برای تعجیل فرج، اعمال دیگری هم در روایات وارد شده است.

۱. روزه؛ امیرمؤمنان به نقل از پیامبر ﷺ می‌فرماید: «اذا كان ليلة النصف من شعبان قوموا ليلها و صوموا نهارها؛ زمانی که نیمه شعبان فرا رسید، قیام به عبادات نمایید و روزه را روزه بگیرید...»^{۲۴}.
۲. زیارت امام حسین عليه السلام؛

از روایات چنین استفاده می‌شود که زیارت امام حسین عليه السلام در روز نیمه شعبان نیز مستحب مؤکد است همچنانکه امام باقر عليه السلام می‌فرماید: «زائر الحسين عليه السلام في النصف من شعبان يُغفر له ذنوبه...»^{۲۵} زیارت کنندگان امام حسین عليه السلام در نیمه شعبان گناهانشان بخشوده می‌شود ...

خلاصه آنکه «آنچه در مورد شب نیمه شعبان گفته شد در روز نیمه شعبان نیز صادق است»^{۲۶}.
امیدواریم، خداوند، دعا‌های امام زمان عليه السلام را در این شب و روز مقدس شامل حال همه ما بفرماید و تنها خواسته و آرزوی ما که ظهور حضرتش است را برآورده بفرماید.

پی‌نوشت

۱. پژوهشگر و دانش‌آموخته مرکز تخصصی مهدویت.
۲. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۵۴، ص ۵۹؛ امالی، صدوق، ص ۱۶، ۱۷.
۳. ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون. آیه ۵۶ سوره ذاریات.
۴. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۶۰ و ۶۲.
۵. امالی، صدوق، ص ۱۷.
۶. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، ص ۹۱.
۷. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، ص ۱۵۶.
۸. امام رضا عليه السلام: «ان سرک ان تكون معنا في الدرجات العلی من الجنان فافرح لفرحنا و احزن لحزننا»، اگر دوست داری که با ما در درجات عالی بهشتی باشی، در خوشحالی ما خوشحال و در حزن ما محزون باش، بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۱۰۳؛ ج ۴۴، ص ۲۸۶.
۹. اقبال الاعمال، ج ۳، ص ۳۲؛ بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۴۱۳.
۱۰. بحارالانوار، ج ۳۷، ص ۵۲.
۱۱. اقبال الاعمال، ج ۳، ص ۳۵۴؛ ثواب الاعمال، ص ۷۰.
۱۲. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۳۷، باب ۲۲.
۱۳. المراقبات، آیت الله ملکی تبریزی، ص ۱۷۳.
۱۴. اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۳۳۱؛ صحیفه مهدیه، ص ۲۵۸.
۱۵. کمال الدین، ج ۲، ص ۵۲۰؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۲.
۱۶. اقبال الاعمال، ج ۳، ص ۳۱۳؛ وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۰۲.
۱۷. بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۴۱۳؛ اقبال الاعمال، ج ۳، ص ۳۲۰.
۱۸. بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۸۸؛ مصباح المتعجد، ص ۸۴۱.
۱۹. دعای سحر، دعای نبوی، دعای زیارتی، مفاتیح الجنان، اعمال شب نیمه شعبان.
۲۰. مصباح المتعجد، ص ۸۳۱؛ وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۰۶، ج ۳.
۲۱. رک: فصلنامه انتظار، ج ۲، ص ۴۲.
۲۲. کامل الزیارات، ص ۸۹۷؛ مصباح المتعجد، ص ۸۳۰.
۲۳. مفاتیح الجنان، اعمال شب نیمه شعبان، ص ۲۷۳.
۲۴. بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۴۱۵؛ وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۰۵.
۲۵. کامل الزیارات، ص ۱۹۸، ج ۱، ص ۵؛ بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۹۴.
۲۶. مکالمات، مترجم، ج ۲، ص ۷۷.



اما نکته دقیق و لطیف در فرمایش صادق آل محمد علیه السلام درباره بصیرت قمر بنی هاشم علیه السلام، عنصر «نفوذ» است. حضرت عباس علیه السلام «نافذ البصیره» بود. لذا لازم است مفهوم نافذ البصیره بودن را در لغت بیابیم. محقق توانا آقای مصطفوی درباره «بصیر» می‌نویسد: «البصیر من له البصارة ای النظر و العلم؛ بصیر به کسی می‌گویند که دارای فکر و علم باشد».

و درباره «نفوذ» می‌نویسد: «ان الاصل الواحد فی الماده هو: الورد الدقیق علی شیء فی مادی او معقول؛ نفوذ، یک ریشه اصل دارد و معنایش وارد شدن دقیق در امور مادی یا معنوی را می‌گویند».

بنابراین بصیرت حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام در همه امور دقیق و نافذ بود. او ملکوت همه عالم را مشاهده می‌کرد. سید عبد الرزاق موسوی مقرر در این خصوص می‌نویسد: «قمر منیر بنی هاشم علیه السلام با قابلیت ذاتی و کسبی خود به عالی‌ترین مقام بصیرت در دین و یقین در شناخت راه یافت و همه معارف عالیه دینی و اخلاقی را با تیز بینی و ژرف نگری خاصی بیاموخت. او مسائل را از پشت پرده تماشا نمی‌کرد، بلکه دیدگان نافذ او پرده‌ها را می‌شکافت و به اعماق حقایق راه

نور القلب؛^۴ بصر روشنایی چشم را می‌گویند یعنی آن نوری که به وسیله آن بیننده دیدنی‌ها را می‌بیند؛ همان طوری که بصیرت، نور قلب را می‌گویند».

آن‌چه بسیار مهم است، بصیرت است زیرا کسی که چشم سر ندارد ولی چشم دلش بینا است، در این زمان بسیار واضح حضور امام زمان علیه السلام را حس می‌کند.

ابو بصیر می‌گوید: با امام محمد باقر علیه السلام به مسجد مدینه وارد شدیم مردم در رفت و آمد بودند. امام علیه السلام به من فرمود: «از مردم بپرس آیا مرا می‌بینید؟»

از هر کس پرسیدم، آیا ابوجعفر علیه السلام را دیده‌ای؟ می‌گفت: نه، در حالیکه امام علیه السلام در کنار من ایستاده بود. در همین هنگام یکی از دوستان حقیقی آن حضرت، ابوهارون که نابینا بود، به مسجد آمد. امام فرمود: «از او بپرس». از ابوهارون پرسیدم: «آیا ابوجعفر را دیده‌ای؟» فوراً پاسخ داد «مگر کنار تو نیستاده است؟!»

گفتم: «از کجا و چگونه متوجه شدی؟» گفت: «چگونه ندانم، در حالی که او نور درخشنده‌ای است.»^۵

بصیرت

یکی از مقام‌های شامخ و بی‌بدیل علمدار دشت کربلا، روشن بینی اوست، که امام جعفر صادق علیه السلام در این خصوص می‌فرماید: «کان عمنا العباس نافذ البصیره، صلب الایمان؛^۲ عموی ما عباس بصیرتی نافذ و ایمانی شدید داشت».

کسی که با چشم سر می‌بیند. به او «بصیر» می‌گویند و کسی که با چشم دل، حقایق امور را مشاهده می‌کند «بصیرت» دارد. بصیرت به نور دل و فهم قلبی گفته می‌شود و صاحب بصیرت، با پشتوانه ایمان، هیچگاه مسیر حق را گم نمی‌کند و کوران حوادث هیچ خللی در اراده و تصمیمش وارد نمی‌سازد و در میدان نبرد و رزم، با بستن حمایل عارفانه، حمایت از امام زمانش می‌نماید؛ همان طوری که امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام فرمود: «حملوا بصائرهم علی آسیافهم؛^۳ آگاهی و بینایی خویش را بر شمشیرهای خود حمل کردند».

مرحوم طبرسی در این‌باره می‌نویسد: «البصر: نور العین و هو ما یبصر به الرائی کما ان البصیره به الرائی کما ان البصیره»

محمد رضا فوادیان

کانه کاهنت

می‌یافت و واقع را آن‌چنان که هست می‌دید، از این رو در راه هیچ چیزی فدکاری نمی‌کرد جز با علم ثابت و یقین استوار و ایمان که هیچ شکی با آن نیامیخته بود.^۷

و در زیارت ایشان عرضه می‌داریم: «و انک مضیت علی بصیره من امرک مقتدیا بالصالحین»^۸ به درستی که تو ای ابوالفضل عمرت را سپری کردی در حالی که دارای مقام بصیرت بودی و اقتدا به صالحین نمودی.»

بصیرت داشتن مأموم امری ضروری و مهم است اگر شخصی بصیرت نداشته باشد، از امام زمانش به فاصله مشرق تا مغرب دور می‌شود. امام جعفر صادق می‌فرماید: «العامل علی غیر بصیره کالسائر علی غیر طریق الا بعداً»^۹ عامل بصیرت مانند رونده‌ای است که در مسیر گام برمی‌دارد مگر آن که هر چه بیشتر راه رود سریع‌تر از مسیر حق دور می‌شود.

بنابراین عاشقان اهل بیت علیهم‌السلام همواره باید زمزمه نمایند که: «استلک ان تجعل نوراً فی بصری و البصیره فی دینی»^{۱۰} خدایا! از تو می‌خواهم نور در دیدگانم و بصیرت در دینم ارزانیم فرمایی.»

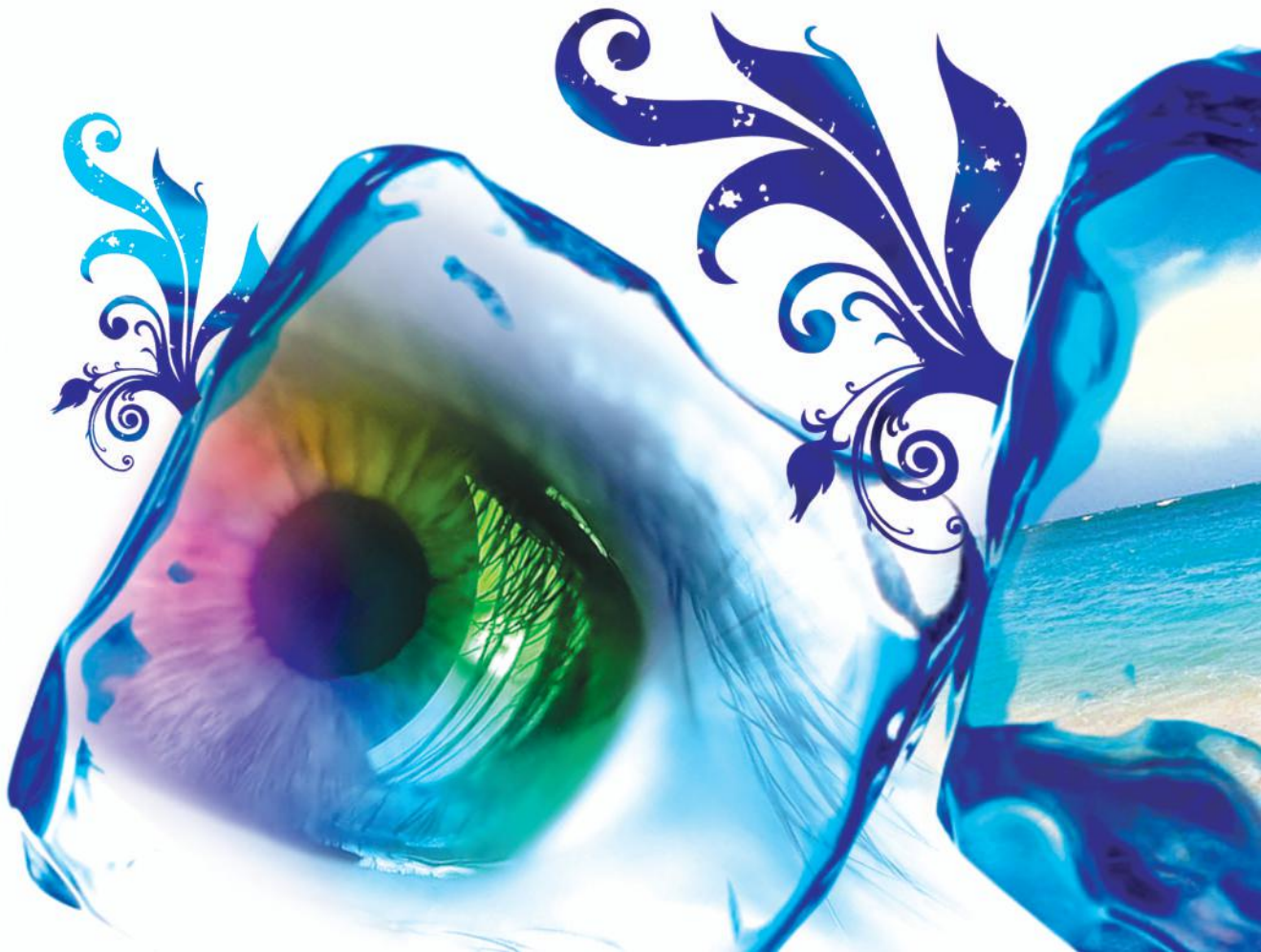
هر کس صاحب بصیرت باشد، دنیا را زودگذر و شهوات و شبهات دنیای فانی، او را به ورطه سقوط نمی‌کشاند. امیر مؤمنان حضرت علی علیه‌السلام درباره آثار بصیرت می‌فرماید: «انما الدنيا منتهی بصر الاعمی، لا یبصر مما ورائها شیئا و البصیر ینفذها بصره و یعلم ان الدار ورائها، فالبصیر منها شاخص و الاعمی الیها شاخص والبصیر منها متزود و الاعمی لها متزود»^{۱۱} همانا زندگی دنیا منتهای کوردلان است که غیر از آن، چیزی را نمی‌بیند و انسان بینا دل دید او از دنیا فراتر می‌رود و می‌داند که سرای جاوید در ورای این دنیا است، بنابراین انسان - که عقل و قلبش نورانی شده و به مقام بصیرت رسیده - از دنیا می‌گذرد انسان کوردل به سوی دنیا روی می‌آورد، شخص بصیر از دنیا توشه برای آخرت برمی‌دارد و انسان کوردل توشه برای دنیا جمع می‌کند.»

یکی از راه‌های به دست آوردن بصیرت پیوند با امام عصر علیه‌السلام است، هر کس می‌تواند در پرتو امام علیه‌السلام به مقام «نافذ البصیره» دست یابد؛ زیرا ائمه معصومین علیهم‌السلام به هر کس که لیاقت داشته باشد، بصیرت عطا می‌کند. نمونه زیر گویای این حقیقت است:

امام حسن عسکری علیه‌السلام را نزد علی بن نرماش - که دشمن‌ترین مردم به او بود - زبانی کردند و به او گفتند: «بر او هر چه می‌خواهی سخت بگیر». حضرت علیه‌السلام بیش از یک روز، نزد او نبود، که احترام و بزرگداشت آن حضرت در نظر او به جایی رسید که در برابر او چهره بر خاک می‌گذاشت و دیده از زمین بر نمی‌داشت، حضرت علیه‌السلام از نزد او خارج شد، در حالی که بصیرت او به آن حضرت از همه بیشتر و ستایش‌اش از همه نیکوتر بود.^{۱۲}

پی‌نوشت

۱. نویسنده و کارشناس مباحث مهدویت.
۲. سرسلسله العلویه، ص ۸۹، شرح الاخبار، ج ۳، ص ۱۸۹؛ سقای معرفت، ص ۵۹.
۳. نهج البلاغه، خ ۱۵۰، فرهنگ عاشورا، ص ۷۳.
۴. جوامع الجامع، ج ۱، ص ۷۰ و ۶۰۳ در این باره آقای باقر فخار در کتاب سقای معرفت، ص ۵۹ - ۱۱۷ بحث بسیار زیبایی را آورده است.
۵. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۴۳.
۶. همان، ج ۱۲، ص ۱۹۲.
۷. سردار کربلا، ص ۱۷۳.
۸. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت عباس علیه‌السلام.
۹. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۰۱، ح ۵۸۶۴.
۱۰. مصباح المتجهد، ص ۱۰۵.
۱۱. نهج البلاغه، خ ۱۳۳.
۱۲. کافی، ج ۱، ص ۵۰۸، زندگی امام یازدهم علیه‌السلام، ح ۸.





قسمت دوم و پیاپی

مصاحبه با جمال شورجه

(کارگردان سینما)



مقدمه:

در قسمت قبل آقای جمال شورجه پس از بیان زندگی نامه خود در مورد سینمای دینی و راه‌های بهره‌گیری درست از مفاهیم قرآنی در آثار سینمایی و تلویزیونی و سینمای مهدوی مطالبی بیان کردند. اینک ادامه گفتگو: در گفتگو با جمال شورجه، کارگردان سینما مطرح شد: افق سینمای ما باید رسیدن به جامعه ولایت پذیر مهدوی باشد در سینمای مهدوی دچار فقر محتوایی هستیم!

- آقای شورجه گویا شما قصد ساخت سریالی در خصوص حضرت نرجس خاتون(س) را دارید؟

- بله! احتمال دارد خودم این سریال را بسازم البته با همکاری آقای سلحشور که در این خصوص هم یک قراردادی هم برای ساخت با شبکه دوم سینما منعقد شده و کار فعلا در مرحله نگارش است. یک مشکلی که در این خصوص است، هزینه بالای ساخت آثار دینی و تاریخی است. دیگر با ۱۰۰ میلیون و ۲۰۰ میلیون تومان نمی‌شود این سریال‌ها را ساخت. الان ملک سلیمان، حدود ۵ میلیارد تومان هزینه برداشته یا مختارنامه چیزی در حدود ۲۰ میلیارد تومان هزینه در بردارد حتی شنیدم آقای درویش برای ساخت فیلمی درباره حضرت ابوالفضل(ع) چیزی در حدود ۳۰ میلیارد تومان هزینه برآورد کرده است.

پس می‌بینید این‌ها همه‌اش هزینه بر است و چون صدا و سینما نباید فکر انتفاعی داشته باشد و دغدغه محتوا داشته باشد باید از این کارها حمایت کند. شاید برایتان جالب باشد که بدانید فیلم یوسف(ع) - به عنوان یک فیلم دینی مورد توجه همه ادیان است - در زمان پخش چیزی حدود ۳ میلیارد نفر در دنیا مخاطب داشته است.

جدای از بحث مالی و پشتیبانی نکته مهمی که وجود دارد این است که در انتخاب مضامین و موضوعات دینی باید دقت کافی شود و حتی المقدور سعی شود آثار به صورت بین‌المللی و بدور از نگاه قشری ساخته شود.

- در خصوص سریال یوسف، به نظر می‌رسد شما و آقای سلحشور تعمدا داشته‌اید که فیلم دارای پیام‌هایی راجع به انتظار مهدوی باشد آیا همین طور است؟!

- بله. ما به عمد می‌خواستیم همین را نشان دهیم به این معنی که در سریال بنا بر روایات و متون دینی تلاش کردیم به شباهت‌هایی میان یوسف پیامبر و یوسف زهرا و این‌که ما هم در انتظار آن یوسف گم گشته هستیم را به مخاطب نشان دهیم و به طور غیر مستقیم انتظار یعقوب و زلیخا را به انتظار ما منتظران نسبت به حضرت ولی عصر(ع) تشبیه کنیم و فکر می‌کنیم که باز خورد آن در بین مردم مشهود بوده، ضمن آن که یکی از نشانه‌ها همان نشان موعودی است که به همراه یوسف است.

- حضرت تعالی اعتقادی به وجود سینمای معناگرا دارید یا خیر؟ و مؤلفه‌های آن را چه می‌دانید؟

- به اعتقاد من تمام سینمای ما باید معناگرا باشد از جنس اسلام ناب چرا که هنر بدون معنا و پیام و اندیشه ناب الهی معنایی ندارد به این سینمای بی هویت یا التقاطی تحت عنوان معناگرا اعتقادی ندارم!





که می‌بایست تمام صحنه‌ها و فضاها - لباس‌ها - وسایل آن دوران و معماری و دکور و ... ساخته شود. بعد از انقلاب با درایت مدیران سینما این شاخه از سریال‌سازی‌ها راه افتاده تا هم اکنون هم ادامه دارد و این از برنامه‌ها و سیاست‌های مدیران سینما است. یکی از آفات این‌گونه آثار و یا بهتر بگوییم خطرات آن این است که نویسنده و کارگردان در تاریخ دست ببرد و دخل و تصرف در آن‌ها صورت بدهد و بنا به سلیقه و دیدگاه خود از تاریخ استنباط بکند که نمونه‌هایی از این دست در آثار تولیدی داشته‌ایم به قول یکی از کارگردان‌های همین آثار تاریخی می‌گفت این روایت من از تاریخ است نه روایت تاریخ. خوب این‌ها مقداری تاریخ را تحریف می‌کنند و روایت‌های ناقصی از آن را عرضه می‌کنند. بنابراین تحقیق و پژوهش در آثار تاریخی یکی از ملزومات این‌گونه آثار است و وفادار بودن به تاریخ و معتقد بودن به آن از شروط مهم سازندگان این‌گونه آثار است. یک وقت است که ما تاریخ معاصر کار می‌کنیم خوب نویسنده و کارگردان شاید بنا به گزارش خاص سیاسی و سلیقه‌ای خود بخواهد عمل بکند که البته این‌جا هم باید به واقعیات وفادار باشد نه از این طرف پشت بام بیفتد نه از آن طرف. ولی وقتی ما در خصوص پیامبران و معصومین می‌خواهیم کار کنیم این‌جا دیگر اعتقادات شخصی هم به این بزرگواران باید باشد که عشق و علاقه و وفاداری انگیزه را بالا می‌برد و در نهایت باعث بهتر شدن کیفیت اثر تولیدی خواهد شد. از نقاط قوت این‌گونه آثار هم این است که توانمندی‌های نظام در حوزه سینما و تلویزیون و ساخت آثار بزرگ همچون سایر پیشرفت‌های علمی و فنی و پزشکی بالا می‌رود و نیز به دلیل صنعتی بودن این حرفه یعنی نیمه هنری و نیمه صنعتی، سایر صنایع و فنون وابسته هم ترقی می‌کنند. مثلاً تا چند سال قبل سینما و تلویزیون ما در حوزه جلوه‌های ویژه بصری رایانه‌ای توانایی چندانی نداشت در حالی‌که در حال حاضر مسئولان به علت نداشتن و کم توجه بودن به این دغدغه‌ها باید پاسخ‌گو باشند. در محضر شهدا و امام راحل مطمئناً شرمند خواهند شد در محضر ائمه معصومین و حضرت بقیه‌ا... باید سخنگو باشند که چرا در جهت رسیدن به سینمای مطلوب معصومین و سینمایی که مرضی رضای خداوند باشد تلاش نکردند و یا تسامح به خرج دادند همه ما مسؤولیم ولی مسؤولین بیشتر.

- جناب آقای شورجه! به عنوان آخرین سؤال بفرمایید که در حال حاضر در عرصه فیلم‌سازی به چه کاری مشغول هستید و برای آینده چه برنامه‌هایی دارید؟

- در حال حاضر یک فیلم سینمایی دفاع مقدس مربوط به آزاده‌های دلاور را تهیه‌کنندگی کردم و کارگردانی آن را به دو نفر جوان با انگیزه و خوش ذوق و مستعد دادم و با آن‌ها مشارکت کردم. انشاء... ثمره این تلاش را سال آینده می‌توان دید. همچنین به امید خدا در تدارک سریالی از زندگی سردار شهید اسلام شهید محمد بروجردی هستیم برای سال آینده.

- به نظر شما چرا عمده فیلمسازان تلویزیونی و سینمایی ما کمتر به سراغ ساخت آثاری با موضوعاتی چون غدیر، عاشورا مهدویت، امامت و... می‌روند؟!

- این‌گونه آثار باید از طرف نهادهای فرهنگی که بودجه فرهنگی در نشر اعتقادات دینی و ارزشی دارند سرمایه‌گذاری و سفارش داده شود. من فیلم‌ساز چرا علاقه نداشته باشم برای امام و عاشورا و ولایت فیلم بسازم و تبلیغ کنم اساساً امثال من برای همین امر سینما آمده‌ایم وگرنه عطای سینما را به لقایش باید بخشید. این‌گونه آثار فاخر باید زیر چتر حمایتی ویژه و خاص قرار بگیرد و هزینه‌هایش تأمین شود وگرنه من نوعی باید مدت‌ها و سال‌ها وقتم را بگذرانم بنویسم و برای ساخت چنین پروژه و فیلمی حال باید بروم بیفتم به خواهش و تمنای فلان مدیر که او اساساً باید دغدغه‌اش این موضوعات و مضامین باشد.

- به نظر شما مسئولان سینمایی و تلویزیونی کشور در جهت دادن به ساخت آثار سینمایی پر محتوا با رویکرد انقلابی و اسلامی چه وظیفه‌ای بر عهده دارند؟!

- اولین وظیفه و دغدغه یک مدیر فرهنگی نظام جمهوری اسلامی باید تولید آثاری انقلابی و اسلامی باشد؛ در غیر این صورت باید سمت و مقام خود را بگذارند و بروند. اساساً زبان سینما و سیما شیواترین و کامل‌ترین و تأثیرگذارترین هنر است که می‌تواند در خدمت معارف دین قرار بگیرد و خوب همین هم شد، یعنی از همان ابتدای انقلاب مدیران سینما در این فکر بودند و از تأثیرات آن غافل نبودند منتهی ساخت این‌گونه سریال‌ها علاوه بر دانش و علم لازم در امر داستان‌پردازی و فیلمنامه‌نویسی نیاز به شناخت بصری و تصویرسازی و کارگردانی خوبی دارد و مضاف بر این‌گونه سریال‌سازی نیاز به بودجه‌های هنگفت و ویژه‌ای دارد چرا





باخادماک

شهادت دوم
شهید نیمه شعبان

در شماره گذشته به بخشی از زندگی دلپاخته صاحب الزمان عجل الله فرجه مرحوم کافی و حمایت ایشان از انقلاب اسلامی و ضدیت با رژیم طاغوت پرداختیم و اینک به گوشه های دیگری از زندگی با برکت این عزیز می پردازیم.

حساسیت به مسائل سیاسی جهان اسلام

با حساس شدن ماجرای صهیونیست‌ها، فلسطین و مسجد الاقصی موضوع تازه ای در سخنرانی های مرحوم کافی مطرح شد «در این جهاد با برادران اعراب هم آهنگ و هم صدا باشید»^۲ (ص ۸۷) و در جای دیگر گفت: به برادران مسلمان اردنی دعا بکنید که یهودیها ریخته اند هفت مسجد آنها را خراب کرده و چند نفر از زن و بچه هایشان را کشته اند (ص ۱۴۲). این قبیل جملات در سخنرانی های کافی در نیمه دوم سال ۱۳۴۸ نیز آمده و دلیلش هم بالا گرفتن قضایای مربوط به فلسطین در ایران بوده است (ص ۲۲۲).

وی در ۲۱ خرداد ۴۶ در قم در منزل امام که این زمان برادر ایشان آیت الله پسندیده بود منبر رفت و از کسانی سخن گفت که در راه خدا شکنجه شده، به زندان می روند و وقتی آزاد شدند سرفرازند (ص ۸۹). در مواردی وی همچنان در پایان منبر بر دولت یهود نفرین کرده از خداوند می خواست تا آن را سرنگون کند (ص ۱۸۵، ۱۸۸). یکبار هم بعدها در سال ۵۱ در پایان سخنرانی خود گفته بود: خدایا به حق امام زمان ترا قسمت می دهیم که هر کس از یهودیان علنی و یا خفا حمایت می کند دلیل گردان (ص ۳۴۲). و در منبر دیگر: پروردگارا! آن کس را که به وسیله پول، سرباز، اسلحه و... به یهودیان اسرائیل کمک می کند دودمانش را ریشه کن (ص ۳۴۷). یکبار هم یکی از سران رژیم نواری از مرحوم کافی را که شدیداً ضد یهودی بود از یک دوره گرد خریدار بود برای مقامات مسؤول برده و اعتراض کرده است که چرا یک روزه خوان بایست اینچنین بر ضد یهود سخن بگوید (ص ۳۹۵ - ۳۹۴، ۴۰۰).

دستگیری ها و بازداشت ها

رژیم شاه همیشه از مردان شجاع و دیندار و کفرستیزی، که متعهد، درد آشنا و مسئولیت پذیر بودند و در راه روشنگری و رهایی مردم از سلطه بیدادگران زمان، از نیروی ایمان و حره بیان و معجزه قلم و نفوذ کلام و محبوبیت مردمی خویش بهره می جستند، و رادمردان دلیری که در جامعه اثرگذار بودند، ترس و هراسی عجیب در دل داشت و علیه اینان، که توان و قدرت ایجاد تغییر و تحول و دگرگونی را در مردم و جامعه داشتند، به شدت به مقابله برمی خاست و از طرق مختلف، در براندازی و ترور شخصیت آنان می کوشید.

کافی نیز از آن جمله رادمردانی بود که با نیروی ایمان و اخلاص و عزم و اراده، به انجام تکالیف دینی و وظایف شرعی و ارشاد و راهنمایی مردم می پرداخت و آنان را با چهره های تابناک و ملکوتی سلاله های بنت نبی و اختران فروزان خاندان نبوی و ستارگان درخشان اهل بیت عصمت و طهارت آشنا می کرد.

کافی، با آن فرهنگ و تربیت روحانی و با آن مسئولیت دینی و تعهد اجتماعی که بر دوش خود احساس می کرد، چگونه می توانست آرام و از کنار این مسائل بی تفاوت گذر کند و آن حاکمان فاسد و آن اجتماع ویران شده را تحمل نماید و شاهد انحراف جوانان باشد و تباهی جامعه اسلامی خود را بنگرد و نظاره گر باشد. او آنچه از امکانات و توانمندی ها و توانایی ها و ذخایر

و منابع مادی و معنوی در اختیار داشت، همه را به استخدام گرفته، در راه اصلاح جامعه و نجات این مردم مسلمان و رهایی آنان از ظلم و ستم ستمگران و استبداد بیدادگران در راه کسب آزادی، عزت و سرافرازی این امت مؤمن و متدین، به کار گرفت.

کافی با اندیشه صحیح و تفکر پویای اسلامی که داشت و با آن تیزهوشی و دوراندیشی و تدبیر و مدیریت، مردمداری، استعداد خدادادی و هنر سخنوری و بیان شیرین، سخن نافذ و دلپذیر، محبوبیت عامه و خدمات بی‌شائبه و فعالیت‌های مؤثر و اقدامات مردمی در مهدیه، همیشه مانند دیگر بزرگان و خدمت‌گزاران با اخلاص، مورد تهاجم بی‌رحمانه بد اندیشان و خشم و غضب نابکاران خیانت‌کار و اذیت و آزار کوردلان بی‌وجدان و عمال و مزدوران بی‌دین و خود فروختگان فاقد عزت و شرف رژیم قرار می‌گرفت و از سوی آنان، با مشکلات عدیده و رنج فراوان مواجه بود.

او علی‌رغم کشمکش‌های روح‌فرسا و احضارهای مکرر جانکاه از جانب مقامات پلیس و نیروهای امنیتی رژیم و ایجاد مزاحمت و اذیت و آزار و درگیری با مأموران کلانتری‌ها و ساواک‌خانه‌ها و بی‌احترامی‌ها و فحاشی‌ها و هتاک‌ها و ناسزاگویی‌های آنان، با حضور فعال خود، به ارایه خدمات دینی و ارشادی و تبلیغی و حمایت گروه‌های مبارز و پرورش نیروهای پر استعداد مذهبی و زدودن هرگونه مظاهر و اشکال مختلف ظلم و بیدادگری و بی‌دینی و خودکامگی ادامه می‌داد.

او به کرات، گرفتار همه نوع تهدید و بازداشت، از چند روز تا چند هفته و نیز به دفعات به زندان محکوم شده بود، در یکی از این زندان‌ها بود که مأموران به شدت وی را به سوی دیواری پرتاب نموده بودند که بر اثر این حادثه، قفسه سینه او شکسته و آسیب سخت دیده بود او مدت‌ها از این درد قفسه سینه و کسالت رنج می‌برد.

ایشان در چهارم اسفند ۴۳، بار دیگر دستگیر شد. تا این زمان وی جمعا دو بار دستگیر شده و بار دوم به چند ماه حبس تأدیبی محکوم گردید (ص ۵۵). از نمناکی آنجا سخن به میان آورد و گفت که شش ماه در زندان بوده است (ص ۱۹).

جمع بندی ساواک تا این زمان (۴۶/۳/۱۴) از مرحوم کافی این بود: شیخ احمد کافی از وعاظ ناراحت و ماجراجوست که سعی دارد همیشه از نیروی جوانان کم سن و سال و بی تجربه متعصب مذهبی به نفع روحانیون مخالف استفاده کند و آنها را برای مخالفت با دولت آماده سازد و اکثرا در منابع خود به طور مستقیم و غیر مستقیم ضمن تجلیل از روحانیون افراطی از اعمال دولت بدگویی می‌کند (ص ۸۳). با ادامه سخنرانی‌های وی، ساواک دوبار توصیه کرد که به وی تذکر جدی داده شود. (ص ۸۴).

مرحوم کافی در تیرماه سال ۴۹ احضار و مورد بازجویی قرار گرفت. این بازجویی درباره مسائل بود که پس از شهادت آیت‌الله سید محمد رضا سعیدی در مشهد بود (ص ۲۵۶ - ۲۵۷). از نظر ساواک چهار نفر عامل سروصدا در مشهد پس از شهادت سعیدی بودند: شیخ عباس طبسی، سید علی خامنه‌ای، شیخ محمد رضا محامی، و شیخ احمد کافی واعظ (ص ۲۵۸). کسی هم برای ساواک گفته بود: کافی در مدت اقامت خود در مشهد با حرارت شدید خبر فوت سعیدی را در بین مردم انتشار داد و به هر کس می‌رسید می‌گفت سازمان امنیت نسبت به مدرسین قم و تهران چه بدی‌ها کرده است. سعیدی را به قدری شکنجه داده که شهید شده. این مطالب را چنان با آب و تاب تعریف می‌کرد که باعث برهم زدن نظم حوزه علمیه و تحریک عده ای گردید (ص ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۶).

اما گزارش کافی از شهادت سعیدی که آن را در مجلسی بیان کرده، بینش سیاسی او را به خوبی نشان می‌دهد (ص ۲۸۰). ساواک با کنترل و مراقبت شدید از کافی و تلفن‌های او اشاره می‌کند که وی بسیار مرموز است و همه کارهای خود را با آقای فلسفی مشورت می‌کند.

ساواک در تاریخ ۵۴/۹/۸ در باره او نوشت: نامبرده بالا یکی از وعاظ افراطی و اخلاک‌گر است که تحریکات و اقداماتی در زمینه ضدیت مردم با یکدیگر معمول داشته و فعالیت‌هایی در جهت خلاف مصالح مملکتی و اخلاص در نظم عمومی انجام و رویه نامطلوب و نادرست خود را همچنان دنبال می‌نماید به نحوی که وجود یاد شده در منطقه تهران موجبات بر هم خوردن نظم و آرامش عمومی را فراهم می‌سازد (ص ۴۰۲). نتیجه آن شد که مرحوم کافی را در آذرماه ۱۳۵۴ برای مدت سه سال به ایلام تبعید کردند (ص ۴۰۷).

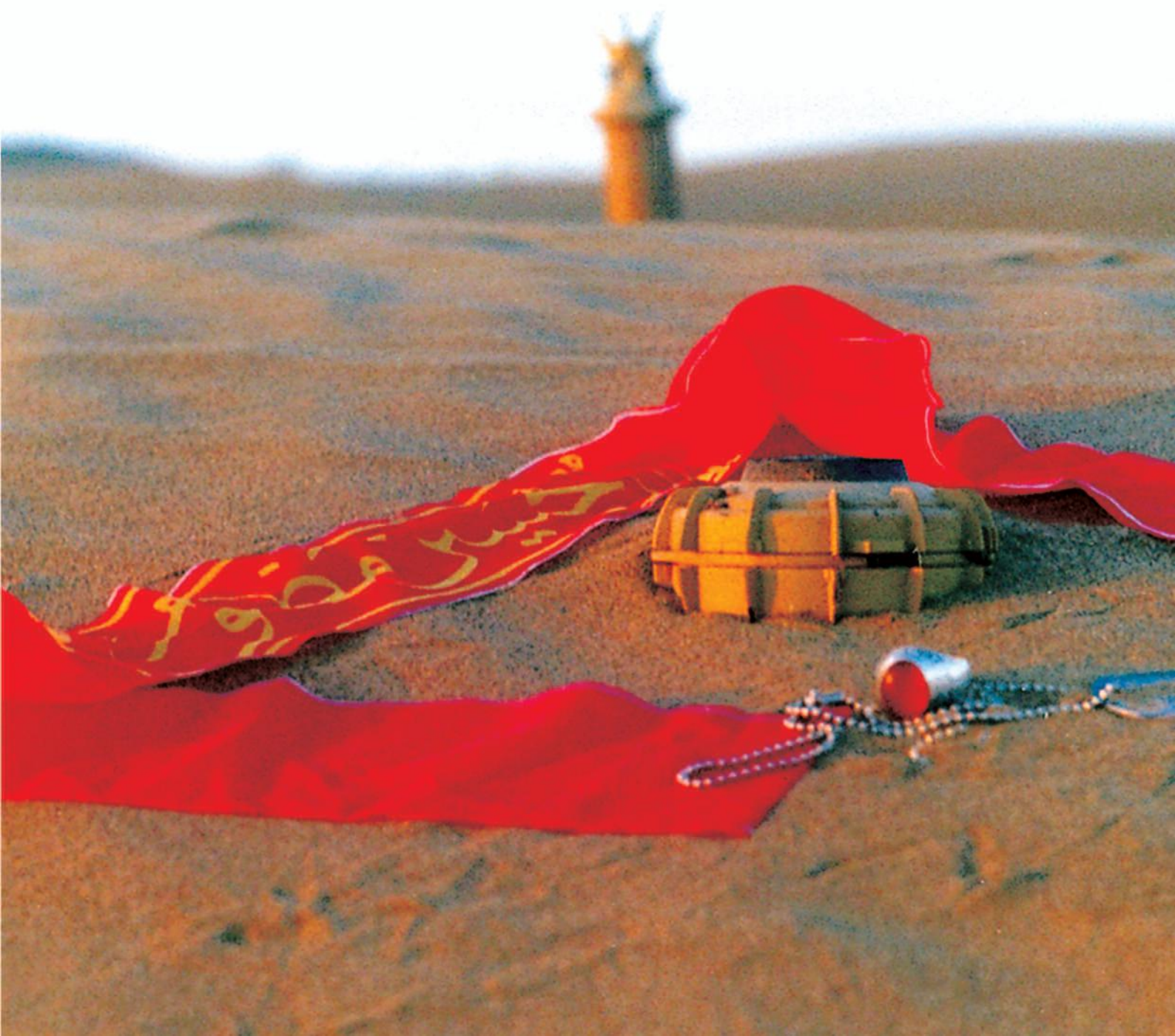
ادامه دارد

پی‌نوشت

۱. پژوهشگر و دانش‌آموخته مرکز تخصصی مهدویت.
۲. کافی، واعظ شهید، مهدی کافی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران.

من را در کنار یکی از دره‌های بهشت به خ

قسمت سوم
هدی مقدم



اک بسیارید؛ در کنار قبر حسین خرازی

پدر خیلی در پوشش اش و ظاهرش ساده بود. همیشه دوست داشت ساده ترین لباس را بپوشد. به سر و وضع خانواده خیلی اهمیت می داد که حتما لباسمان نو باشد، تمیز باشد، شیک باشد... اما خودش تنها چیزی که برایش مهم بود، تمیزی لباس بود. یک بار برای روز پدر من و سعید و مادرم رفتیم برایش یک دست کت و شلوار خریدیم. اما هر کاری کردیم نپوشیدش. بعضی وقت ها که می خواست بیرون برود و نمی خواست لباس نظامی بپوشد، به من می گفت: «محمد یک کاپشن بهم بده بپوشم». یک لباس را آن قدر می پوشید که برایش می انداختیم دورا! با این که وقتی داشتیم وسایل شخصی اش را جمع می کردیم، دیدیم چقدر لباس نو داشته و دست به شان نزده است.

خیلی هم در خانه کمک کار بود. به گل و گیاه و باغبانی خیلی علاقه داشت. در خانه هم جارو کردن و ضبط و ربط خانه با او بود. اگر حسش را داشت، آشپزی هم می کرد که مادرم استراحت کند. این آخری ها ریه اش که شیمیایی بود، بیشتر اذیتش می کرد. نباید سرخ کردنی می خورد و ما هم به خاطر او سرخ کردنی نمی خوردیم. به همین خاطر بیشتر غذاهایی درست می کرد مثل آب گوشت که خودش هم بتواند بخورد. قبل تر که حالش بهتر بود، همه جمعه ها غذا با بابا بود. نمی گذاشت مادرم برود داخل آشپزخانه.

گپ آخرمان، خیلی گپ باحالی بود. وقتی شب رسید خانه، یک سی دی با خودش آورده بود. گفت محمد، این سی دی را بگذار ببینیم چی است! به قول خودش "مشق" هایش را هم پهن کرده بود جلوی خودش. سی دی یک گزارش ویدیویی بود از عملیات ثامن الائمه. بابا می گفت من خودم تا حالا این فیلم را ندیده ام. هر کس را که در فیلم نشان می داد، می گفت خصوصیت اش این بوده و چه طوری شهید شده. خلاصه بیشترشان شهید شده بودند.

در فیلم نشان می داد که بابا داشت نیروهایش را توجیه عملیاتی می کرد و فقط یک زیر پیراهنی تنش بود. ریش هایش هم خیلی بلند و به هم ریخته شده بود. حتما وقت نکرده بود به شان برسد. اما آن ها که می گفت شهید شده اند، اغلب خیلی تمیز و مرتب و شیک بودند. سعید به بابا گفت: «بین، این جور آدم ها شهید می شوند! تو می خواهی با این قیافه به هم ریخته و نامرتب ات شهید هم بشوی؟!». بابا خیلی خندید به این حرف سعید، خیلی خندید...

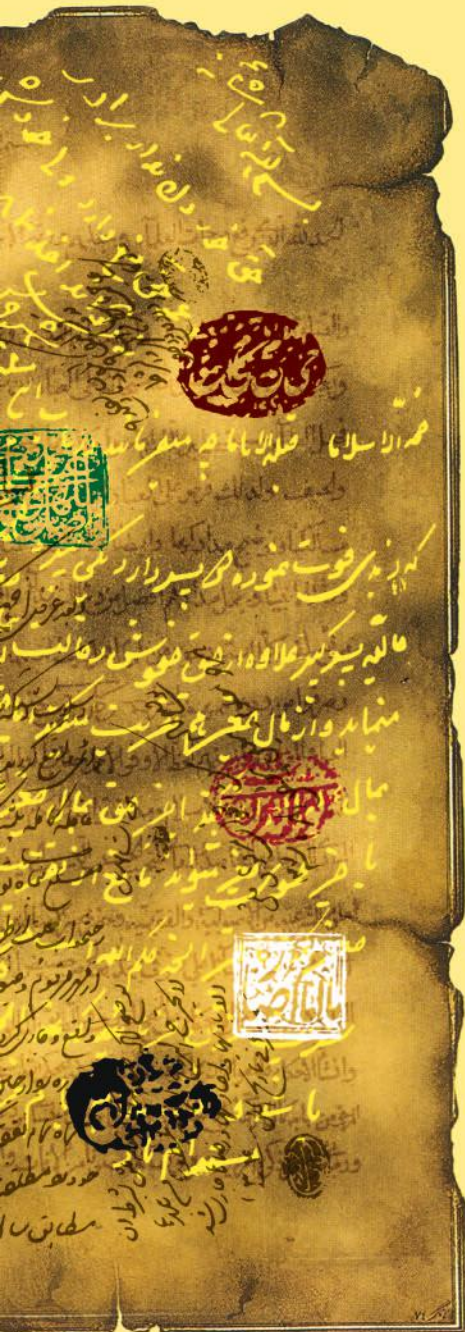
احساس کردم یاد شهادت هم کرده و دلش گرفته و می خواهد با خندیدن هاش ما متوجه نشویم. فیلم که تمام شد، بابا گفت ۲۵ سال از وقتی که این فیلم را گرفته اند می گذرد. ما برای چه مانده ایم و ...

...یکی از سرداران می گفت: کاظمی ها هنوز هم هستند و باید قبل از آنکه حسرت وجودشان را بخوریم قدر آنها را بدانیم... کاظمی ها سربازان امام خود هستند... امامی که فرمانده انقلابی جهانی است و وعده برحق خداوند... پس حتی اگر در جستجوی امام زمان خود هستید لاجرم باید او را میان سربازانش بیابید زیرا یک فرمانده هیچ گاه سربازان مخلص خود را به حال خود رها نمی کند...

مطلب زیر به راحتی می تواند نقش تعبد و دین داری مردمان ما و در نتیجه عنایات امام عصر را بر این ملت روشن کند... تا شما با چه دیدگاهی این اعترافات را بخوانید...

ایرانی ها افراد سرسخت خاورمیانه هستند که وقتی داری احساسات مذهبی می شود دو برابر خطرناک می شوند. اکنون شناخت مطالعه و نبرد با آنها در سطوح مختلف بیشتر از هر زمان دیگری اهمیت یافته است در حال حاضر ایرانیان شیعه به خوبی برای مبارزه که همیشه بخش جدایی ناپذیر تاریخ فرهنگ و مذهب آنها بوده است آماده می شوند. در اردوگاههای اسرای ایرانی افرادی را دیدیم که قاطعانه برای فدا کردن جان خود در راه اعتقادشان آمادگی داشتند. آن منظره منادی جنگ جهانی چهارم بود که ما فقط درک نامشخصی از آن در ذهن داریم. اعتقادات مذهبی این افراد برای سوق دادن آنان به سوی انجام کارهایی که به طرز غیر قابل باوری سخت بودند نقش به سزایی داشته است... (جنگ جهانی چهارم، دیپلماسی و جاسوسی در عصر خشونت: کنت دمارانش؛ رئیس سازمان جاسوسی فرانسه)





یکی از جلوه‌ها و جنبه‌های مهم، حساس و زیبای اسلام، سنت حسنه وقف است که همواره برکات و آثار فراوانی برای جهان اسلام داشته و دارد. آنچه بسیار زیبا و شنیدنی است، تنوع دنیای وقف است. واقفین و نیکاندیشان محترم بنا بر شرایط زمان از دارایی‌های خود در زمینه‌های مختلف، خدمات بزرگی به فرهنگ و تمدن اسلامی نموده‌اند. در حال حاضر از حیث تنوع نیت‌ها، کشور ما رتبه اول را دارد که در همه زمینه‌ها تقریباً وقف داریم، حتی وقف‌های مهدوی نیز کم و بیش وجود دارد. ضمن احترام و پاس داشتن به تمام موقوفات جهان باید توجه داشت «وقف برای امام زمان عج» جایگاه و رتبه‌ای والا دارد که تاکنون کمتر مورد توجه بوده است. شایسته است «وقف مهدوی» فرهنگ شود و در ترویج آن تا حد امکان کوشش کرد. وقف مهدوی، احساس مسئولیت در برابر امام زمان عج و عینیت بخشیدن به اهداف امام عصر علیه السلام است و قطعاً وقف می‌تواند نقش بسزایی در آماده نمودن مردم برای ظهور نماید و زمینه‌سازی برای ظهور نماید.

تعریف وقف

وقف یعنی؛ «حبس کردن» ثروتی از طرف مالکش به وجهی از وجوه، به نحوی که فروش آن ممنوع باشد. به ارث منتقل نگردد. قابل هدیه نباشد و در جهتی که واقف تعیین کرده است، صرف گردد.^۱
اما وقف مهدوی با توجه به تعریف فقهی آن به معنای این است که جهت و سمت و سوی وقف، درباره امام مهدی عج باشد. به عبارت دیگر واقف با نیت و انگیزه رشد و توسعه فرهنگ مهدویت، چیزی را در راه امام زمان علیه السلام وقف نماید.

چرا وقف؟

اسلام، پیروان خود را تشویق به کمک و یاری دیگران نموده است توصیه به صدقه، شرکت در کارهای خیر، تعاون در امور مثبت و بی‌تفاوت نبودن به وضعیت دیگران از ویژگی‌های این دین کامل است.
یکی از بهترین و مؤثرترین شیوه‌های تکافل اجتماعی، بذل و بخشش، انفاق در راه خداوند متعال و کمک به هم نوعان وقف است. ضمن آنکه وقتی به سیره اهل بیت علیهم السلام توجه می‌کنیم، در می‌یابیم آنهایی که امام ما هستند، و در آخرت هیچ یک از انسان‌ها به رتبه و مقام آن‌ها نمی‌رسند و نزد خداوند متعال، جایگاه والایی دارند، به این مسأله توجه خاصی داشته و موقوفات بسیاری از خود به جای گذاشتند. در حالی که ما صد در صد نیاز بیشتری به لطف و بخشش خدا داریم. آنها معصوم هستند. ولی ما خطاکار و گناه‌کاریم و احتیاج ما به عفو الهی حتمی و واقعی است. پس چرا وقف در کارنامه اعمال ما نباشد. امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام بعد از وقف می‌فرماید: «خدایا این را وقف نمودم تا آتش قیامت را از من دور گردانی.»
امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید:

«چگونه مردم می‌توانند از کارهای خیر منصرف شوند؟ در صورتی که حضرت علی علیه السلام در حالی که بهشت بر وی واجب شده بود، اموالی را برای فقرا وقف کرد و فرمود: خدایا این مال را برای این جهت صدقه قرار دادم که آتش را از صورت من و صورت مرا از آتش دوزخ دور سازی.»^۲

وقف

محمدرضا



وقف مهدوی چرا؟

۱. ضرورت نواندیشی در عرصه وقف
 ۲. ضرورت طرح و گسترش فرهنگ مهدوی
 این دو عامل بسیار مهم بهترین پاسخ به چرایی وقف مهدوی است. با نگاهی گذرا به موقوفات، روشن می‌شود که این سنت پسندیده همواره با زمان و مکان در ارتباط تنگاتنگ بوده و همراه با شکل‌گیری نیازها و فرصت‌ها تنوع و صورت‌های مختلف پیدا نموده است.
 امروزه می‌توان تنوع این وقف‌ها را در همان اندازه‌ها دنبال کرد اما اگر وقف‌ها در جهت رشد معنوی و شناخت مردم نسبت به امامشان باشد، قطعاً آثار و برکات بیشتری دارد.

ضمن آن‌که امروزه طرح و گسترش فرهنگ مهدویت بسیار لازم و ضروری است. چرا که مهدویت در همه عرصه‌ها از عبادت و خانواده تا اجتماع و سیاست حضوری پر رنگ دارد. بدون مهدویت، هستی مبهم و گنگ و ابتر است. مهدویت با ترسیم‌ی که از ابتدا و توصیفی که از انتهای تاریخ انسانی دارد، تنها دلیل برای بودن، تنها علت برای پفتن و بهترین گزینه برای امان ماندن از هزاران بی‌راهه و تنها راه برای پیمودن است.

مهدویت از یک سو شناخت دقیقی از آن چه هستیم (هویت) ارائه می‌کند و از سوی دیگر با گشودن هدف‌های عالی برای زندگی (آرمان) انسان را به رشد و تعالی سوق می‌دهد. آموزه‌ای با این اهمیت که اساساً راهبردی یعنی علاوه بر هدف هم راه و هم وسیله است انسان را با توحید و از مسیر توحید به توحید می‌رساند، چرا از ثروتی که خدا به ما داده است برای آن خرج نکنیم؟ ما امام مهدی علیه السلام را با جان و دل پذیرفته ایم ولی از پذیرش آن، چنان شاد نیستیم و تاکنون حاضر نشده ایم که برای آن خرج کنیم. بیایید با وقف مهدوی ثابت کنیم اماممان رازهمه چیز و همه کس بیشتر دوست داریم.

نکته دقیقی که از آیات نورانی قرآن فهمیده می‌شود این است که «وقف مهدوی» از اموال دوست داشتنی انتخاب شود. در این وقف لازم است مالی که از راه حلال به دست آمده و آن را دوست می‌داریم، تقدیم شود و بدانید هرچه وقف نمایید، همان را در روز قیامت می‌یابید. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَا تَقْدُمُوا لَأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾^۵

هرچه از نیکی برای خویش از پیش فرستید آن را نزد خدا بهتر و با پاداشی بزرگ‌تر خواهید یافت.

ادامه دارد...

پی‌نوشت

۱. پژوهشگر مباحث مهدویت.
۲. الفقه علی المذاهب الخمسه، ص ۵۸۵.
۳. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۵۱۱.
۴. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام: «السلام عليك يا سبيل الله الذي من سلک غيره هلك»
۵. بقره، ۱۱۰.



آقا

فوايد ان

بهار

«فاحیینا به الارض بعد موتها کذلک النشور»^۲ [قسمت دوم]

ابوالفضل فیروزی (نینوا)^۱

«پس زمین را بعد از مرگش زنده کردیم و چنین نیز مردگان را در قیامت زنده نماییم.»

او می‌آید و دشت و دمن را مملو از گیاه و گل و آب و پرنده و نور خواهد کرد! و بار دیگر موسم جوشش و رویش، موعد دیدار یاران هنگامه گرمی و محبت خویشان و فصل دوستی و آشتی همگان فرا می‌رسد!

او می‌آید و نبض زمین در التهاب دیدار دل افروز او می‌تپد!

او می‌آید و زمین مرده با صبح تنفسش جان می‌گیرد!

صبا به سبزه بیاراست دار دنیا را نمونه گشت جهان مرغزار عقبی را شمیم باد در اعجاز زنده کردن خاک ببرد آب همه معجزات عیسی را^۳

او می‌آید!

با صد هزار نگار و هرکس را با او حرفی و با نگارنده این همه نقش و نگار حالی!

او می‌آید!

و با همه جلوه هایش با ما حرف می‌زند با جلوه هایی که گفتیم و نگفتیم!

عارف در جمال بهار جلوه جهان آفرین می‌بیند و عاشق از عطر او بوی نگار را می‌شنود.

با صد هزار جلوه برون آمدی که من با صد هزار دیده تماشا کنم تو را^۴



و شاعران نکته سنج طرفه گوی در هر بیتی، پنجره‌ای به سوی بهار، باز می‌کنند و پرده‌ای از جلوه آن نگار بر می‌گیرند که به خاطر رنگارنگی این آسمانه، شما را به نوشیدن پرده‌هایی از نغمه پردازان و عندلیبان گلستان سخن فرا می‌خوانیم. و اینک با شما حسن مطلع این مقوله را با پرده‌ای بدیع از نگارستان شعر صائب تبریزی به تماشا می‌نشینیم؛

هر طرف چون لاله صد خونین جگر دارد بهار
ورنه بیش از باده، در دل‌ها اثر دارد بهار
شکوه‌ها از مردم کوتاه نظر دارد بهار
معنی پیچیده چون موی کمر دارد بهار
از ضمیر خاکیان یکسر خبر دارد بهار
بالش نرمی که از گل زیر سر دارد بهار
خاک را نزدیک شد از جای بر دارد بهار
قد موزون گران رو در نظر دارد بهار
از شکوفه نافه‌های نامه بر دارد بهار

از دل پر خون بلبل کی خبر دارد بهار ؟
مستی غفلت حجاب نشسته بیگانگیست
از قماش پیرهن غافل ز یوسف گشته اند
از برای مو شکافان در رگ هر سنبل
هر زبان سبزه او ترجمان دیگری است
نالۀ بلبل کجا از خواب بیدارش کند
بس که می‌نالد ز شوق عالم بالا به خود
می‌کند از طوق قمری حلقه نام سرو را
قاصد مکتوب ما، (صائب) همان مکتوب ماست

و مرغان سحر در هر ورق گل، قصه‌ای دیگری خوانند و غزلی نغزساز می‌کنند چنانکه صاحب «منطق‌الطیر» عطار نیشابوری سروده است:

تا ظن نبری کان غزل از بر می‌خواند
در هر ورقش قصه‌ای دیگر می‌خواند

بلبل به سحر که غزل تر می‌خواند
از دفتر گل باز همی کرده ورق

و آن دیگر دل سوخته نغز گفتار، بهار را شیدایی آن سرو خرامان می‌داند که در طلب او پایش آبله دار شده و رنگ و بوی زیبایی خود را مرهون جلوه آن لاله عذاری می‌داند که واله دیدار اوست و از زاهد عزلت نشین می‌خواهد که کمتر از غنچه نباشد و با نسیم بهار از خرقة برون آید:

پایش از شب‌نم گل آبله دار است بهار

بس که دنبال توای سرو خرامان گشته‌است

رنگ از او بوی از او حسن و لطافت همه او
غنچه در پوست نگنجید ز تاثیر نسیم

بی خود از جلوه آن لاله عذار است بهار
زاهد از خرقة برون ای بهار است بهار^۶
و آن ژولیده شیرین سخن در اشتیاق بهار، زود تر به مصلى رفته و از باغبان می خواهد که، کلید باغ را زود به او بدهد، چرا
که زودا شود که با قدوم بهار قمری بر چنار آید و بلبل به ترنم او خواستگاران عروس بهار باغ، در کوچه آن ازدحام کنند و شاید
دیگراو را توفیق دیدار باغ میسر نگردد!

ز باغ ای باغبان ما را همه بوی بهار آید
کلید باغ را فردا هزاران خواستار آید
چو اندر باغ تو بلبل به دیدار بهار آید

کلید باغ ما را ده که فردا مان به کار آید
تو لختی صبر کن چندان که قمری بر چنار آید
تو را مهمان نا خوانده به روزی صد هزار آید^۷

صاحب دلی باغ را در زمستان سکوت و در عزلت عبادت، مصداق «ایاک نعبد» دیده و سر به جیب مراقبت و سجود قرب
فرو برده تا دیگر بار در بهار با اذان باد سر گلدسته سرو، سرود قد قامت «ایاک نستعین» سر دهد؛
«ایاک نعبد» است زمستان دعای باغ

و آن خلاق المعانی شوریده سر، آشوب بلبل و فراش صبا و پیراهن دریده گل را، حاصل تجلی رخ بی مثال دوست می داند.
وقت است که باز بلبل آشوب کند
گل پیراهن دریده خون آلود

فراش صبا زیاد جاروب کند
از دست رخ تو بر سر چوب کند^۹

شیدا دلی دیگر که مستغرق جمال یار است و ایام بکام و فارغ از گذشت لیالی و ایام، عید نوروز را ارزانی دیگران می داند:
اندر دل من مها دل افروز تویی!
شادند جهانیان به نوروز و به عید

یاران هستند ولیک دلسوز تویی!
عید من و نوروز من امروز تویی^{۱۰}

و آن فیلسوف، تاسف به ناکامی های ایام ماضی را ناخوشی دل و دماغ می پندارد و خوش باشی و شنا در حوضچه اکنون را
در معیت روی دل افروز و مصاف باد نوروز غنیمت می شمارد:

در صحن چمن روی دل افروز خوش است

بر چهره گل، نسیم نوروز، خوش است



ازدی که گذشت هر چه گویی خوش نیست
و آن دیگری بهار دل را در آمدن آن گلی می‌داند که با آمدنش بهار می‌روید و از شاخه‌های خشکیده‌اش گل‌اشتیاق می‌جوشد:

بهار گل شد و پاییزم‌ای گل!
ز عطر یاد تو لبریزم‌ای گل
اگر چه شاخه‌ای خشکیده دارم
بیا تا پای تو گل ریزم‌ای گل^{۱۲}
و اهل دل با رنگین کمان اشک و مهر از بهار ظاهر به بهار باطن سفر می‌کنند و بر بام بلند مقام بسط با وجد و حال می‌سرایند:

ساقیا سایه ابر است و بهار و لب جوی
من نگویم چه کن، از اهل دلی خود تو بگوی
شکر آن را که دگر بار رسیدی به بهار
بیخ نیکی بنشان و گل توفیق ببوی^{۱۳}

ادامه دارد

پی‌نوشت

۱. مدرس دانشگاه، مدیر مسئول و مدرس انجمن ادبی هنری بسیج دانشجویی استان تهران.
۲. قرآن کریم، سوره فاطر، آیه ۹.
۳. تاریخ جهان گشای جویبی.
۴. فروغی بسطامی.
۵. صائب تبریزی.
۶. حجت الاسلام حزن لاهیجی.
۷. فرخی سیستانی.
۸. مولوی.
۹. کمال الدین اصفهانی.
۱۰. مولوی - غزلیات شمس.
۱۱. خیام نیشابوری.
۱۲. ابوالفضل فیروزی (تی‌نوا).
۱۳. دیوان حافظ.



گاهی شاید بهتر از قبل... شاید سمینارها و کنفرانس‌های عالی و عالی‌تر داریم... شاید می‌نویسیم و می‌گوییم اما گاهی با خودمان که خلوت می‌کنیم، مانند ورق زدن تقویم و سررسید است که مناسبتی می‌آید و می‌رود، باور اینکه برای امام حاضر مراسم می‌گیریم، برنامه‌ای برای اصلاح امروز و آینده انجام می‌دهیم و... چندان آسان نیست. امر تازه‌ای نیست، قبلاً هم نشانه‌ها و یادگارهای الهی بین مردم بود و مردم آن زمان آنها را تبدیل به ویرترین تقدس کردند اما زندگی خود را می‌کردند و مشغول بودند البته این بار ویروس یخ‌زدگی با تمام قوا به صحنه آمده است، شوخی ندارد، شرق و غرب نمی‌شناسد، قرنطینه را به شدت تکذیب می‌کند، آنقدر تا عمق جان نفوذ می‌کند که حتی سلولهای فطرت و الکترونهای اراده را منجمد می‌کند تا آنجا که خدا را هم در این ماجرا مقصر بدانند!^۱

اما چرا اینطور می‌شویم؟ آیا نمی‌بینیم و ندیدیم که زمانی شد همگی به جای نماز باران خواندن و توبه و توجه به خدا فقط و فقط در پی مشکل کاهش سفره‌های زیرزمینی، به سراغ تفاسیر علمی و توجیحات آیکی روی آوردیم و گاهی فاتحه خودمان را خواندیم اما خدا ناگهان در همان فصلی که باور نداشتیم و عقل ناقصمان قد نمی‌داد؛ ابر آورد بارید و بارید...^۲

راستی حق ماست که محروم شویم تا بدانیم چه داشتیم و از چه محروم شدیم؛ شاید هم عادت کرده‌ایم، همتان پایین آمده است، در قطب شمال هم اگر کسی مدتی زندگی کند به همان خانه یخی و شکارهای سخت دریای یخ زده عادت خواهد کرد و شاید اگر

در اوج گرمای تابستان عنوان مقاله، یخ‌زدگی باشد خیلی می‌چسبد، شاید هم توجیه خوبی برای بی‌ربطی موضوع با فضا و زمان خاص مخاطبین باشد!... حالا از اینها بگذریم، راستی دقت کرده‌اید که بسیاری از فیلم‌ها و کارتونهای کودکان تلویزیونی مربوط به موجود بدجنس و وحشتناکی است که همه جا را به یخ و برف می‌بندد و تمام موجودات ساکن زمین را از کار و زندگی می‌اندازد و خلاصه ادامه قصه... کاش در اینجاها کودک درون ما غیرتی می‌شد و کودکی می‌کرد. فکر کنم خودتان تا ته خط رفتید و برگشتید! مشکل همه ما همین است که می‌رویم اما برمی‌گردیم! سال‌های سال گذشت و هر زمان، شیطان به گونه‌ای خواست داروی فرج به دست بیماران عصر غیبت نرسد اما گاهگاهی به خاطر جنگ‌ها و مشقت‌های گوناگون، مردم در اثر توبه و توسل و انابه، خود به خود واکسینه شدند. وقوع انقلاب اسلامی با همه تفسیرها و تطبیق‌های رنگارنگ و گوناگون بر علائم ظهور و زمینه‌سازی و... باز هم نقطه عطفی بود که نگذاشت ویروس یخ‌زدگی، دل‌های امیدوار را فراگیرد، اما با طی شدن فراز و نشیب‌ها، رفع خطرهای مستقیم و مشهود دشمنان، برقراری فضای آرامش و رفاه نسبی و... باعث شد که بشود آنچه که شد! آنها که محروم و مستضعف و ضعیف بودند یا هستند به گونه‌ای و آنها که همه چیز می‌دانستند جز محرومیت، به گونه‌ای دیگر!...

برای حجت زنده و موجود الهی در زمین چراغانی می‌کنیم حتی

ویروس یخ‌زدگی



می‌کند، بافت‌های عادت کرده ما را پاره می‌کند و ما را در برابر خورشید ظهور مقاوم و بی‌رغبت می‌کند. آیا می‌شود با افکار یخ زده و منجمد که هرگز پذیرای ندای آیات و روایات و کلام نایبان عام امام زمان نیست، ذوب در ولایت امام شد؟ و بی‌جهت نبود که شهیدان ما به گونه‌ای و به شکلی که خود بهتر می‌دانند در لحظات آخر به عنایت جمال یار مفتخر می‌شدند چون که آنان هرچه یخ منیت و شهوات و خواهشها بود را آب کرده بودند و ذوب در ولایت شده بودند و مطیع و عاشق نایب امام عصر^{علیه السلام} در این دوران می‌گفتند: بی‌عشق خمینی نتوان عاشق مهدی شد... .

همیشه در آنجا زندگی کرده باشد، هرگز تصور نکنند که این خورشید که بر او می‌تابد همیشه این قدر بی‌رمق نیست چه میوه‌ها و غذاها و صنایعی که از او منشأ گرفته، تنها باید همت کند و اول خود را از اینجا نجات دهد و به سرمای خورشید راضی نشود! جداً هوای سرد و دل‌های سرد، ذائقه‌ها را هم عوض می‌کند! چرا وقتی آب گوارا هست، باید با آب شور طی کنیم؟^۱ چرا فقط در تفکرات سیاسی و اجتماعی و تربیتی دیگران و از ما بدتران (!) منجمد شده‌ایم و فکر کرده‌ایم آنها آخر خط هستند، و راه نجات آنانند. چه کسی جز خدا می‌تواند این یخچال بزرگ غیر طبیعی ما را ذوب کند که حتی برداشتن لایه ازن جهالت و رسیدن تمام آیات درخشان الهی و شواهد و عبرت‌ها و... هم نمی‌تواند آن را آب کند. بزرگان دین گفته‌اند، باید بدانید که در موقع نماز در پیشگاه چه کسی ایستاده‌اید؟ حالا ببینیم برای چه کسی چراغانی کرده‌ایم و همایش گذاشته‌ایم؟ این صرفاً یک مناسبت ملی یا مذهبی نیست، این همایش تقدیر و پاسداشت و نکوداشت نیست، این استقبال از وعده الهی است که دارد محقق می‌شود، استقبال از بهترین شیوه‌های زندگی فردی، خانوادگی و حکومتی است، این مجلس انس با واسطه آسمان و زمین است این مجلس عهد و پیمان و تجدید قرارداد دلدادگان است... .

البته این یخ‌ها به زودی ذوب می‌شود اما زمان را نباید گشت، این ویروس کارش تمام است اما اگر افکار و عادات بدمان ما را به ضخامت عمرمان منجمد کرده باشد، خرد شدن و شکسته شدن آن، به خود ما هم آسیب جدی وارد

پی نوشت

۱. استاد و پژوهشگر.
۲. «وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ؛ مانند کسانی نباشید که قبل از شما کتاب داده شدند و زمان [انتظار] بر آنها طولانی شد پس قلب‌های آنها سخت شد، حدید، آیه ۱۶.
۳. امام صادق^{علیه السلام} در تفسیر آیه فوق فرمودند: تأویل این آیه برای مردم عصر غیبت است... و خداوند نهی کرده که گمان کنند به اندازه چشم بر هم زدن زمین را از حجت خالی کرده است.
۴. «وَهُوَ الَّذِي يَنْزِلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ؛ و او کسی است که باران را پس از آنکه ناامید شدند فرستاد و رحمت خود را می‌گستراند و او ولی و ستایش شده است، شوری، آیه ۲۸.
۵. «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْنَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ سَعِيدٍ؛ بگو اگر آب‌های شما در زمین فرو رود چه کسی می‌تواند آب جاری و گوارا را در دسترس شما قرار دهد، ملک، آیه ۳۰، این آیه به ظهور حضرت مهدی^{علیه السلام} هم تفسیر شده است، برگزیده تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۲۴۳.

سخت‌گیران

جواد اسحاقیان درچه

یاد شهدای کربلا

درویشی / مردانی

سال‌های نه چندان دور در کوچه پس کوچه‌های خاکی اطراف ما افرادی قدم می‌زدند که اکنون آسمانی شده‌اند و با نثار جان خود در راه دوست مدال افتخاری را بر دوش نهادند که تا ابد به آن افتخار می‌کنند، شهدایی که با پیروی از نائب بر حق امام زمان علیه السلام برای تحقق ظهور آخرین حجت حق تلاش کردند و خود را در خیل «انصار المهدی» قرار دادند. عزیزانی که سینه‌هایشان را سپر بلا کردند و با کاروانی از جنس شهادت، راهی ابدیت شدند کسانی که مرگ به کامشان احلی من العسل بود و هر صبح زمزمه «اللهم اجعلنی من انصاره و اعوانه ... و المستشهدین بین یدیه» از زبان دلشان جاری بود. با دقت در آثار به جا مانده از شهدای عزیزمان اعم از وصیت نامه‌ها، دفترچه‌های خاطرات، دست‌نوشته‌ها و ... این نکته به خوبی فهمیده می‌شود که آنان از منتظران واقعی بودند و عشق و علاقه‌ای عجیب به امام عصر علیه السلام داشتند و همواره در تلاش بودند تا رضایت امام زمان علیه السلام را به دست بیاورند که در ذیل به گوشه‌ای بسیار کوچک از این عشق پاک، اشاره می‌شود.





شهید عطا الله اویسی

با تفرقه به اسلام و میهن عزیز و خون پاک شهدا خیانت نکنید که قلب امام امت و آقا امام زمان را به درد می‌آورد.

شهید خدا بخش اکبری عناد

باید زمینه‌سازی شود تا امام زمان ع تشریف فرما شوند تا ما از ته قلب هم شب و روز دعا نکنیم ایشان نخواهد آمد.

شهید سعید طوقاین

کاری نکنید، که لیاقت یآوری امام زمان ع را از دست بدهید تا می‌توانید مراقب و محاسب اعمال و احوال خودتان باشید و خود را در محضر خدا چنین کنید.

شهید محمد دهقان

امیدوارم که با مرگ خود، تو برادر را به سوی امام زمان ع بکشانم و امیدوارم که روزی تو یکی از سربازان امام زمان ع باشی.

شهید احمد دستاجی

برادران، امام زمانتان را بشناسید و معرفت خود را نسبت به ایشان زیاد کنید و سعی و کوشش کنید در طلب معرفت، دعا کنید، دعای فرج تا تعجیل در ظهور امام زمان ع بشود و در قلوب خود، شیطان را دور کرده و خداوند و امام زمان ع را جایگزین کنید و با او باشید که او با شما است و مشکلات و مسائل خود را با او حل کنید.

شهید ابوالفضل قناعت پیشه

مردم بدانید که امام زمان ع با فرزندانمان در جبهه‌ها دیدار می‌کند.

شهید علی شعبان نژاد

خدایا تو را شاکرم که این بینش را در من نهادی که امام زمان ع و پیشوایانم را بشناسم و راه چگونه زیستن و چگونه مردن را از آنان بیاموزم.

شهید علی امین پور

فعالاً در دوران غیبت کبرای امام زمان ع به سر می‌بریم، مواظب باشید با برنامه‌هایتان قلبش را شاد کنید. اگر انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی تداوم نمی‌یابد مگر با کشته شدن من و اگر فرج مولایم ولی‌عصر نزدیک نمی‌شود مگر با کشته شدن من، ای رگبارها و ای خمپاره‌ها مرا پاره پاره کنید.

شهید مهدی زین الدین

در دوران غیبت به کسی منتظر می‌گویند که منتظر شهادت باشد.^۱

چه نیکو می‌شد که ما نیز از سیره عملی شهدایمان درس می‌گرفتیم و علاوه بر این که محبت حضرت بقیه‌الله را در دل خود جا می‌دادیم دیگران را نیز با مقام عظمای حضرتش آشنا می‌ساختیم.

شما هم می‌توانید از نامه‌ها یا وصیت‌نامه‌های دیگر لاله‌های شهید، برای ما مطالبی ارسال کنید. (یادتان باشد مطالب درباره امام زمان ع باشد و فراموش نکنید عکس زیبای شهیدان و مشخصات آنان را حتماً برای ما ارسال کنید).

پی نوشت

۱. امام زمان ع و شهدا، سالم جعفری.

عرضه

برای همه ما پیش آمده که گاه با دیدن یک دوست سر درد دلمان باز شده و شروع به گفتن از غم و غصه‌هایمان برای او می‌کنیم. حال فکرش را بکنید قرار است پیش کسی درد دل کنیم که نیض زمین و زمان به دست او می‌زند و ولی خداست در زمین لازم نیست به دیده سر ایشان را ببینیم، مهم این است خود را در محضر ایشان ببینیم.



اگر توفیق زیارت حضرت ولی عصر(عج) را بیابید و
بخواهید یک بیت تقدیم آن حضرت بفرمایید، آن بیت شعر چیست؟

حجت الاسلام ماندگاری

مسئول مؤسسه تفحص سیره شهدا
گفته بودم چو بیایی غم دل با تو بگویم
چه بگویم که غم از دل برود چون تو بیایی
(شعر از: سعدی)

محمد رضا طاهری / مداح اهل بیت
حیف از تو عزیزی که منت یار بخوانم
لیکن چه کنم جز تو کسی یار ندارم
(شعر از: سازگار)

سید حبیب نظاری / شاعر
به خورشید زمینی خیره ماندم
که تمرین کرده باشم دیدنت را
(شعر از: نگارنده)

م. طلوع / شاعر و محقق
ببار بر دل بی برگ و بار من، ای عشق!
بتاب بر دل بی تابم آفتابی تر
(شعر از: نگارنده)

زهرا صفیری / شاعر و نویسنده
اسیر جاذبه سیب و گندم یک عمر
دعا کنید که دستم به آسمان برسد
(شعر از: نگارنده)

محمد جواد میری / روزنامه نگار
رفت و روب کرده ایم خانه را برای تو
تا دوباره پر شود از صدای پای تو
ای نشانه بهار، ای نسیم خوش خیر
خسته ایم و منتظر، کی می آیی از سفر
(شعر از: بیوک ملکی)

سیده زهرا برقی / نویسنده
هر چند مرا در دو جهان بیش و کمی نیست
با وصل توأم در دو جهان هیچ غمی نیست
گویند که باغ ارمی هست به عالم
گر هست، رخ توست و گرنه ارمی نیست
(شعر از: نگارنده)



جنگِ جایِ خود و چراغاتی ہم ج

www.rah-e-hayat.com



۵۸



گزارشی از سال‌ها جشن و آذین‌بندی خیابان چهارمردان قم

ضمن معرفی خودتان بفرمائید از چه زمانی این برنامه‌های جشنهای نیمه شعبان خیابان چهارمردان قم آغاز شده است؟

- بقیه ... خیر لکم این کنتم مؤمنین. بنده غلام حسین اشعری متولد سال ۱۳۳۵ اهل قم هستم شغل بنده آزاد هست و یک مغازه لوازم خانگی دارم بعد از انقلاب وارد سپاه شدم و در دوران جنگ هم در جبهه‌های جنگ بودم. مراسم جشنهای نیمه شعبان چهارمردان شروعش از سال ۱۳۵۷ بعد از پیروزی انقلاب به رهبری حضرت امام(ره)، دوستان حاج حسن آقای شتاری به من پیشنهاد دادند که بیا خیابان را برای نیمه شعبان چراغانی کنیم که بنده استقبال کردم. در ابتدا به صورت همان چراغانی‌های سنتی بود که مردم آنماها و مجسمه‌هایی را درست می‌کردند. یادم هست در اولین کارمان ما یک طاق نصرت درست کردیم با قوطی بروخیل که یک شب تا صبح آن را درست کردیم و از آن ۱۰ سال هم استفاده کردیم در اوایل با کمک انجمن اسلامی خیابان چهارمردان تمام خیابان را با تیرهای چوبی چراغانی کردیم، تیرهای چوبی را در باغچه‌ها می‌کوبیدیم و بعد هم ریسه کشی می‌کردیم. بعد هم چراغانی خیابان چهارمردان را تقسیم کردیم. بین خودمان و انجمن که قرار شد از ابتدای خیابان چهارمردان تا سر ۴۵متری عمارياسر را انجمن اسلامی چراغانی کند و از سر ۴۵متری عمارياسر به بعد هم با ما باشد. خدا را شکر به کمک جوانان پرشور و انقلابی هر سال ما پیشرفت کرده‌ایم به صورتی که از ابتدا با چراغانی شروع کردیم بعد هم شیرینی و شکلات بسته‌بندی می‌کردیم و در داخل آنها نوشته‌هایی قرار می‌دادیم که تغذیه فرهنگی هم انجام می‌دادیم. «لقاب آقا امام زمان را می‌نوشتیم، می‌نوشتیم: جهت شادی آقا امام زمان صلوات...» الحمدلله ... در خیلی از جهات پیشرفت کرده‌ایم الان هم برای پخش شیرینی و شکلات روز جشن طرح جدیدی را داریم. که قوطی‌های کوچکی را طراحی کرده‌ایم که روی آنها نوشته شده است: یا قائم آل محمد، میلاد مهدی مبارک و... که داخل آنها سوهان، گز، شکلات و... گاهی هم جوایز کوچکی در آنها قرار می‌دهیم. روی قوطی‌ها را هم با موادی پوشانیدیم تا دست مستقیم به نام اهل بیت تماس نداشته باشد.

از همان ابتدا هم گاهی ولیمه‌ای هم برای سلامتی آقا امام زمان پخش می‌شود و الان هم به خاطر اینکه نظم در پخش این شیرینی‌ها و غذاها داشته باشیم کارتهایی را هم طراحی کرده‌ایم که خیلی محترمانه در اختیار مردم قرار می‌گیرد و با مراجعه به ایستگاههایی که در چند نقطه از خیابان چهارمردان است به صورت خیلی زیبا و آبرومندانه این غذاها و شیرینی‌ها را دریافت می‌کنند. سعی هم کرده‌ایم از مسائل دوست و فامیل بازی هم جلوگیری کنیم تا به صورت عادلانه این تبرکات بین همه مردم پخش شود. یک کتابچه کوچک به نام میلاد نور منتشر کردیم که در آن مردم را با امام عصر آشنا می‌کنم. و در پایان این کتابچه هم نماز امام زمان را آموزش می‌دهیم.

برای تنوع هم در چراغانی طرح‌های مختلف زیادی را اجرا کرده‌ایم که مردم شاهد آن بوده‌اند. که خیلی جاها هم این طرح‌ها را از ما یاد گرفتند و در جاهای دیگر اجرا نمودند. جالب است بدانید هر موقع ما دست بکار می‌شویم عده‌ای متوجه می‌شوند که نیمه شعبان نزدیک است. برای امسال هم برنامه‌های گسترده‌ای داریم و دنبال اشخاص قوی و اهل فن هستیم تا برنامه‌های ما را بتوانند اجرا کنند. و طرح‌های خود را به صورت ماکتهایی به



سای خود



نمایش بگذاریم.

آقای اشعری بفرمائید در این برنامه‌ها چه سمتی را بر عهده دارید و نحوه اجرای این برنامه‌ها چگونه است؟

- ببینید تمام کسانی که در این کار شرکت می‌کنند خالصا و مخلصا برای خدا می‌آیند هیچ توقعی هم ندارند بنده هم یکی مثل همان‌ها هستم همه ما برای پیشرفت کار دست به دست هم می‌دهیم اما برای اینکه در نامه نگاری‌های خود جای امضائی باشد. بنده را به عنوان (مسؤل هماهنگی و تأمین منابع) نام می‌برند البته ما مسؤل نیستیم، ما خادم این بچه‌ها هستیم. ما کار گروه‌های مختلفی را داریم. ما جلسات مختلفی را برگزار می‌کنیم و در این جلسات هم بعد معنوی بچه‌ها را بالا می‌بریم و هم در این جلسات کارها را برنامه ریزی می‌کنیم. کار گروه‌های ما شامل: مسؤل برق، مسؤل تدارکات، مسؤل امور فرهنگی، مسؤل روابط عمومی و... که به صورت کلی همه با هم در جلسات تصمیم گیری می‌کنیم و بعد هر کار گروهی وظایف خود را بر عهده می‌گیرد. و کار خود را انجام می‌دهند. مثلا کار گروه برق ما دیگر خودشان کارهای برق را انجام می‌دهند البته دیگران کمک می‌کنند ولی تصمیم گیری‌ها و کارهای فنی با آنهاست. ما هم برای آموزش مهارت‌های برق یک مهندس در کنار آنها می‌گذاریم تا کارهای برقی جدید را هم آموزش ببینند و هم اجرا کنند.

این ساماندهی‌ها به ما در جلوگیری از اسراف خیلی کمک کرده است. امسال هم از اداره برق تقاضای لامپ کم مصرف

کرده‌ایم که انشاء... در سال اصلاح الگوی مصرف در مصرف برق هم صرفه جوئی کرده باشیم.

البته ما هم در قبال زحمات این دوستان خود را موظف می‌دانیم از آنها تشکر کنیم، در پایان برنامه‌ها هم جهت تشکر از تمام کسانی که بر پایی این برنامه‌ها نقش داشتند اردوئی را جهت زیارت آقا امام رضا برپا می‌کنیم. و از این طریق از دوستان و زحماتشان تشکر می‌کنیم.

منابع‌های مالی شما از کجا تأمین می‌شود؟

- منابع مالیمان را درصد بسیار کمی را خود اهالی خیابان چهارمردان و کسبه تأمین می‌کنند و درصد زیادی از منابع مالی ما را بانیان خیر هستند که از نظر مالی در وضع خوبی به سر می‌برند در راه ترویج دین و خشودى آقا امام زمان بانی خیر می‌شوند.

آقای اشعری هدف شما از اجرای این برنامه‌ها چیست؟

- ببینید نیمه شعبان یکی از روزهای یوم... است ما باید این روزها را زنده نگه داریم. ببینید اسلام از همین زنده نگه داشتن‌ها و سینه به سینه گشتن‌ها به ما رسیده، شما ببینید از مکاتب دیگر چیزی باقی نمانده! ما باید این روزها را با زنده نگه داشتن گرامی بداریم و اعلام کنیم: «ای عالم ما به عنوان بشر صاحبی داریم و صاحب ما آقا امام زمان(ع) است و او روزی می‌آید و جهان را پر از عدل و داد می‌کند».

و ما منتظریم و تا زمانی که این انتظار ما به پایان برسد در اجرای این برنامه‌ها کوتاهی نخواهیم کرد. برای تمام سنین هم برنامه داریم. و هر قشری را به نحوی به فعالیت و تلاش و زنده نگه داشتن این ایام دعوت می‌کنیم.

فکر می‌کنید چقدر به اهداف خود رسیده‌اید؟

- ببینید اوائل کار که ما شروع کرده‌ایم عده‌ای از بچه‌ها بودند که می‌آمدند دنبال ما در دست پای ما می‌چرخیدند؛ الان همان بچه‌ها شده اند ۳۰ساله، ۴۰ ساله، یعنی ۳۰ سال ۴۰ سال است که در این برنامه‌ها با عشق علاقه بوده‌اند اگر عشق به امام زمان نبود اینها هم بعد از این همه وقت نبودند. ما جوانی داشتیم که معتاد بود ولی در بین همین برنامه‌ها در او تحولی ایجاد شد و دست از این برنامه برداشت. الان شده یه استاد در خانه خود جلسات قرآن برپا می‌کند. کارهای فرهنگی انجام می‌دهد. تبلیغ دین می‌کند، اینها همه نتیجه حضور این افراد در چنین برنامه‌هایی است.

بفرمائید در اجرای این برنامه‌ها چه ارگان‌هایی و چه سازمان‌هایی با شما همکاری می‌کنند؟

- ببینید ما دست یاری خود را به سوی تمام ارگانها دراز می‌کنیم. به استانداری، شهرداری، سپاه، نیروی انتظامی و ... ما برای اجرای تمام برنامه‌های خود و اجرای بهتر این برنامه‌ها به کمک اینها نیاز داریم. اما متأسفانه این ارگان‌ها خیلی با ما همکاری نداشته‌اند. خوب شما ببینید چقدر جمعیت در خیابان چهارمردان جمع می‌شود. بالاخره اینها را باید نظم داد. خودمان دست به کار شدیم و الان یک گروه انتظامات که لباس‌های متحدالشکل، ظاهری مثل خادمان حرم، و با پرهائی که در دست دارند مردم را راهنمایی می‌کنند.

این جشنها و شادیهها برای همه است مردم ما به شادی و خنده هم نیاز



انجام دهید. جنگ جای خود چراغانی هم جای خود.»

اگر خاطره‌ای در حُلول این ۳۰ سال دارید؛ بفرمائید؟

– خاطره زیاد است. اما بعضی از آنها معجزه‌وار است. و لطف آقا امام زمان. مثلا در خیلی از جاها بچه‌های ما را برق گرفته، از بلندی‌ها سقوط کردند ولی انگار کسی کنار این‌ها بوده به آنها کمک کرده و هیچ آسیبی ندیدند.

- جناب آقای اشعری، کمی هم از برنامه‌های فرهنگی امسال هم سخن بگویید.
۱. ساخت اختاپوسی به عنوان نماد شیطان با نشان دادن ترفندهای شیطان نظیر مواد مخدر، فحشا و... و در مقابل مبارزه منتظران واقعی با شیطان؛
 ۲. جدای از اختاپوس، با کمک مدرسه قرآن و عترت، فعالیت‌های متفاوتی انجام شده نظیر؛ ایجاد تریبون غنچه‌های منتظر و غرفه نقاشی ویژه کودکان که در این تریبون کودکان با خواندن حدیث، قرآن یا شعر هدیه‌ای دریافت می‌کنند؛
 ۳. ایجاد خیمه‌ای در سطح خیابان و القای این موضوع که همه زیر خیمه حضرت قرار داریم و گرفتن تعهد از اشخاص به صورت امضا زیر پیمان‌نامه‌ای با عنوان پیمان جاودان با صاحب الزمان عجله الله تعالی فرجه؛
 ۴. نمایشگاه کتاب و محصولات با عنوان مهدویت؛
 ۵. همایشی با حضور اساتید خارجی و مستبصر در مسجد چهارمردان با موضوع خصوصیات منتظران؛
 ۶. نمایشگاهی به صورت بنر در سطح خیابان با عنوان فرهنگ انتظار و اجرای مسابقه در این باره؛
 ۷. نمایش منتخب فیلم‌های غربی ضد منجی‌گری و مهدویت و نقد آنها.

آقا اشعری در پایان اگر صحبتی دارید بفرمائید:

– ما چون دوست داریم برنامه‌های ما سراسری باشد، آماده پذیرائی تمام پیشنهادات طرح‌ها، کمک‌های مالی، و... هستیم. ما دوست داریم مردم مشارکت کنند. کار برای امام زمان است. برای صاحب همه ما. ما هر کاری بکنیم آقا آن را می‌بیند. ما دوست داریم، همه مردم ما را یاری کنند و باز انتظار داریم از ارگانهای استان در هر چه بهتر برگزار شدن این برنامه‌ها ما را یاری کنند. خیلی از هزینه‌ها می‌شود که اسراف است، اگر این هزینه‌ها در راه امام زمان باشد برکت بیشتری خواهد داشت.

دارند چه می‌شود که این ارگانها در این شادیها و جشنهای مردم به یاری هر چه بهتر برگزار شدن این برنامه‌ها بشتابند!!

در اجرای این برنامه‌ها آیا مردم مشارکت دارند یا نه صرفا به عنوان شرکت کننده در این برنامه‌ها هستند؟

– عمده مردم به عنوان تماشای این برنامه‌ها می‌آیند و البته همین هم برای ما کافی است. همین که می‌بینیم کاری کرده‌ایم که مردم شاد می‌شوند خوشحال می‌شویم. خوب البته هستند کسانی که ما را یاری می‌کردند هر کس هر جوری که می‌توانست، آنکه آشپزی بلد بود با آشپزی آنکه با چائی ریختن می‌توانست کمک کند کمک می‌کرد. یا آنکه مثلا ما از او شیرینی‌های جشن را تأمین می‌کنیم به ما تخفیف می‌داد سود پول خود را نمی‌گرفت و...

آقای اشعری در این برنامه‌ها چون چراغانی‌های شما با برق زیاد سرکار دارد اداره برق چه همکاری با شما دارد؟

– البته اداره برق هم مثل دیگر ادارات همکاری خاصی ندارد ولی خوب بعضی از راهنمایی‌ها را به ما دارند و در جریان خاموشی‌ها هم با ما همکاری خوبی دارند.

بنده شنیده‌ام که شما در جریان برپائی این جشن‌ها با امام راحل هم ملاقاتی داشته‌اید از این ملاقات برای ما بگوئید.

– ما در بحبوحه جنگ در جماران خدمت امام رسیدیم و به خدمت ایشان گفتیم آقا ما می‌خواهیم پول‌هائی را که برای جشن جمع کرده‌ایم هدیه کنیم به جبهه‌ها که امام فرمودند: «نه لازم نیست؛ بروید چراغانی‌هایتان را



پرسش‌ها و پاسخ‌های مهدوی



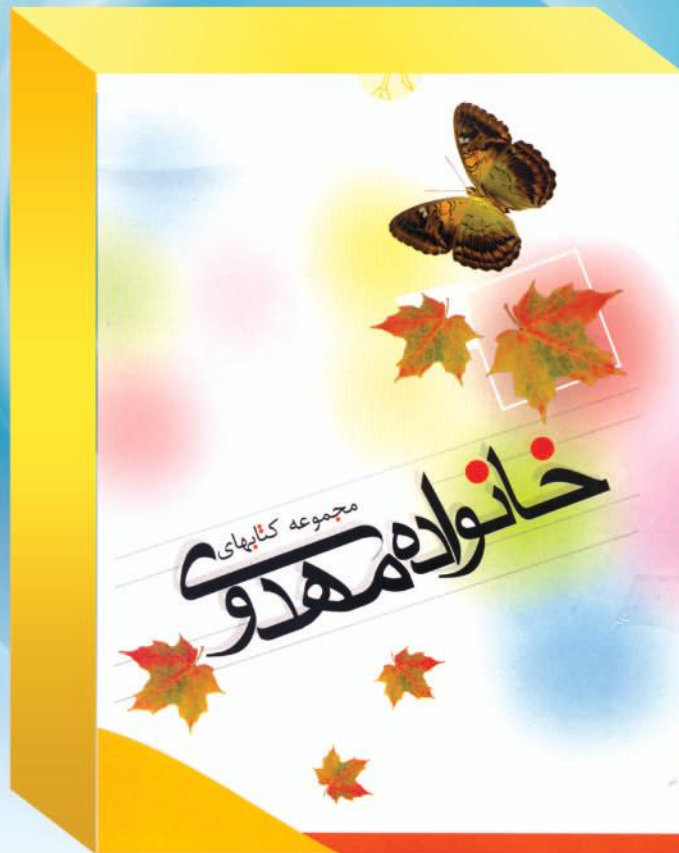
مراد از سرداب غیبت چیست؟

سرداب، به طبقه زیرین ساختمان اطلاق می‌شود که در مناطق گرمسیری برای حفاظت از گرمای شدید، ساخته می‌شود. این شیوه ساختمان‌سازی در بسیاری از مناطق عراق، از جمله شهر سامراء که دارای آب و هوای گرم و خشک می‌باشد، مرسوم است. خانه امام هادی علیه السلام در شهر سامراء نیز دارای چنین سردابی بود. این خانه پس از شهادت امام هادی علیه السلام در اختیار امام حسن عسکری علیه السلام قرار گرفت.

بر اساس شواهد تاریخی، ولادت با سعادت خاتم الاوصیا و منجی عالم بشریت، حضرت مهدی علیه السلام در این منزل رخ داد. آن بزرگوار، به علت شرایط حاکم بر زمان و وجود خلفای جور، مخفیانه به دنیا آمد و پس از شهادت پدر گرامی‌اش، غیبت او از آن خانه آغاز شد.

با توجه به حضور و عبادت سه امام بزرگوار شیعه در این خانه و اقامت ایشان در سرداب برای مدتی، این خانه و سرداب آن، نزد شیعه مکانی مقدس شمرده می‌شود. به علاوه برخی بر این باورند که غیبت امام مهدی علیه السلام نیز از همین سرداب آغاز شده است؛ لذا به آن «سرداب غیبت» می‌گویند. البته برخی دیگر این امر را مطلبی مسلم نمی‌دانند.

گفتنی است به علت تولد و زندگی مخفیانه امام زمان علیه السلام در زمان حیات پدر و همچنین آغاز غیبت با شهادت پدر و به امامت رسیدن ایشان، اظهار نظر درباره محل شروع غیبت مشکل است. به علاوه که این امر مسأله‌ای فرعی است. آنچه مهم است، این است که ما یقین داریم حضرت، طول دوران غیبت، میان مردم بوده و در مجامع شرکت می‌کند، نه این که امام، تا زمان ظهور در سرداب مخفی شده است.



مجموعه خانواده مهدوی

این مجموعه نفیس متشکل از یک سی دی و چند کتاب است که به همت بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام شعبه آبادان و خرمشهر و با تلاش جناب آقای محمدرضا فؤادیان تهیه شده است. نام نرم افزار «آفتاب عشق» است که در آن امکاناتی از قبیل کتابخانه، گنجینه، دروس مهدوی، غرب و مهدویت، سخنرانی، نوای دل و نگارخانه تعبیه شده است. در قسمت کتابها، چهار کتاب وجود دارد. کتاب نخست «زندگی مهدوی» نوشته محمدرضا فؤادیان است که در سه فصل تنظیم شده. فصل اول به موضوع شناخت می پردازد. فصل دوم تحت عنوان عشق به موضوعاتی مانند نجات، لذت، آرزو، دل دادگی و رفاقت و فصل سوم با عنوان رفتار، شش موضوع را مورد کنکاش قرار می دهد و در پایان کتاب با طرح ۱۴ سؤال، مسابقه ای تستی برای خوانندگان طرح می کند.

در کتاب دوم، جمعی از مؤلفان مقالاتی پیرامون «زن و یاری موعود» نوشته اند که دارای این عناوین است: زنان و حکومت امام زمان علیه السلام جایگاه زن در فرهنگ مهدویت، نقش زنان در حکومت امام زمان علیه السلام زنان مهدی یاور و زنان رجعت کننده. نام سومین کتاب «جوان و یاری موعود» است که توسط مسعود دریس تهیه شده است. دو فصل روزگار جوانی، جوان و یاری موعود مباحث مطرح شده در این کتاب است.

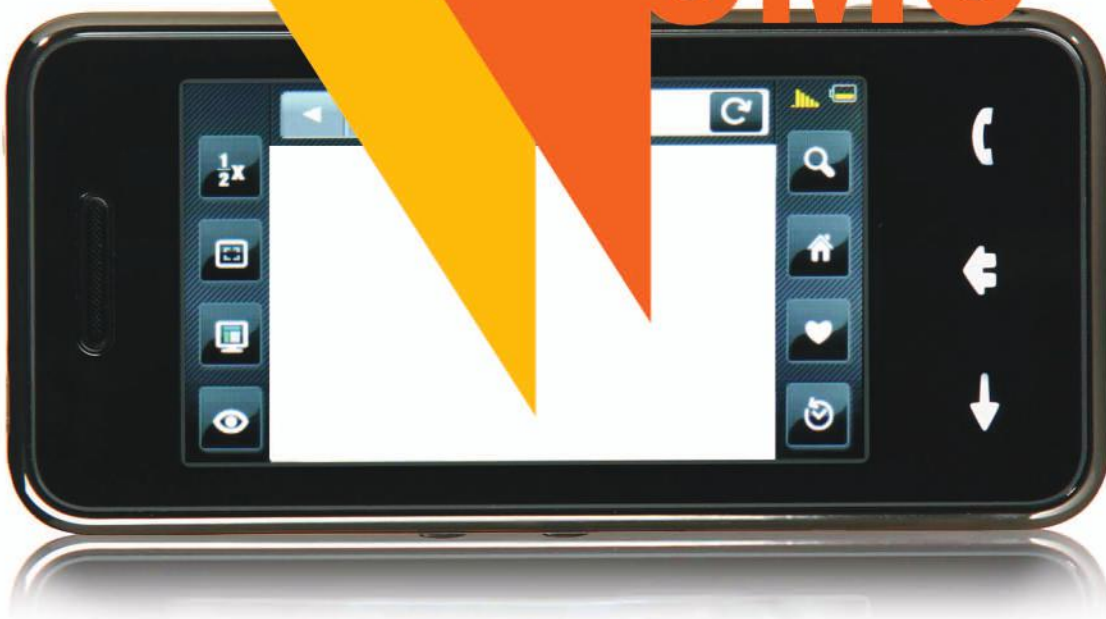
چهارمین کتاب از کتابهای خانواده مهدوی اثر «فاطمه و کوثر دریس» با عنوان «خردسالترین پیشوا» است که دارای داستان و چند جدول است تا شوق کودکان را به خواندن کتاب بیشتر کند.

پی نوشت

۱. علاقمندان برای تهیه این مجموعه می توانند با مراکز ذیل تماس حاصل نمایند:
۱. بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام - شعبه آبادان و خرمشهر - تلفن: ۰۶۳۱-۲۲۳۰۱۱۱
۲. قم - مرکز تخصصی مهدویت - تلفن: ۰۲۵۱-۷۷۳۷۱۶۰
۳. انتشارات سبط النبی ۰۲۵۱-۷۷۴۵۰۷۳

پیامک‌های مهدوی

SMS



همیشه امام زمان عجل الله فرجه را با یک فهرست بلند بالا پر از حاجات رنگ و وارنگ و کوچک و بزرگ صدا می‌زنیم، و بعد سرگرم آرزوهای دور و درازمان می‌شویم. آن قدر اطراف خودمان را شلوغ کرده‌ایم که صدای امام مهربانمان را هم نمی‌شنویم که می‌گوید «انا غیر مهملین لمراعاتکم»

گاهی اصلاً متوجه امام زمانمان نمی‌شویم، یا حتی بدتر، الطاف خداوندی را از چشم آدم‌های زمینی اطرافمان می‌بینیم و در قبال آن‌ها مراتب تشکر و سپاسگزاری را به جا می‌آوریم اما در شبانه روز لحظه‌ای به یاد آن حجت الهی نیستیم. اگر برای اعمالمان دفتری داشتیم و می‌توانستیم هر چند وقت یک بار، صفحه‌ای به عقب برگردیم و با دقت به آن نگاه کنیم تازه می‌فهمیدیم که چقدر مدیون اویم، برای لحظه‌های زندگی

پیامک‌های انتظار، تلنگری است تا در دنیایی که سرگرم آن هستیم، چند لحظه‌ای به یاد حجت خدا باشیم. شما هم می‌توانید برای ما درباره امام مهربانی، وظیفه ما در دوران انتظار و هرآنچه شایسته می‌دانید؛ پیامک بفرستید. با شماره ۰۴۹۸ ۳۱۳ ۰۹۳۵ منتظر شما هستیم. امان به بهترین پیامک‌ها به قید قرعه هدایایی می‌دهد.

تعدادی از پیامک‌های شما

| | | |
|---|---|------------------|
| کی می‌شود از تو های و هو را شنوم یا رب مددی مرا که پیش از مُردن | از لعل تو اسرار مگو را شنوم از کعبه انا المهدی او را شنوم | ۰۶۴۷۰ ۰۹۱۹ |
| مهدی است آنکه وقت نماز جماعتش مهدی است آنکه تابش مه خورشید طلعتش مهدی است آنکه در شب میلاد او خدا | عیسی به صدر نیاز به او اقتدا کند قبر نهان فاطمه را برملا کند او را به مرحبا لک عبدی ندا کند | ۰۴۸۱ ۰۹۳۷ |
| چهره گل، باغ و صحرا را گلستان می‌کند مدعی گوید که از یک گل نمی‌گردد بهار | دیدن مهدی هزاران درد درمان می‌کند من گلی دارم که عالم را گلستان می‌کند | ۰۴۳۸۳ ۰۹۳۷ |
| معتقدیم که عشق سرخواهد زد سوگند به هر چهارده آیه نور آخر شب سرد ما سحر می‌گردد | بر پشت ستم کسی تبر خواهد زد سوگند به زخم‌های سرشار غرور مهدی به میان شیعه برمی‌گردد | ۰۰۵۸ ۰۹۱۲ |
| سلام بر دل‌هایی که در کلاس انتظار غیبت نکردند. | | ۴۸۹ ۰۹۱۲ |
| مرا امید وصل تو زنده می‌دارد | وگر نه هر دم از هجر تست بیم هلاک | ۰۱۸۷ ۰۹۱۲ |
| آسمان غرق خیال است کجایی آقا؟ یک نفس عاشق اگر بود، زمین می‌فهمد | چندمین جمعه سال است کجایی آقا؟ عاشقی بی‌تو محال است کجایی آقا؟ | ۹۳۴۵ ۰۹۱۲ |

برنده این شماره ۰۹۱۲.....۴۸۹ می‌باشد که برای ایشان آرزوی توفیق نموده و با ایشان تماس گرفته خواهد شد.



شودد مانت





گلچینی از نامه‌های پرمهرتان

با سلام و خدا قوتی به شما مهدی یاوران که مسیر صراط مستقیم، دوستداران و محبتین حضرت را با چراغ روشن نشان می‌دهید و با این مجله که از منابع موثق و مطمئن گردآوری شده، سعی در ایجاد زمینه‌های معرفتی می‌نمایید و امید دارم که همیشه موفق و مؤید باشید انشاءالله.

(سهیلا جمیل‌پور)

مجله بسیار خوب و ارزشی و مورد استفاده همه اقشار به خصوص جوانان و نوجوانان و دانش‌آموزان و دانشجویان است و در این برهه از زمان - که تهاجم فرهنگی جای خودش را به ناتوی فرهنگی داده است - جای این نشریه در گیشه روزنامه‌فروشی‌ها بسیار خالی است.

(پرویز امیدی)

مجله‌تان عالی است از اینکه هم به جنبه احساسی و هم به جنبه علمی و عقلانی مفهوم انتظار بها می‌دهید بسیار سپاسگزاریم.

(سمیرا سیاه مردان)

با عرض سلام خدمت سردبیر محترم و تهیه‌کنندگان این مجله با ارزش و پرمحتوا، از شما تشکر می‌کنم که با این کار خیر و نیک باعث شدید تا با امام زمان خود بیشتر آگاهی پیدا کنیم و بتوانیم منتظر واقعی باشیم. امیدوارم از برکات الهی برخوردار شوید.

(فهیمه نیکوبین)

از نامه‌های پرمهرتان متشکریم امیدواریم لطف و محبت امام عصر علیه السلام بیش از پیش شامل شما و همه دوستان امانی گردد.

پیشنهادها



با عرض سلام و خدا قوت خدمت شما، مطالب نشریه، ارزنده و پرمغز می‌باشد ولیکن در صورت امکان مطالبی با بیان ساده در سطح دانش‌آموزان راهنمایی نیز به چاپ برسانید. شعر و دکلمه نیز یادتان نرود.

(علی مقیمی)

- دوست گرامی، مجله صفحه‌ای برای شعر و دلنوشته دارد که می‌توانید استفاده کنید اما برای سطح راهنمایی می‌توانید از مجله انتظار نوجوان استفاده کنید. برای تهیه آن با موسسه آینده روشن تماس بگیرید (۷۸۳۳۳۴۸ - ۰۲۵۱).
مطالب نشریه متنوع و جالب است اما اگر در مورد وقایع دوره آخرالزمان نیز مطالبی چاپ شود بهتر است.

(ام البنین افخمی)

- امیدواریم بتوانیم در شماره‌های بعد این کار را انجام دهیم.

با عرض سلام و معذرت، فرم اشتراک را در صفحه‌ای جداگانه که هیچ مطلبی نداشته باشد، چاپ کنید.

(طاهره اشراقی)

- لطفاً به آخرین صفحه مجله مراجعه نمایید. ما در هر شماره فرم اشتراک را در صفحه‌ای جداگانه می‌آوریم! در آن صفحه مطلبی جز توضیح فرم اشتراک نیست. البته اگر منظورتان پشت صفحه هم باشد، در پشت صفحه فقط سئوالات تستی را آورده‌ایم.

با عرض سلام مجله خوب و جذاب است اما بهتر است از داستان‌هایی درباره کرامت امام زمان علیه السلام هم استفاده شود.

(فاطمه غلامزاده)

- پیشنهاد خوبی است، امیدواریم بتوانیم این کار را به مجله اضافه کنیم. شما هم مستندات خود را برایمان ارسال نمایید. چنانچه از مطالب سلیس و مباحث روز در متن مجله بیشتر استفاده شود جذابیت بیشتری پیدا خواهد کرد.

(علیرضا سالک)

- سعی ما چنین است. خوشحال می‌شویم شما هم اگر مطالب خوبی دارید، دریغ نفرمایید.





اگر بتوانید این نشریه و این فرهنگ را در بین جوانان گسترش دهید آن وقت است که به موفقیت خود دست پیدا کرده‌اید و اثر مفیدی خواهد داشت.

(فروزان جلیلیان)

- مجله به دنبال گسترش مباحث مهدویت در بین عموم مردم، به ویژه جوانان است، دعا کنید تا موفق باشیم.
از شما تقاضا می‌کنم که در تمام نقاط کشور سعی شود که این نشریه، سریع و آسان به دست خوانندگان برسد مثلاً از طریق مساجد و مدارس، دارالقرآن‌ها و ارگانه‌های مذهبی بالاخص مساجد.

(نادر جنامی)

- فعلاً این امکان برای ما فقط در نمایندگی‌های مجله، شعب بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام و از طریق اشتراک مقدور است. شما هم می‌توانید در ترویج این فرهنگ یاری‌گر ما باشید و بستگان، دوستان، همکاران خود و افراد دیگر را با نام و یاد حضرت بیشتر آشنا سازید.

در این مجله نوشته شود. از نظر رهبر عزیز چه اعمال یا رفتاری باید انجام دهیم تا به رفتار یاران امام نزدیک شویم همچنین از نظر آقایان مقام معظم رهبری در مورد مسائل شرعی روز مانند نماز در هواپیما نوشته شود از زحمات زیاد شما بسیار متشکریم.

(صدرالله سیفی‌پور)

- با کارشناسانی صحبت شده و بزودی توصیه شما را عمل می‌کنیم.
لطفاً در مورد معرفت و زندگی امام عصر علیه السلام مهدویت و آسیب‌ها و آثار هنری در عرصه آخرالزمان و مهدویت مطالب جالب و زیبا و پرمحتوا چاپ نمایید در مورد چگونگی ثبت نام و شرایط داوطلبان نمایندگی فعال توضیح دهید. در ضمن خط‌های تلفن را گسترش دهید تا با اشغال خطوط مواجه نشویم.

(مهری جمالی)

- در شماره‌های قبلی مجله بحث مبسوطی از منجیان هالیوودی مطرح شده است. می‌توانید به سایت مراجعه کنید. باقی توصیه‌های شما را هم انجام می‌دهیم.

لطفاً مسائلی از مشکلات مردم، مثل وضعیت بازارهای کشور و پوشش و بیکاری جوانان و توجه برای حفظ تفکر مهدویت را بیان کنید.

(مؤید معلوری)

- ما برخی مباحث اجتماعی را در قالب‌های متفاوت نظیر مقاله «ویروس» آورده‌ایم در همین شماره هم می‌توانید پیگیر شوید.

لطفاً در شهرستان‌ها هم به فکر تأسیس مرکز تخصصی مهدویت باشید با تشکر.

(رقیه صوری)

- امیدواریم بتوانیم به این خواسته شما عمل کنیم، البته تاکنون توانسته‌ایم در مراکز تمامی استان‌ها و برخی از شهرهای بزرگ شعبی از بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام تأسیس کنیم.

انتقادات

با سلام، بهتر است سؤالات جدول مسابقه را کاملاً از متن مجله انتخاب کنید تا شرکت‌کنندگان حتماً مجله را کامل بخوانند.

(صادق کاویانپور)

بنای ما، چنین است.

با سلام کاش برگه‌های مجله کیفیت بهتری داشت تا ماندگارتر و تأثیرگذارتر می‌شد با تشکر.

(مریم میرعالی)

ما هم به دنبال تحقق این مطلبیم اما هزینه‌ها بالاست و یک مجله غیر دولتی در هزینه‌ها دستش بسته است.





در نشریه امان، مقالات و نوشته‌هایی در مورد آنچه غرب و در رأس آن یهودیان با جریان مسیحیت صهیونیست نسبت به تخریب ذهن جوانان به مهدویت انجام می‌دهند بسیار کم است. در راستای حرکت بسیار خطرناک صهیونیست باید جوانان را از این حرکت غرب آگاه کرد و اهداف شوم آنها را تشریح کرد. بجاست که شما مسئولین از موقعیت‌ها استفاده کنید و آنچه در غرب انجام می‌شود و توطئه‌های آنها را خنثی کنید و این مجله را در سطح بین‌المللی توزیع کنید.

(خلیل تهمتن میانه)

درباره غرب و مسیحیت صهیونیستی، هر از چندگاه در مجله مطالبی آورده‌ایم اما حجم آن بایستی با توجه به عمومی بودن سطح مجله در نظر گرفته شود، برای توزیع در سطح بین‌المللی با شما هم عقیده‌ایم.

نشریه پربراری است اما جای مطالبی در مورد ادعاها - که در این چند ساله در جامعه طرح گردیده - خالی می‌باشد ضمناً می‌توان در سیما نیز به ارائه مطالب پرداخت و فقط به یک نشریه اکتفا ننمود چون دشمنان حضرت صاحب‌الزمان علیه السلام به شدت و با تمام امکانات فعال شده‌اند.

(اصغر قربانی جابری)

بحث مدعیان با عنوان زنگ‌زده‌ها از چند شماره قبل آغاز و هنوز ادامه دارد. اگر شماره‌های قبل را نمی‌توانید فراهم کنید؛ می‌توانید آن را از سایت امان به نشانی www.aman.ir دنبال کنید.

بهتر بود مجله در دانشگاهها و دبیرستان‌ها هم پخش گردد تا جوانان امروز ما شناخت بیشتری نسبت به امام زمانشان پیدا کنند.

(لیلا سهرابی‌پور)

کم و بیش برخی دانشگاهها و دبیرستان‌ها به همت مسئولین و عوامل فرهنگی با مجله آشنا شده‌اند اما هنوز همه باید کارهای فراوانی باید انجام دهیم.

مجله از مطالب نو و جذابی برخوردار است. اما هزینه آن گران است و واقعاً برای مناطق محروم هزینه هر چند ناچیز ۵۰۰ تومان هم پولی است حال آنکه در این مناطق نیاز بیشتری به تغذیه فرهنگی می‌باشد.

(حدیث بابایی مقدم)

هزینه تولید و توزیع سنگین است، البته نسبت به قیمت کلی مجلات چندان گران نیست. با این حال امیدواریم بتوانیم هزینه‌ها را کاهش دهیم.

مطالب بعضی از صفحه‌ها رنگین است خواندن را مشکل می‌کند سفید باشد بهتر است.

(غضنفر احمدیان)

انشاء الله توصیه شما را عمل می‌کنیم.

بدون شرح

با سلام و خسته نباشید، دختر جوانی هستم که یک سال است عروس شده‌ام، زندگی‌ام را با مشکلات فراوانی گذراندم کم کم علائم بیماری‌ام بیرون افتاد اول دست درد و پا درد بعد کم شدن اشتها بعد که به پزشک مراجعه کردم ابتدا گفتند بیماری ناشناخته‌ای است، انواع آزمایش‌ها را دادم تا بالاخره معلوم شد سرطان دارم.

نمی‌دانم این‌ها را که گفتم درست بود یا نه بالاخره دکترها جوابم کردند هر ماه یک بار شیمی درمانی می‌شوم و الان هیچ گلایه‌ای ندارم فقط از آقا که امام زنده است می‌خواهم که به خدای مهربان بگوید که من گناه‌کارم مرا به جوانی و سادگی‌ام ببخشد چون او تنها حامی مردم است که همه چشم انتظار او هستند. با تشکر.

(م.ک)

نگران نباشید انشاء الله این دوران را پشت سر گذاشته و سلامتی خود را باز می‌یابید. ما و خوانندگان امان نیز دعاگوی

شماییم.



نامه‌های شما دوستان گرامی به مجله امان رسید

آبادان: پروانه جوکاردریس. فاطمه فاصله چهرمی. منیره خانم خازنده رشتی. نعیمه فرحانی. رضا محمدیان. پروانه عباسی. محمد علی قییم. زینب لاهوتی. محمدرضا سببعی. محمد قییم. **آبیک:** مقدس مافی‌نژاد. **آذربایجان شرقی:** سعید علی دخت. **آزادشهر:** محمد امیر اردونی. **آمل:** مولود علی‌نژاد. **ابركوه:** ناصر زارع پورگل کاران. **اراک:** منیره مرضیه میرزایی. **اردبیل:** رشید تورجی. زینب ثابت. احترام توتته‌ای. **اردستان:** مریم شمسائی ظفر قندی. **اردکان:** احمد مهدی‌زاده اردکانی. **ارسنجان:** زهرا رحیمی. **اسلام‌آباد:** فهیمه خسروی. **اسلامشهر:** شهبین فتحی. محمد صادق پوده. ربابه شیبانی. شراره بصیری. رقیه اسفندیاری. **اشکنان:** عبدالله رضانی. **اصفهان:** مرتضی جمال‌زاده. اعظم آیتی. فاطمه آیتی. معصومه آیتی سجزی. سعید حاج عنایتی. امیرحسین شبانی گلون آبادی. محمد کامران. الهام عاقدیان. **الیگودرز:** حمید حیدری. شهربانو حیدری. مریم عسگری. احسان قاسمی. **اهر:** اسماء پورمحمد. **اهواز:** محمد رضا آل خمیس. محمد لاله‌زاده. مریم بهمنی. **بافت:** زهرا مجیدی پاریزی. احمد علی خوارزمی. **بجنورد:** مهدی قربان صباغ. طیبه عیسی‌پور. **بروجرد:** سعید متقیان. **بروجن:** احمد رضا زمانی. امیررضا زمانی. **بوشهر:** طاهره زاگری. آمنه زاگری. **بهبشهر:** ارنیپ صالحی بالادهی. **تبریز:** رضا هدائی. محمود دامادی‌پور. فاطمه خوش‌باطن زرقانی. **تهران:** الهه حلاج‌زاده. مینا منصوری. منا جعفری فرغ. حسن مصطفوی. کبری کارگر. عاطفه نظام‌آبادی. زینب پور رمضان. بیژن دهبان. عارفه رضازاده. وحید طشنی. علی افشاری روغنی. علی‌نژاد حسن. زهرا علی محمدپور. محسن صالحی‌نیا. مینا اصغری. مریم زینلی. جواد راسخ. جمیله شفق. فرشته سلطانی اصل. ندا جمشیدی ساعدی. محمدرضا اصلاح. فرزانه سلطانی اصل. زهرا کریمی نامیوندی. اکرم محمدی. عصمت محمد فاضلی قصرانی. محسن آب محله. ابوالفضل آب محله. میثم آب محله. الهه آب محله. یاسر آب محله. سمانه عابد ابراهیمی. آذراحمادی جوزانی. آمنه عابد ابراهیمی. فریبا احمدی جوزانی. الناز فاضل. مونا فاضل. حلیمه خاتون خالصه. رقیه پورامیدی. محمد حسین میرزاخانی. مطهره سادات آهن‌خانی. فاطمه منصوری. سکینه جوادی. مهرانه میرزاخانی. حسین محمد حسین‌زاده. محمد فهیمی نیکو. فرزانه ترابی دلشاد. مهدی قربان‌زاده. علی اکبر دولتخواه. حسین نظری. خدیجه تقی‌لو. سارا ضامن. حسین افشاری. عشرت آهنگری. معصومه سیف‌لو. ساره عسگری. حسین خرمن‌پز. **خداآباد:** علی اکبر کلاترتی. **خرم‌آباد:** فرحناز سلیمانی سرنوا. فرشته مردانی. **خرمشهر:** الهام عوادنژاد. **خمین:** علی صابری. **خوسف:** طیبه صفری. **خوی:** احمد رحیم‌لو. میرحسن حسینی. مرضیه بوذر جمهری. رقیه رحیم‌لو. سعید رحیم‌لو. حمید رحیم‌لو. مجید رحیم‌لو. علی اسدلو. اسماعیل اسدلو. مهدی رحیم‌لو. میر ناصر حسینی. ملاحت رحیم‌لو. حسن اسدی. حسن رحیم‌لو. مریم قربان‌علی‌زاده. فاطمه اسدلو. **دشتی:** سیده خدیجه موسی‌زاده. **دلفان:** مجید حکیمی. **دماوند:** فاطمه غیبی. **رابر:** معصومه مهدی‌پور. **رامسر:** ابوذر صلواتی. **رامهرمز:** فاطمه نداف‌زاده. فاطمه خواجه گودزی. **رفسنجان:** رضوان احمدی‌پور علی‌آباد. **رودان:** طیبه رحیمی. **رودبار قصران:** حمیده آقا محسنی فشنی. **زاهدان:** سعید پودینه کریمی. **زرقان:** زهرا شادروانی. **زرنند:** سید فرشته حسنجانی فرد. **زرین‌شهر:** پریناز احمدی‌رندی. پرویز امید. فاطمه امیری. پری سادات هاشمی مقدم. **زنجان:** مرتضی میناخانی. **ساری:** محمود نصرالله‌زاده سورکی. محمود ثانوی سورکی. نساء ثانوی سورکی. آسیه ثانوی سورکی. مجتبی عباسی. لیلی امانی‌نژاد. حسن ثانوی سورکی. **سمنان:** سمیرا جمشیدی. نرجس درخشنده. **سنندج:** محمد آزاد فرجی. رضوان فرجی. علی کریمی. لیلی کریمی. معصومه تورجی. فروزان کریمی. مرضیه فرجی. مرجان فرجی. **شاه‌رود:** مسلم عرفانی. **الشت:** محبوبه جوانمرد. **شهر بابک:** زهرا استبرق‌نیا بابکی. **شهرضا:** شکبیا محمد رجبی. حبیبه آزادی. اکرم مقامی. فضل‌الله اقتداری فر. مهدی صدری. **شهرکرد:** اسماعیل صفری. **شیراز:** نرجس انصاری. علیرضا همایونی. الهه نیکویی. مرضیه مداحی فرد. **شیروان:** ملک حسن‌زاده. صفری کاظم‌پور. زهرا کاظم‌پور. **فامین:** مهدی نقوی. **فولادشهر:** رقیه هاشمی. **قم:** نصرت تاجداری. سمیه نوری. مجتبی باقریان. مرضیه بهمنی. سید حسین هاشمی. الهام وفاپی. زینب صالحی. فرشته گودرزی. زینب سعادت‌وفاق. فاطمه کفاش. زینب جمشیدی. مهدی صارمی. سید محمد موسوی. طیبه سادات افتخاری. طاهره سادات افتخاری. شریفه کریمی‌نژاد. محمد پورعزیز. زهرا صفاری‌زاده. زهرا امیری. رحمت الله حمیدی. فاطمه اسحاقی. سهیلا ابولی. اصغر ایمانی. زهرا محرمی. رضا خرم‌آبادی آرانی. ابوالحسن کریمی دردشتی. سکینه شکاری. هادی ایمانی مقدم. لیلا خسروبیگی بزچلونی. اکرم خسروبیگی بزچلونی. محمد هادی مصدق. محمد هادی قربان‌نیا. فخری میرجعفری. صفری بیگدلی. محمود تقی‌پور. علی اوسط توحیدی سیف. فرشاد سرلک. مصطفی قزوینیان. محمد شاه بداعی. معصومه سنقرآبادی. غلامحسین فرحناک. حمیدرضا حسینی حجت. حوا کریمی. خدیجه تفکری. احمد صبوری. مصطفی طیبی متمایل. فاطمه قربان‌نیا. مرضیه قربان‌نیا. رقیه فرضی گولک. زهرا جاویرسجنی. زهره زارعی. لیلا دارابی. مریم جاویر سجینی. فاطمه شوندی. اکرم کاشی. حمید شائقی. خدیجه کریمی. سعیده قادری اردکانی. مهدی حلفی. زهرا کفاش. مریم کفاش. زهرا عموحسینی. سمیه عالمی. حسین صالحی. رقیه عالمی. زهرا مدنی. علی رضا شیخ‌زاده. مریم نورمحمدی. صمد عالمی. سیده فرشته عبادی‌مهر. ربابه فضلی. فرشته اسحاقی. مهدی اسم علی عسگری. فاطمه عبادی صائغ. محمد حسین کفیل. زینب سعادت. مریم حسینی. اکرم فرهنگی‌زاده. خدیجه محمدیان. فاطمه طباطبائی امیری. صدیقه موسویان محمدی. احسان حیدری. عاقله یوسفی. معصومه اعتمادی. فاطمه کاشف الغطاء. سمیرا کهندانی. ریحانه کهندانی. وحید محمدلو. اکرم ذاقلی تجره. محمد حسین کاشف الغطاء. فرشته قاسمی. محمد مهدی صفاری‌زاده. زینب صفاری‌زاده. **کاشان:** طاهره شریفی. لیلی رعیت. مرضیه ربیع‌زاده راوندی. محمد حداد. فاطمه علی‌تبار. مریم رزاقی. منیره شفیمی مقدم. اعظم جهان میهن. سید رضا قاسم‌زاده. مریم فرهنگی‌زاده. **کبودرآهنگ:** معصومه آشوری. لیلا بدری. **کرج:** مریم باریکانی. راحله اینانلو. طاهره اینانلو. **کرمان:** اطهره جوپاری‌نژاد. **کرمانشاه:** فاطمه یزدانی مهر. لیلا همتیان. **گراش:** سکینه فتحی. صدیقه تقی‌نژاد. شهناز محسنی. مرتضی محسنی. ماهناز آذرآئین. مهدی فتحی. قدرت فتحی. زینب شکوری. سمیرا شکوری. فاطمه فرجی. حلیمه کرباسی. محمد علی فرجی. زهرا فرجی. حسین فتحی. عاطفه فتحی. احمد فرجی. مریم صالحی. سمیه کارگر. فرهاد کارگر. زینب مسلمانی. مریم برازش. مریم فرجی. مصطفی محسنی. سیما فرجی. محمد محترمی. راضیه محسنی. فاطمه جوکار. نرگس فولادی. فرج الله فرجی. معصومه فولادی. مریم صالحی. نجمه یوسفی. حلیمه فولادی. حکیمه یوسفی. مریم جوکار. لیلی صالحی. فاطمه صالحی. زبیده صالحی. **گرمسار:** حلیمه عباسی. **لارستان:** راحیل حامدپور. **لامرد:** حسینعلی محترمی. مهدی محترمی. **لنگرود:** زینب حبیبی. حمیده ضیائی چولابی. **ماهان:** مریم محسنی ماهانی. معصومه نرگزاده ماهانی. اکبر باقری. **محلات:** فرشته سلیمانی. مهدیه بخشی.

محلات: مهدیه بخشی. **مشهد:** الهه وهاب. حسین کهنسال استاجی. **میبد:** زهرا رضایی. **نائین:** اکرم السادات موسوی محمدی. **نجف‌آباد:** حامی خودسیانی. مهدی پاینده. محمد کریم‌زاده. **نکا:** مریم اکبری. **نور:** زهرا تولکی. **نی‌ریز:** علی اکبری. طیبه حسن‌پور. **نیشابور:** ملیحه آذری توبکانلو. **ورامین:** رویا بیرانوند. **هریس:** حسن کوه سریان بخشایش. **همدان:** حسین خسروانی‌راد. سمیه صاحبی پایدار. معصومه گلی‌پور. رقیه شیری. مریم شیری. مهدی عبادی. بهاره قربان‌زاده. **هندیجان:** سیده مریم موسوی. **یاسوج:** علی سینایی. رضا منصور مهریان. **یزد:** سید محمد مهدی مصدق. **نامعلوم:** طیبه بابایان. محمود رزاقی. کبری شاکری. فریناز نایاب. سکینه نوری‌یکتا.

مثنوی مایه ادبی

خیلی از ما عادت کرده‌ایم که بگوییم منتظریم بعد از هر صلواتمان بگوییم «و عجل فرجهم» یا اینکه بعد از هر نماز دعای فرج را بخوانیم حتی از روی عادت برای سلامتی آقا نذر می‌کنیم، آری به نبودنش به نیامدنش به انتظارمان عادت کرده‌ایم. او منتظر ماست که ما برگردیم، مائیم که در غربت کبری مانده‌ایم.

(سمانه قاسمی فر)

ای پایان غربت علی بیا و با آمدنت واژه ماتم افزای «این» را از لغتنامه منتظرانت حذف کن بیا و با آمدنت ندبه را از مفاتیح الجنان بیرون کن. ای امید همه مظلومان بیا که دیگر خسته‌ام از این همه سلام بی‌جواب نه بهتر بگویم خسته‌ام از بس سلامت کردم و تو جواب دادی ولی گوش‌های کر شده از امواج معصیت یارای شنیدن نداشت.

(سمیه نعمت‌پور)

ای آقای جمعه‌های عشق کی می‌آیی که چشمان بهاری‌ام بارها در فراق باغ سرسبز وجودت بارانی شده است هرگز جمعه‌های نابی را که با عشق، نامت را صدا زده و قلمی که تک بیت‌های ناب التهاب وجودم از فراق را نگاشته‌ام فراموش نخواهم کرد، بیا که در خنکای نسیم سحری انتظارت را می‌کشم ای اولین و آخرین آیه عشق و انتظارت کی می‌آیی که چشمم به در و گوشم به زنگ مانده است. بیا عزیز زهرا که با دو چشم زلیخایی انتظار قدم مبارک یوسفیات را می‌کشم.

نشانی فرستنده: منتظر بهار

نشانی گیرنده: صحرای غیبت، خیمه سبز

(بتول زارعی)

شاید آن روز که سهراب نوشت: تا شقایق هست زندگی باید کرد، خبری از دل پردرد گل یاس نداشت
باید اینجور نوشت: هر گلی هم باشی چه شقایق چه گل پیچک و یاس تا نیاید مهدی زندگی دشوار است.
۱۱۷۰ سال است که مردی منتظر ۳۱۳ مرد است... چقدر مرد شدن زمان می‌برد.
(بهناز براتی)

قطعه گمشده‌ای از پر پرواز کم است
یازده بار شمردیم یکی باز کم است
این همه آب جاری است نه اقیانوس است
عرق شرم زمین است که سرباز کم است
(پریسا توانگر)

حدیث خنده

بهانه دست همه داده این نیامدنت
چه حرف‌ها که شنیدم به جرم خواستنت
چقدر وقفه بیفتد در این که می‌آیی؟
چقدر فاصله مانده به روز آمدنت؟
به سنگ خورده به دنبال چشم تو هر رود
و باد گم شده در جست‌وجوی پیرهن
تو باغبانی، اما به آب داده خزان
چه دسته گل‌هایی را که چیده از چمن
به سمت یأس قدم می‌زند جهان بی تو
کجاست «جاده هم پای او قدم زدنت...»؟
کجاست لهجه بارانی‌ات برای زمین
که جان دهد به درختان، بلاغت سخنت
تبسمت را مخفی نکن که پیک نسیم
حدیث خنده بخواند به غنچه از دهنت
نده بهانه به دست کسی... بیا دیگر
که پر شود دنیا از شمیم آمدنت

امیر اکبر زاده



تو را می خوانم...

از پشت شیشه های احساس
تو را می خوانم
تو را،
تو را ای بهترین بهانه زیستن
تو را می خوانم
تو را از میان اندوه گل ها
تو را از میان غربت دل ها
تو را به وسعت تمام غم ها
تو را به بهترین بهانه ها
تو را به لحظه لحظه ها
تو را از میان ظلم و بدادها
آهسته و بی صدا فریاد می زنم

رقیه همایی

تمام دلخوشی

تمام دلخوشی من به هفته ها این است
به هر کجا که روم یک بهانه مشترک است
به حسرت نگهی مانده ام در این دنیا
قسم به خال سیاهت که عاشقی زارم
شبم به صبح رسید و رسید جان به لبم
بسوزم و بفروزم چون شمع آب شوم
کجا روم بجز از درب خانه ات جانا
خدا کند که دوباره مرا پناه دهی

که جمعی از تو برسد آید از تو یک خبری
که شاید از گذر راه من کنی گذری
بیا و از کرمت کن به بینوا نظری
چرا ز عاشق زارت چنین تو بر حدری
بیا به گوشه این دل گذر نما سحری
بیا به شعله جانم عطا نما اثری
بجز در تو ندانم نشان هیچ دری
الا که بر همه آوارگان تو سایه سری

حجّت الله قلی پور

اخبار

دست مبارک ولیعصر را انسان می بیند پشت سر این حوادث

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (دامت برکاته): در جمهوری اسلامی هم جز در همه پرسی فروردین سال ۵۸ هیچ نظیری دیگر وجود ندارد برای انتخاباتی که هفته گذشته شما انجام دادید. مشارکت حدود ۸۵ درصد تقریباً ۴۰ میلیون جمعیت. دست مبارک ولیعصر را انسان می‌بیند پشت سر این حوادثی با این عظمت که نشانه توجه خداست. (نماز جمعه تهران - ۸۸/۳/۲۹)



آشنا کردن مردم با امام زمان خدمت به بشریت است

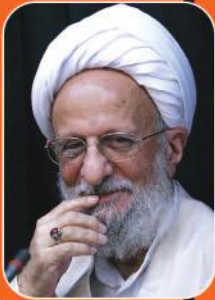
حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دامت برکاته): باید برنامه‌ها و تشکیلات منظم و هدفمندی همراه با خلوص نیت در راستای آشنایی مردم با امام زمان عجل الله تعالی فرجه در حوزه و نهادهای علمی دیگر به وجود آید. مسأله وجود حجت، بسیار بااهمیت است و تمام عالم بر وجود ایشان استقرار یافته است و طلاب باید از برکات وجودی آن حضرت، بیشتر از همه استفاده کنند. بشریت باید از وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه استفاده کند، زیرا آشنایی مردم جهان با آن حضرت خدمت به بشریت است و این مسئله باید جهانی شود. بشریت از توجه به امام زمان عجل الله تعالی فرجه غافل است و باید با سخنرانی‌ها، پژوهش‌ها، تألیف کتاب‌ها و مقالات در راستای خدمت به حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه گام برداشت. باید به وسیله ابزارهای جدید تبلیغاتی در برابر شبهات بایستیم و با آمادگی کامل به معرفی امام زمان عجل الله تعالی فرجه بپردازیم و مردم جهان را از وجود نازنین آن حضرت آگاه کنیم. (دیدار جمعی از متخصصان و دانش‌پژوهان مرکز تخصصی مهدویت)



مسأله مهدویت باید به صورت جهانی مطرح شود

حضرت آیت الله العظمی نوری همدانی (دامت برکاته): باید نیروهای تربیت شده در دو عرصه داخلی و خارجی به فعالیت و تلاش بپردازند و معارف مهدویت را به تمام دنیا برسانند. باید از ظرفیت





صدا و سیما به شکل درست استفاده شود و معارف مهدویت و امام زمان (عج) را در داخل کشور به مشتاقان و عاشقان امام مهدی (عج) رساند.
(دیدار با مسئولان و دانش پژوهان مرکز تخصصی مهدویت)

شهادت طلبی و انتظار که در متن اسلام هستند در مکتب شیعه جایگاه بسیار والایی دارد

آیت الله مصباح یزدی (دامت برکاته): شهادت طلبی و انتظار که در متن اسلام هستند در مکتب شیعه جایگاه بسیار والایی دارد. این دو امر واجب در واقعه کربلا و غیبت امام عصر (عج) عینیت و صدق پیدا می کند.
حضرت امام (عج) همواره فرمایشات ارزنده ای در مورد این دو مفهوم فرموده اند که می توان این عوامل را از رموز پیروزی تاریخی انقلاب اسلامی و استمرار این انقلاب دانست.
وقتی مفاهیم مربوط به انتظار و عاشورا فقط با تکیه بر احساسات بیان شود، آن وقت است که شبهات به سمت ما روانه می شود و کسانی که شناخت را پشتوانه خود نکرده اند با کوچک ترین شبهه ای جایگاه خود را از دست می دهند و در مرحله بعد به دلیل همین ضعف به صف معاندان هم در می آیند و از گروهکها سر در می آورند.
(همایش انتظار و شهادت)

علمای اسلام برای رسیدن فرهنگ دینی به دست ما، جان خود را فدا کرده اند

رییس محترم جمهور دکتر محمود احمدی نژاد: با اشاره به نقش علمای اسلام بویژه روحانیان در هدایت و پیروزی انقلاب اسلامی گفت: علمای اسلام برای رسیدن فرهنگ دینی به دست ما، جان خود را فدا کرده اند.
(دیدار جمعی از دانشجویان)

گفتمان غالب در جامعه باید گفتمان مهدویت باشد.

آیت الله اسدالله ایمانی، نماینده مقام معظم رهبری در استان فارس و امام جمعه شیراز در دیدار با اعضای هیئت امنای بنیاد حضرت مهدی موعود (عج) در شیراز با تأکید بر ضرورت توجه به امور فرهنگی، آموزشی و پژوهشی درباره مباحث مهدویت گفت: باید در بحث مبارزه با خرافات و شبهه زدایی از مسایل مربوط به مهدویت برنامه ریزی و تلاش کرد.
وی با قدردانی از تلاشها و زحمات مسئولان این بنیاد ابراز داشت: گفتمان غالب در جامعه باید گفتمان مهدویت باشد.
(خبرگزاری شبستان)

فرقه ها و مکاتب ضاله، از قرآن مدل جعلی ساخته اند

به همت دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، نشست علمی - کاربردی تبلیغ، ویژه مبلغان طرح هجرت تابستان ۸۸، در سالن همایش های این دفتر برگزار شد.
مدیر مرکز تخصصی مهدویت در این نشست گفت: فرقه ها و مکاتبی که ادای دین در آورده اند، همه از قرآن تقلید کرده و از این اصل، یک مدل جعلی برای خود ساخته اند.
وی به شیوه های استفاده از قرآن در تبلیغ پرداخت و گفت: هیچ توشه ای برای تبلیغ بالاتر از قرآن نداریم.
حجت الاسلام والمسلمین کلباسی افزود: تأثیر قرآن در افراد، بیمه شده است و کسی که قرآن را برای مردم می خواند و آن را تبیین می کند، خود به خود تأثیرات فراوانی در گوینده و شنوندگان دارد.

برنامه های معاونت شعب بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام در نیمه شعبان

برگزاری همایش های مهدوی با موضوعات روز (ارگان ها و موسسات دولتی و عموم مردم)
برگزاری دوره های آموزشی (آموزش و پرورش - سازمان تبلیغات، اوقاف، ارگان ها و مؤسسات دولتی)

برگزاری نشست های تخصصی
انجام امور تبلیغی (سخنرانی، پرسش و پاسخ، گفتمان) با همکاری سازمان تبلیغات و اوقاف، هیئت های مذهبی، موسسات و کانون های فرهنگی.

برگزاری مراسمات مذهبی (دعای کمیل، احیاء، دعای ندبه)
راهپیمایی و پیاده روی با عنوان آمادگی و انتظار (با همکاری تربیت بدنی، صدا و سیما)
برگزاری نمایشگاه عکس و نقاشی و پوستر با رویکرد انتظار و امید (ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات، حوزه هنری، هنرمندان)

برگزاری نشست های رسانه ای با موضوعات مهدوی با همکاری اساتید و صاحب نظران حوزه مهدویت و صدا و سیما

برگزاری اردوهای زیارتی - سیاحتی - آموزشی با همکاری سازمان ها و مراکز اردویی و اساتید مهدویت

برگزاری مسابقات کتابخوانی مهدوی جهت گسترش فرهنگ مهدویت در جامعه. ۱. عمومی: با همکاری اوقاف - سازمان تبلیغات. ۲. خواص: ویژه کسانی که دوره های مهدویت را دیده اند جهت تداوم آموزش

برگزاری مسابقات مقاله نویسی و پژوهشی، با همکاری مجلات و نشریات تخصصی و عمومی
تشکیل و یا توسعه ستاد شعبانیه جهت هدفمند کردن برنامه ها و فعالیت های ویژه نیمه شعبان
برنامه ریزی جهت افتتاح و یا اختتام برنامه های مدت دار مهدوی مثل دوره ها
طراحی و چاپ بروشور و پوستر ویژه نیمه شعبان
نمایشگاه کتاب و محصولات مهدوی.

دانشکده صدا و سیما آثار حوزه مهدویت را تدوین می کند

دانشکده صدا و سیما تا پایان سال جاری آثار تولید شده مهدوی دانشجویان و استادان این دانشکده را استخراج و تدوین می کند.

تدوین آثار مرتبط با حوزه فرهنگ مهدویت با هدف اشاعه فرهنگ مهدویت در جامعه دانشگاهی و در راستای برپایی دومین دوره جشنواره آخرین منجی که به بررسی موضوعاتی چون جهان درانتظار منجی، نقش زنان و جوانان در نهضت انتظار و ولایت فقیه، تبلور منجی گرایی در جهان معاصر می پردازد، صورت می گیرد.

دانشکده صدا و سیما با هدف ارتقای آثار تولید شده در حوزه مهدویت و معرفی فلسفه انتظار اقدام به داوری گزارش های رسانه ای ارسالی به این جشنواره در بخش های خبری، صوتی، تصویری و مکتوب کرده است.
(شیراز)

فیلم «ستاره انتظار» در حال تدوین است

فیلم ستاره انتظار به همت اداره تبلیغات اسلامی آزاد شهر استان گلستان با هدف تعمیق باورهای مهدوی جامعه تولید می شود.

داستان این فیلم درباره روحانی مبلغی است که به یک روستا می رود و با تلاش در امر معیشت و رفاه و تبلیغ دین تلاش می کند. این فیلم نشان می دهد ورود این مبلغان تا چه حدی در مناطق مختلف کشور مثر ثمر بوده اند.

اسکندری خاطرنشان کرد: موضوع پایانی این فیلم درباره این است که علما چگونه می توانند با تلاش علمی و تبلیغی خود زمینه های ظهور را فراهم کنند.

سید محمود طاهری نویسنده و کارگردان فیلم ۹۰ دقیقه‌ای ستاره انتظار است. این فیلم هم اکنون در مرحله تدوین است و در هفته تبلیغ پخش شود.

برگزاری نشست مدیران بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام به منظور ارتقای سطح فعالیت‌های و هم‌اندیشی، نشستی با مدیران شعب استان‌های این بنیاد برگزار کرد. این نشست به مدت دو روز، سی و یکم اردیبهشت و یکم خرداد ماه در اصفهان برگزار شد و مدیران ۲۰ شعبه بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام از سراسر کشور حضور داشتند.

حجت الاسلام و المسلمین کفیل مدیر امور شعب بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام با اعلام این خبر گفت: این نشست، با توجه به شروع سال جدید و به منظور اصلاح امور، و بررسی شرایط کار فرهنگی در سال ۸۸ برگزار شد.

در این نشست دو روزه، مدیران شعب بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) عملکرد خود را مورد بررسی و ارزیابی قرار دادند.

چهارمین جشنواره فرهنگی و هنری طلایه ظهور

برگزاری چهارمین جشنواره فرهنگی و هنری طلایه ظهور به همت اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی و همکاری آستان مقدسه حرم حضرت معصومه علیها السلام و مرکز تخصصی مهدویت و مراکز دیگر مهدوی در ایام جشن ولادت حضرت مهدی علیه السلام در قم پنجمین همایش بین‌المللی دکتترین مهدویت در سه محور؛ زمینه‌سازی، رسالت‌ها و راهبردها و فرصت‌ها و تهدیدها برگزار می‌شود.

این همایش با عنوان «جامعه و دولت زمینه‌ساز، رسالت‌ها و راهبردها» به مدت دو روز در روزهای ۱۳ و ۱۴ مرداد سال آینده (مصادف با ۱۲ و ۱۳ شعبان المعظم سال ۱۴۳۰ ه. ق) با حضور مسوولان کشوری و اندیشمندان ایرانی و غیرایرانی در سالن اجلاس سران تهران برگزار خواهد شد.

عدم موازی کاری

به گزارش ستاد خبری دومین جشنواره بین‌المللی آخرین منجی، سه جشنواره طلایه ظهور، آخرین منجی و آینده روشن در سال جاری با تشکیل ستاد جشنواره‌های مهدوی با توجه به نامگذاری سال ۸۸ به اصلاح الگوی مصرف و پرهیز از موازی کاری در این عرصه گام نهاده‌اند. هر یک از این سه جشنواره به تفکیک موضوع و رشته‌های هنری متکفل برگزاری این جشنواره هماهنگ هستند. رشته‌های هنری جشنواره خوش‌نویسی، پوستر، نقاشی، نقاشی خط، تصویرسازی و شعر و داستان و... می‌باشد. برای سومین بار تلاش بهائیان و صهیونیست‌ها در حک کردن سایت آخرین منجی با شکست مواجه شد.

به گزارش ستاد خبری دومین جشنواره بین‌المللی آخرین منجی، محمد صادق افراسیابی؛ دبیر شورای هماهنگی این جشنواره؛ فعالیت‌های متنوع دبیرخانه جشنواره بین‌المللی آخرین منجی برای ترویج فرهنگ انتظار و ولایت مداری در سطح جهان، واکنش شدید گروه‌های بهایی، وهابی و صهیونیست‌ها را به دنبال داشته است، به گونه‌ای که در ماه گذشته شاهد سه حمله شدید بهائیان و صهیونیست‌ها به سایت جشنواره بودیم و آخرین تلاش آن‌ها برای حک سایت جشنواره در جمعه گذشته با شکست مواجه شد.

ما با در نظر گرفتن پیش‌بینی‌های لازم توانستیم با آخرین تلاش آن‌ها در ایام ارتحال ملکوتی حضرت امام خمینی (ره) برای دسترسی به سایت جشنواره مقابله کنیم و از طریق نرم‌افزارهایی خاص و پیشرفته عامل حک جشنواره را در اورشلیم شناسایی کردیم.

جدول

| | | | | | | | | | | | | | | |
|----|----|----|----|----|----|----|---|----|----|----|---|---|----|---|
| | ۱۴ | ۱۳ | ۱۲ | ۱۱ | ۱۰ | ۹ | ۸ | ۷ | ۶ | ۵ | ۴ | ۳ | ۲ | ۱ |
| ۱ | | | | | | | | ۲۲ | | | | | ۱۷ | |
| ۲ | | ۲۴ | | | | | | | | | | | | |
| ۳ | | | ۱۰ | | ۶ | | | | ۱۶ | | | | ۱ | |
| ۴ | | | | | ۲۵ | | | | | | | | | |
| ۵ | ۷ | | | | | | | ۵ | | | | | | |
| ۶ | | | | | | | | | | | | | | |
| ۷ | | | ۲۱ | | | ۱۳ | | | | | | | | |
| ۸ | | | | ۱۱ | | | | | | | | | ۳ | |
| ۹ | | | | | | | | | | | | | | |
| ۱۰ | | | | | | ۴ | | | | | | | | |
| ۱۱ | ۱۸ | | | | | | | | | | | | | |
| ۱۲ | | | ۸ | | ۲۳ | | | | ۱۹ | ۲۰ | | | ۱۲ | |
| ۱۳ | | ۹ | | | | | | | | | | | | |
| ۱۴ | | | | | | ۱۴ | | | | ۲ | | | ۱۵ | |

واحد ک

عمودی

۱. سوم شعبان به این روز نامگذاری شده است - جمع رمز: ۷.
۲. منطقه‌ای در جنوب تهران - سیاره‌ای که به دور زمین می‌گردد - از ماه‌های سال.
۳. نام سوره‌ای در قرآن - بزرگان و رؤسا - عزرائیل آن را می‌گیرد.
۴. پدران و نیاکان - وسیله ارتباط بنده با خداوند متعال.
۵. مولود سوم شعبان - خام در هم ریخته.
۶. سخت نیست - نان قدیم از آن تهیه می‌شد - حرص و آز.
۷. آگاهی و بینایی در راه و هدف - عظمت.
۸. عددی دو رقمی - پاینده و برقرار - روز نیست.
۹. زود در هم ریخته - جمع هدیه - دوستی و محبت.
۱۰. بزرگتر به عربی - از نام‌های خداوند.
۱۱. یازدهم شعبان میلاد این فرزند امام حسین علیه السلام است.
۱۲. باید در هم ریخته - روایت‌گر.
۱۳. خط راه‌آهن - چهره در هم کشیدن.
۱۴. مولود چهارم شعبان.

افقی

۱. روز میلاد حضرت ابوالفضل علیه السلام به آن نامگذاری شده است - دوست داشتن.
۲. قرض - کمینگاه - کتک زنده.
۳. نیرو و توانایی - به معنی درس نخوانده و از القاب پیامبر - داخل شدن.
۴. عضوی در بدن - زیاد نیست - پروردگار - صمغ درخت‌گون که در نساجی کاربرد دارد.
۵. الفت - دلیل و از القاب حضرت مهدی علیه السلام - عدد هفت به عربی - پهلوان.
۶. نام حیوانی است - فرمان ماشین - پیچیدن و مخالف نشر.
۷. دارو - سلطان - دریا به عربی.
۸. برکت سفره - حرکت نظامی بر ضد حکومت یک کشور - اهل و عیال.
۹. پایتخت اروپایی - وای در هم ریخته - نمی‌شود.
۱۰. میلاد مولود یازدهم شعبان المعظم - شهری در مازندران.
۱۱. راه کوتاه - بالای چشم.
۱۲. جمع جدول - فعل امر از مصدر یافتن.
۱۳. خداحافظی - مزه نمک - تلفظ حرف هشتم الفبای فارسی.
۱۴. لقب مولود پنجم شعبان است - از فلزات.

تذکر

۱. با کنار هم قرار دادن حروف خانه‌هایی که شماره دارند رمز جدول را بیابید و به آدرس نشریه ارسال کنید تا به قید قرعه از برندگان امان باشید.
 ۲. سوالات مسابقه تستی از متن مجله (همین شماره) انتخاب شده است و جوایز ویژه برای پاسخ به مسابقه تستی است.
 ۳. برای جدول و مسابقه تستی جداگانه قرعه کشی می‌شود.
 ۴. جایزه هر برنده عبارت است از اهدای یک سکه زرین امان (پلاک طلایی مزین به آرم امان) + اشتراک دو سالانه نشریه امان یا کتب خواندنی در عرصه مهدویت.
 ۵. تعداد برندگان جدول در هر شماره ۲ نفر خواهند بود.
 ۶. مهلت ارسال رمز جدول و پاسخ مسابقه این شماره تاریخ ۸۸/۷/۱۵ می‌باشد.
- برای این که حق هیچ یک از شرکت‌کنندگان که از راه دور و نزدیک برای ما پاسخ‌نامه می‌نویسند ضایع نشود اسامی برندگان جدول و مسابقه تستی هر شماره با یک شماره تأخیر اعلام می‌شود.

رمز جدول شماره ۱۶: امام زمان علیه السلام قلب عالم هستی
 برندگان جدول شماره ۱۶: زینب صالحی (قم) - نرگس فولادی (گراش)
 برندگان مسابقه تستی شماره ۱۶: سعید حاج عنایتی (اصفهان) - رشید توریجی (اردبیل)

موسسه فرهنگی-تربیتی امان



فرم اشتراک مجله امان (ویژه امام زمان (عج))

نام: _____
نام خانوادگی: _____
میزان تحصیلات: _____
شغل: _____
نشانی دقیق: _____
کد پستی: _____
تلفن: _____
تعداد درخواستی: _____
شروع اشتراک از شماره: _____
مبلغ پرداختی: _____
شماره حواله: _____

محل امضاء

هزینه اشتراک

| نوع درخواست | با پست عادی |
|-------------|-------------------|
| تک شماره | ۵۰۰ + ۵۰۰۰ ریال |
| ۶ شماره | ۳۰۰۰ + ۳۰۰۰۰ ریال |
| ۱۲ شماره | ۶۰۰۰ + ۶۰۰۰۰ ریال |

وجه اشتراک را به حساب سیبا ۰۱۰۵۶۴۱۹۳۴۰۰۹ به نام بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) واریز نموده و اصل فیش بانکی را همراه با این فرم به وسیله پست جواب قبول ما یا به نشانی - قم/ خیابان شهداء (صفاییه)/ کوچه شماره ۲۲ (آمار)/ بن بست شهید علیان - مرکز تخصصی مهدویت (صندوق پستی ۳۷۱۸۵-۳۹۷۵) جهت نشریه امان ارسال یا فکس کنید.

یادآوری:

- از ارسال وجه نقد به نشانی مرکز خودداری کنید.
 - در صورت تغییر نشانی خود، مراتب را به دفتر مجله اطلاع دهید.
 - تعداد و نوع سفارش خود را دقیقاً مشخص کنید.
- تلفکس: ۰۲۵۱-۷۸۳۲۵۰۰

پس جویب تبول

هزینه پستی بر اساس قرارداد شماره ۹۲-۳۷۱۸۴ پرداخت شده است و نیاز به الصاق تمبر نمی باشد.

۱۸

امان

ویژه امام زمان (عج)

www.aman.ir

قم/ صندوق پستی ۳۷۱۸۵/۳۹۷۵

تلفکس: ۰۲۵۱-۷۸۳۲۵۰۰